

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرصت حضور

بیان مراتب سلوک الی الله در ماه مبارک رمضان

با تکیه بر ادعیه این ماه

استاد محمدتقی فیاض بخش

ویراست اول: ماه مبارک رمضان ۱۴۰۰

این جزوه حاصل تدوین بیانات استاد محمدتقی فیاض بخش در مجموعه برنامه‌های «فرصت حضور» است که طی ۲۷ قسمت در ماه مبارک رمضان ۱۳۹۹ شمسی در صفحات و کانال‌های مؤسسه جلوه نور علوی در فضای مجازی منتشر گردید.

برای دریافت فایل صوتی یا فیلم این برنامه‌ها، به سایت مؤسسه مراجعه فرمایید.



مؤسسه فرهنگی هنری جلوه نور علوی (ع.ا.ا.ا.)

تلفن: ۰۹۰۳۳۹۸۷۹۹۰، (۰۲۱) ۳۳۹۸۷۹۹۰

سایت: www.jelveh.org

صفحه اینستاگرام: https://www.instagram.com/fayyazbakhsh_org

کانال تلگرام: <https://telegram.me/jelvehnooralavi>

کانال سروش: <https://sapp.ir/jelvehnooralavi>

کانال بله: <https://ble.ir/jelvehnooralavi>

کانال ای‌تا: <https://eitaa.com/Jelvehnooralavi>

عنوان: فرصت حضور (بیان مراتب سلوک الی الله در ماه مبارک رمضان، با تکیه بر ادعیه این ماه)

تدوین و تنظیم: تحریریه مؤسسه فرهنگی هنری جلوه نور علوی

ویراست اول، ماه رمضان ۱۴۰۰.

تمامی حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به مؤسسه فرهنگی هنری جلوه نور علوی است.

فهرست مطالب

مقدمه

- ۸..... راه بسیار طولانی رسیدن به سعادت
- ۱۱..... ماه رمضان ماه رحمت آبشارگونه پروردگار
- ۱۲..... یکرنگی با ماه مبارک رمضان
- ۱۴..... اغتنام فرصت حضور در دعای وداع ماه مبارک
- ۱۵..... ماه رمضان با شکوه‌ترین بهشت الهی
- ۱۷..... محورهای اصلی دعای وداع
- ۱۷..... ۱. توبه، بازگشت به پروردگار
- ۲۲..... ۲. شکر نعمت موجب نیل به مدارج عالی
- ۲۴..... ۳. ماه رمضان ماه عبادت کامل
- ۲۵..... ۴. رمضان ماه ستر الهی
- ۲۵..... ۵. دریای بی‌کران جود و بخشش

فصل ۱: طرق سیر در ماه مبارک رمضان

- ۲۶..... ۱. سیر با قدم عقل
- ۲۸..... تعبیر اصحاب الیمین برای سالکان با قدم عقل
- ۲۹..... ویژگیهای اصحاب الیمین
- ۳۰..... الف. صبر؛

- ب. فضل (سعه صدر)..... ۳۱
۲. سیر با قدم محبت ۳۳

فصل ۲: لوازم ورود به ماه رمضان و محبوبیت درگاه الهی

- الف. محاسبه النفس ۳۶
- ب. توبه، ایجاد قابلیت در خود..... ۴۰
- بیان مراتب توبه ۴۲
- ج. تدبر قرآن ۴۵
- مراتب باطنی قرآن ۴۷
- د. کمک به فقرا، توجه به سیر اجتماعی به سوی حق ۴۹
- حق فقرا در مال اغنیا..... ۵۱
- ه. قناعت موجب آرامش ۵۴
- ه. استقرار در مقام احسان ۵۷
- ح. درخواست وادی اخبات ۵۹
- طی منازل چهارگانه در وادی اخبات ۶۱
- استمداد از کریم برای ورود به وادی اخبات ۶۳
- ط. تولی و تبری شرط رسیدن به مدارج عالی ۶۶

فصل ۳: مراقبات دهه پایانی ماه مبارک رمضان

- شب نوزدهم ۶۹
- شست و شویی برای ورود به شب های قدر..... ۶۹
- توسل به اهل بیت علیهم السلام برای رسیدن به قرب الهی..... ۷۲

- شب بیست و یکم ۷۷
۱. همه دعاها مقدمه برای دعای فرج ۷۹
۲. تقاضای مقام رضا ۸۰
- شب بیست و سوم ۸۳
- بالاترین دعاها در شب قدر ۸۶
- دعای فرج عام و خاص ۸۶
- طلب عافیت ۹۰
- سیر مراتب حب در دهه پایانی ۹۱
- رسیدن به مقام مخلصین با عبادت احرار ۹۳
- ارتقای کیفیت عبادت ۹۸
- عوامل دوری از مقام محبوبین ۱۰۱
۱. متکبران ۱۰۱
۲. ظالمان ۱۰۲
۳. حریمشکنان ۱۰۳
۴. خائنان ۱۰۴
۵. مفسدان ۱۰۴
۶. متجاهران به فسق ۱۰۵
۷. مرفهان بی درد ۱۰۶
۸. مسرفان ۱۰۶
- عوامل رسیدن به مقام محبوبین ۱۰۶
- عوامل رسیدن به مقام محبوبین در روایات ۱۰۷

- ۱۰۹..... درخواست مقام محسنین در آخرین فرصتها
- ۱۱۲..... درخواست بخشش و جبران کوتاهی های ماه رمضان
- ۱۱۴..... اول: بهره مندی از عنایات خاص
- ۱۱۶..... دوم: دعا در حق دیگران
- ۱۱۷ سوم: استقامت بر راه
- ۱۱۸ شتاب به سوی عیدی الهی در عید فطر

راه بسیار طولانی رسیدن به سعادت

ماه مبارک رمضان، ماه مقربان و محبان درگاه الهی، ماهی است که انسان‌ها با میان‌بر در مسیر سیرالی‌الله می‌توانند راه پرپیچ و خم قرب الهی را در اندک زمانی طی کنند؛ امیرمؤمنان علی علیه السلام در بیان نورانی‌شان در نهج‌البلاغه با دلی پردرد و غصه، درباره‌ی این راه طولانی می‌فرمایند: «أَهْ مِنْ قِلَّةِ الزَّادِ وَطُولِ الطَّرِيقِ وَ بَعْدِ السَّفَرِ وَعَظِيمِ الْمَوَدِّ»^۱، شخصیت برجسته‌ای مانند مولای متقیان علی علیه السلام وقتی از طولانی‌بودن راه، خطر فراوان این راه، کمی زاد و توشه راه‌روندگان در این مسیر و در عظمت قیامت و عقبات آن آه سر می‌دهند و ناله می‌کنند، تکلیف دیگران مشخص است! علاوه بر آن خداوند در سوره مبارکه بلد می‌فرماید: این راه نه‌تنها پرپیچ و خم و خطرناک است، بلکه این راه‌گردنه‌هایی صعب و دره‌هایی بسیار خطرناک دارد و هرگز هر انسانی نمی‌تواند از گردنه‌های سخت این راه عبور کند ﴿فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ﴾^۲، ای پیامبر! توجه دانی که این گردنه‌ها و این راه‌های سخت چه پیچ‌وخم‌ها و چه عقبات سختی در پیش دارد؟ از این رو انسان باید با تلاش و جدیت این گردنه‌ها را در طول

۱. نهج‌البلاغه، (للصباحي صالح)، ص ۴۸۱، حکمت ۷۷.

۲. البلد، ۱۱ و ۱۲.

زندگی طی کند و از همه مهم‌تر اینکه خداوند در این مسیر درباره دشمنان خطرناک و قسم خورده برای نابودی انسان هشدار می‌دهد که خطرناک‌ترین آنها، شیطان است که در قَسَم بسیار شدیدتری گفت: ﴿فَبِعِزَّتِكَ لَأُغَوِّيَهُمْ أَجْمَعِينَ﴾؛^۱ عجیب‌تر اینکه خداوند دست او را برای اغوای انسان و غربال شدن مؤمن از غیرمؤمن، منافق از مؤمنینِ خالص، مشرک و کافر از صالح باز گذاشته است؛ خداوند متعال در این باره می‌فرماید: ﴿وَاسْتَفْزِزْ مَنِ اسْتَضَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَ أَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَ رَجْلِكَ وَ شَارِكِهِمْ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ وَ عَدَّهُمْ وَ مَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا﴾؛^۲ هرکاری که می‌توانی انجام ده! با تمام جنودت، از سمت راست، از سمت چپ، از هر طریقی که می‌توانی به آنان حمله کن؛ ولی بدان که بندگان حقیقی مرا نمی‌توانی گمراه کنی؛ ﴿إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ﴾.^۳

بنابراین راه به سوی مقام خلافة‌اللہی انسان بسیار طولانی و دشمنان راه فراوان و مسیر پرپیچ و خم است؛ در نتیجه در این مسیر تعداد کمی از انسان‌ها می‌توانند با قدم خودشان حرکت کنند، اما مژده این است که خداوند برای

۱. ص، ۸۲؛ «به عزتت سوگند همه آنان را گمراه می‌کنم».

۲. الاسراء، ۶۴؛ «از آنان هر که را توانستی با آوازت [به سوی باطل] برانگیز، و با سواره‌ها و پیاده‌هایت بر آنان بانگ زن، و با آنان در اموال و در اولاد شریک شو، و به آنان وعده [دروغ] بده و شیطان آنان را جز از روی باطل و دروغ وعده نمی‌دهد».

۳. الاسراء، ۶۵؛ «یقیناً تو را بر بندگانم هیچ تسلطی نیست».

انسان‌ها یک لحظه‌های نورانی را در طول عمرشان قرار داده که با بهره‌مندی از آن لحظه‌ها و با کمک مولا می‌توانند راه را آسان و سریع طی کنند؛ در این رابطه پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا»؛ در دوران عمر شما لحظه‌های طلایی و موقعیت‌هایی است که خداوند در آن موقعیت‌ها فرصت طلایی برای شما قرار داده که بهترین استفاده را از آن کنید؛ حتماً منتظر آن لحظه‌ها باشید و از آن بهره ببرید.

ماه مبارک رمضان از آن لحظه‌های نورانی و فرصت‌های طلایی برای مؤمنین است که خداوند برای رسیدن به مقام قرب خود قرارداد. ماه رمضان، بهترین ماه سال، عید اولیای الهی و اول سال توحیدی برای ایشان است. اگر افراد از این ماه توشه بگیرند، تا پایان سال می‌توانند از آن بهره ببرند. با بهره‌مندی از آیات و دعاها به‌ویژه ادعیه شب‌ها و روزهای این ماه، می‌توان مراتب قرب را طی کرد؛ بی‌شک تمام لحظه‌ها و روز و شب‌های ماه مبارک منازل و مراتب سیر قربی انسان در سلوک الی‌الله هستند و هر یک راز و رمزی بیان می‌کنند که در هر یک از این رازها دستورات فراوان نظری و عملی را می‌توان کشف کرد؛ از این رو به بخشی از این اسرار با توجه به آیات و روایات به تناسب ایام ماه مبارک رمضان اشاره می‌شود.

۱. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۶۸، ص ۲۲۱؛ «همانا از سوی پروردگار شما در طول عمرتان، نسیم‌هایی می‌وزد.

پس خود را در معرض آنها قرار دهید».

ماه رمضان، ماه رحمت آبشارگونه پروردگار

در ماه مبارک رمضان، درهای رحمت رحیمیه پروردگار باز است و این رحمت آبشارگونه بر مؤمنین فرومی‌ریزد؛ امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: هنگامی که چشمان مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به هلال ماه مبارک رمضان می‌افتاد، رو به قبله می‌شدند و می‌فرمودند: «اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ»؛ برای واژه «أَهْلُهُ» معانی گوناگونی در کتاب‌های لغات بیان کرده‌اند؛ بعضی از ماده «هلال» گرفته‌اند به معنای «فریادزدن» و «صدا را بلندکردن»؛^۱ چراکه اعراب با مشاهده اول ماه و هلال آن فریاد می‌زدند که ماه جدید آغاز شد؛ برخی دیگر از اهل لغت معنای زیباتری را گفتند: اصل در معنای «**اهلال**» فروریختن فراوان و ناگهانی و برای اولین بار است.^۲ اگر از این منظر این واژه را معنا کنیم، عبارت نورانی رسول اکرم صلی الله علیه و آله خیلی زیباتر می‌شود؛ «اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ»؛ یعنی بارالها! امنیت را ایمان را «وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ وَالْعَافِيَةِ...»؛ و سلامت و عافیت و اسلام و امور دیگری را که در سیر به سوی توبه شدت به آنها نیازمندیم، برای ما فراوان و به صورت آبشارگونه و بی حساب و فراوان بر ما فرو ریز که در این ماه، رحمت

۱. الهاء واللام أصلٌ صحيح يدلُّ على رُفْعِ صَوْتٍ، ثم يُتَوَسَّعُ فِيهِ فَيَسْمَى الشَّيْءُ الَّذِي يَصَوَّتُ عِنْدَهُ بَعْضُ

ألفاظِ الهاء واللام. ثم يَشَبَّهُ بِهَذَا الْمَسْمَى غَيْرُهُ فَيَسْمَى بِهِ. (معجم مقاییس اللغة، ج ۶، ص ۱۱)

۲. هوانصباب بشدّة انصباب دفعة وفي المرتبة الأولى. ومن مصاديقه: انصباب المطر والدمع. (التحقيق في

كلمات القرآن الكريم، ج ۱۱، ص ۳۰۰)

واسعه تو بر همه موجودات سرازیر است چه رسد به مؤمنین؛ در ادامه می‌فرمایند: بارالها! بیماری‌ها و موانع را در این ماه برای ما بردار و «اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا صِيَامَهُ وَ قِيَامَهُ وَ تِلَاوَةَ الْقُرْآنِ فِيهِ»^۱ توفیق عبادت کامل و نماز و تلاوت قرآن و توفیق بر روزه و... را عنایت کن!

یک‌رنگی با ماه مبارک رمضان

ماه مبارک رمضان قابل مقایسه با سایر ماه‌ها نیست در نگاهی که امام سجاد علیه السلام به ما تعلیم می‌دهند؛ ماه رمضان یک حقیقتی است که از سوی پروردگار از مقامات و مدارج عرش الهی فرود آمد و عوالم ملکوت را یک‌به‌یک طی کرد و به سوی ما انسان‌ها به عنوان ماه مبارک رمضان و به صورت یک شخصیت حقیقی فرود آمد. تعابیری مانند دوستِ صمیمی که آمدنش موجب سرور است؛ «الْيَفِّ أَنْسٌ مُقْبِلًا فَسَرَّ»^۲ و حضرت در این دعا خطاب به این رفیق صمیمی تعابیر بسیار زیبایی دارند.

در دعای رویت هلال شب اول این تعبیر وارد شده است: «اللَّهُمَّ سَلِّمْنَا لِشَهْرِ رَمَضَانَ وَ سَلِّمْنَا مِنَّا، وَ سَلِّمْنَا فِيهِ حَتَّى يَنْقُضِيَ عَنَّا شَهْرَ رَمَضَانَ وَ قَدْ عَفَوْتَ

۱. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۴، ص ۷۰.

۲. الصحیفة السجادية، ص ۱۹۸؛ دعای وداع ماه مبارک رمضان.

عَنَا وَغَفَرْتَ لَنَا وَرَحِمْتَنَا!؛ این روایت و دعا را به گونه‌های مختلف می‌توان معنا کرد؛ یک تعبیر این است که «بارالها! ما را برای ماه مبارک رمضان سالم و صحیح قرار بده و آن را هم برای ما سالم قرار بده و او را به درستی از ما دریافت کن». معنای دیگر با توجه به واژه «سَلِّمْ» است که معنای دقیق آن یک‌رنگی و یگانگی و خالص بودن با یک شیء است، همان‌گونه که در روابطِ متعارفِ اجتماعی، وقتی به کسی سلام می‌کنیم و می‌گوییم «السَّلَامُ عَلَیْكَ» یعنی من با تو در یگانگی و «سَلِّمْ» و صفا و یک‌رنگی هستم؛ اگر این معنا را در این دعا لحاظ کنیم، معنا این‌طور می‌شود: بارالها! ما را یک‌رنگ با ماه رمضان - عید اولیا و ظهورِ بهشتِ رضوانِ تو در دنیا - قرار بده! ما را همراه و هم‌قدم با اولیای تو قرار بده؛ بارالها! ماه مبارک را نیز با من یک‌رنگ قرار بده تا او به واسطه کارها و زشتی‌های من، ابراز دوری و نفرت و دوگانگی از من نکند و در پیشگاه تو از من شکایت نکند. بارالها! این ماه را یک‌رنگ و یگانه در پایانش، به تو تحویل می‌دهیم و طوری نباشد ماهِ رمضان را آلوده کرده باشیم؛ بلکه خود ما به صفای ماهِ مبارکِ رمضان با تو یک‌رنگ و یک‌صدا و خالص و پاکیزه می‌شویم و به درگاہت به نیایش می‌آییم؛ از این‌رو در شب اول ماه شوال و پایان ماه مبارک رمضان ندا

۲. إقبال الأعمال (ط-القدیمة)، ج ۱، ص ۱۷؛ «خداوندا! ما را برای ماه رمضان سلامت بدار و آن را از ما به سلامت، دریافت کن و ما را در آن، سالم بدار، تا این که ماه رمضان از ما بگذرد، در حالی که ما را بخشوده و آمرزیده باشی و بر ما رحم کرده باشی!».

می‌رسد: «اغْدُوا إِلَىٰ جَوَائِزِكُمْ»^۱؛ بشتابید به سوی جایزه‌هایی که در یک‌رنگی با ماه مبارک رمضان کسب کردید.

با توجه به عبارات ادعیه باید انسان ماه مبارک رمضان را یک مخلوق و یک رفیق صمیمی بداند که در همه لحظه‌ها همراهش است و باید کاری کند که این صمیمیت و یگانگی با ماه رمضان روزبه‌روز بیشتر شود؛ در تعبیر زیبایی امام سجاد علیه السلام در زمان مشاهده هلال شب اول خطاب به ماه مبارک می‌فرماید: «أَيُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِيعُ، الدَّائِبُ السَّرِيعُ»^۲ ای مخلوقی که مطیع پروردگار هستی و به سرعت از دست ما خواهی رفت! ای ماه عزیز! بر تو سلام می‌دهیم و از تو می‌خواهیم که تو برای ما ماه برکت و خروج از زشتی‌ها باشی.

اغتنام فرصت حضور در دعای و دعای ماه مبارک

برای رسیدن به مدارج و معارف الهی باید از طریق وحی اقدام کرد و از اشارات و راهنمایی‌های آن استفاده کرد. پروردگار در سوره مبارکه بقره می‌فرماید: «وَيَعْلَمُكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ»^۳؛ یعنی با آمدن انبیای الهی علیهم السلام خداوند چیزهایی را به شما یاد داد که هرگز از طریق علوم متعارف و راه تجربه، عقل، تفحص و تدبیر و... در آیات الهی، خود به این معارف دست پیدا

۱. الکافی، ج ۴، ص ۱۶۸.

۲. الصحیفة السجادية، ص ۱۸۲؛ دعای رویت هلال.

۳. البقرة، ۱۵۱؛ «و آنچه را هرگز نمی‌دانستید به شما تعلیم می‌دهد».

نمی‌کردید. در میان اوقات و زمان‌ها، فرصت‌هایی است که خداوند در آنها زمینه را برای رسیدن به این معارف بلند برای انسان هموار می‌کند. در دعای وداع ماه مبارک رمضان امام سجاد علیه السلام از فرصت‌های برجسته و ارزشمندی است که راه برای رسیدن به این مقامات و مدارج بلند و سلوک الی‌الله هموار است به شرط آنکه از این فرصت‌ها به درستی استفاده شود؛ از این رو شایسته است در ابتدای ماه مبارک رمضان و قبل از، فوت فرصت به این قله‌های اصلی و محورهای عمده سلوک الی‌الله در ماه مبارک با مرور نقاط برجسته دعای وداع امام سجاد علیه السلام توجه شود تا بتوان از ماه مبارک رمضان بهترین زاد و توشه و بهره را برد.

ماه رمضان باشکوه‌ترین بهشت الهی

حضرت امام سجاد علیه السلام پس از بیان برخی مقدمات می‌فرمایند: خدایا! در میان بهشت‌های گوناگون که در طول عمر و در عالم دنیا برای ما قراردادی، فرصتی را برقرار کردی که آن زیباترین بهشت توست؛ «أَنْتَ جَعَلْتَ مِنْ صَفَايَا تِلْكَ الْوَطَائِفِ وَ خَصَائِصِ تِلْكَ الْفُرُوضِ شَهْرَ رَمَضَانَ»، ماه رمضان تزیباترین بهشت تو و زیباترین هدیه توبه‌سوی بندگان است. «الَّذِي اخْتَصَصْتَهُ مِنْ سَائِرِ

۱. الصحیفة السجادیة، ص ۱۹۶، دعای وداع ماه مبارک رمضان؛ «خداوند! تواز جمله آن وظایف برگزیده و واجبات ویژه خویش، ماه رمضان را قرار دادی.»

الشُّهُورِ وَتَخَيَّرْتَهُ مِنْ جَمِيعِ الْأَزْمِنَةِ وَالذُّهُورِ^۱ ماهی که در میان سایر ماه‌ها آن را به بندگان خاص خود اختصاص دادی، ماهی که در قرآن، با عظمت از آن نام بردی، ماهی که عید اولیای توست، ماهی که زمزمه اولیای تو در آن این‌گونه است:

که روز عیش و طرب و عید صیامت امروز کام دل حاصل و ایام به کامست امروز^۲ اولیای الهی در طول عمر خود لحظه به لحظه منتظر رسیدن چنین بهشت الهی بودند: «وَأَثَرْتُهُ عَلَى كُلِّ أَوْقَاتِ السَّنَةِ بِمَا أَنْزَلْتَ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَالتَّوْرِ وَصَاعَقْتَ فِيهِ مِنَ الْإِيمَانِ وَفَرَّصْتَ فِيهِ مِنَ الصِّيَامِ»^۳؛ خدایا! قرآن و نور آن را در این ماه قراردادی، ایمان‌ها را مضاعف کردی و روزه را در این ماه بر ما واجب کردی، توصیه به عبادت، نماز و دعا و... کردی و شب قدر را که بهتر از هزار ماه است در این ماه قرار دادی؛ آیا برای عظمت ماه مبارک رمضان حتی یکی از آنها کافی نیست؟! در پایان می‌فرماید: در میان تمام ملت‌ها در میان تمام امت‌های مؤمن قبل؛ قوم حضرت ابراهیم، حضرت نوح، حضرت موسی، حضرت عیسی عليه السلام به امت اسلام به برکت رسول گرامی اسلام، روزه و ماه رمضان را

۱. همان؛ «ماهی که آن را از ماه‌های دیگر ویژه ساختی و در میان همه زمان‌ها و روزگاران، آن را برگزیدی».

۲. غزلیات خواجوی کرمانی، غزل شماره ۵۲۷.

۳. الصحیفة السجادیة، ص ۱۹۶، دعای وداع ماه مبارک رمضان؛ «و بر همه اوقات سال، آن را برتر ساختی، با قرآن و نوری که در آن فرو فرستادی و ایمانی که در آن افزودی و روزه‌ای که در آن واجب کردی».

اختصاص دادی؛ «ثُمَّ آثَرْتَنَا بِهِ عَلَى سَائِرِ الْأُمَمِ وَاصْطَفَيْتَنَا بِفَضْلِهِ دُونَ أَهْلِ الْمَلَلِ فَصُمْنَا بِأَمْرِكَ نَهَارَهُ وَقُمْنَا بِعَوْنِكَ لَيْلَهُ»^۱ خدایا! این افتخار نصیب ما شد که در این ماه عزیز در روزهایش روزه بگیریم و در شب‌هایش به نماز و عبادت و مناجات با تو اجازه یافتیم که با روزه و شب‌زنده‌داری بر آن وارد بشویم «مُتَعَرِّضِينَ بِصِيَامِهِ وَ قِيَامِهِ لِمَا عَرَّضْتَنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِكَ»^۲؛ از این رو حضرت می‌فرماید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهْرَ اللَّهِ الْأَكْبَرَ»^۳ سلام بر تو ای بزرگترین ماه خداوند.

محورهای اصلی دعای وداع

۱. توبه، بازگشت به پروردگار

عمده‌ترین و مهم‌ترین محور در ماه رمضان باب توبه است؛ توبه عام، نه فقط توبه از گناه، بلکه توبه به معنای عام، رجوع به پروردگار با تمام تلاش و توان است؛ «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ»^۴؛ ای انسان‌ها! شما با

۱. الصحیفة السجادية، ص ۱۹۸، دعای وداع ماه مبارک رمضان؛ «سپس ما را به وسیله آن برامت‌های دیگر و بر آیین‌های دیگر، با فضل آن برگزیدی. از این رو، روزش را به فرمانت روزه داشتیم و شبش را به یاری‌ات به عبادت برخاستیم».

۲. همان؛ «در حالی که با این روزه‌داری و عبادتش، خود را در معرض رحمتی قرار دادیم که برایمان فراهم آوردی».

۳. همان.

۴. الانشقاق، ۶.

کوشش و تلاشِ جدی به سمت پروردگار حرکت می‌کنید و قطعاً او را ملاقات خواهید کرد. باید انسان از خود بی‌پرسد در کدام منزلت و مقام و با کدام چهره با خدای خود ملاقات خواهد کرد؟! از این‌رو حضرت می‌فرماید: ماه رمضان بابِ توبه الهی است و هرکس بنا بر مقام و موقعیتِ خود به سوی خدا مراجعه می‌کند؛ برخی توبه از گناه می‌کنند؛ یعنی با مولای خود این‌گونه عهد می‌بندند که دیگر نزدیک زشتی‌هایی منفور درگاه الهی نمی‌شوند؛ برخی دیگر توبه از رذایل اخلاقی می‌کنند؛ برخی دیگر توبه از محبت به غیر پروردگار می‌کنند، برخی دیگر توبه از تشویش و اضطراب از عدم توکل به پروردگار می‌کنند، و در نهایت برخی دیگر توبه از غیر پروردگار می‌کنند.

بنابراین ماه رمضان باب توبه برای همه و در همه مراتب آن است؛ حضرت می‌فرماید: «أَنْتَ الَّذِي فَتَحْتَ لِعِبَادِكَ بَاباً إِلَىٰ عَفْوِكَ سَمَّيْتَهُ التَّوْبَةَ»؛ خدایا! در این ماه، باب بزرگی به سوی مقام عفو و بخشش از کاستی‌های بندگان باز کردی و نام آن را توبه نهادی و فرمودی: «تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا»^۲؛ ای بندگان من! به سوی من بیایید و توبه کنید؛ ولی توبه‌ای که خالص باشد؛ «نَّصُوحًا» به

۱. الصحیفة السجادیة، ص ۱۹۴؛ دعای وداع ماه مارک رمضان.

۲. التحريم، ۸.

معنای خالص است^۱ «عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ»^۲؛ توبه خالص زمانی است که انسان از همه انانیت‌ها، ناخالصی‌ها و از همه آنچه که او را از فطرت الهی خودش دور می‌کند، توبه کند؛ به همین دلیل در ادامه آیه شریفه به نکته ظریفی اشاره می‌فرماید: آن روزی است که خداوند نه پیامبر خود را و نه مؤمنین را خاسر و زیان‌کار نمی‌کند، بلکه مقامات آنان را بالاتر می‌برد و به آنها نور خود را می‌بخشد «نُورَهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتِمِّمْ لَنَا نُورَنَا»^۳، این درخواست نه تنها برای مؤمنین بلکه برای انبیای الهی در بهشت برین است که می‌گویند: خدایا! نور ما را کامل و کامل‌تر کن! در آنجا بهشتیان هم نورانی بودند، پس این که ایشان عرضه می‌دارند: «أَتِمِّمْ لَنَا نُورَنَا»، اشاره به این است که آن باقیمانده‌های از انانیت‌ها و خودپرستی‌ها و حتی لذت‌بردن‌های برای خود را هم از بین ببر و ما را فقط برای خود قرار بده.

۱. نَصُوحًا: که به یکی از دو معنی، با اخلاص یا ثابت و استوار تعبیر می‌شود. (توبه با اخلاص و ثابت) (مفردات الفاظ قرآن، ج ۴، ص ۳۴۵)

۲. التحريم، ۸؛ «امید است پروردگارتان گناهانتان را از شما محو کند و شما را به بهشت‌هایی که از زیر آن نهرها جاری است، درآورد».

۳. التحريم، ۸؛ «نورشان پیشاپیش آنان و از سوی راستشان شتابان حرکت می‌کند، می‌گویند: ای پروردگار ما! نور ما را برای ما کامل کن».

ماه رمضان بهشت الهی است که انسان در این بهشت می‌باید خود را از همه خودپرستی‌ها، خانوادگی‌پرستی‌ها، خودمحوری‌ها و هر آنچه که او را متوجه و وابسته غیرپروردگار می‌کند پاک کرده و توبه کند؛ بنابراین می‌فرماید:

﴿وَاعْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾^۱؛ خدایا! ما را در تحت «غفار» و پرده رحمت خود قرار بده! که این کار فقط از دست قدرت تو برمی‌آید؛ عمده دستور امام سجاد علیه السلام برای بهره‌مندی هرچه بیشتر از بهشت ماه رمضان الهی نیز همین مطلب است؛ در ادامه حضرت می‌فرماید: هیچ‌کس عذری برای خود نمی‌تواند در پیشگاه پروردگار بیاورد که خدایا! من در بهشت نبودم و در نتیجه بهره‌ای از بهشت تو نبردم؛ ﴿فَمَا عُذْرَ مَنْ أَغْفَلَ دُخُولَ ذَلِكَ الْمَنْزِلِ بَعْدَ فَتْحِ الْبَابِ وَ إِقَامَةِ الدَّلِيلِ﴾^۲؛ هیچ عذری برای کسی که رمضان بر او بگذرد و در تحت مغفرت پروردگار قرار نگیرد، وجود ندارد.

بر اساس فرمایش حضرت در ادامه دعا خداوند در ماه رمضان نعمت‌های فراوانی را قرار داده است؛ تلاوت قرآن، جوع و گرسنگی (زیباترین مهمانی و پذیرایی پروردگار)، بهره‌مندی از سحرها، بهره‌مندی از دعا و نیایش به درگاه پروردگار؛ اما زیباتر از همه آنها و چه بسا عصاره همه اینها، توبه به سوی پروردگار

۱. التحريم، ۸.

۲. الصحیفة السجادیة، ص ۱۹۴؛ دعای وداع ماه مبارک رمضان؛ «پس، آن که پس از گشوده شدن این در و با وجود راهنما، از ورود به این خانه غافل شود، چه عذر و بهانه‌ای دارد؟».

است که هرکس به تناسب خود به سوی خداوند بازگردد و در ادامه حضرت می‌فرماید: البته در سفره گسترده ماه مبارک رمضان پروردگار برای هر ذائقه‌ای غذای مناسب با آن را قرار داده‌است؛ آن کسانی که برای ثواب روزه می‌گیرند، خداوند در برابر عمل آنان ده برابر^۱ و حتی در مواردی بیش از هفتاد برابر^۲ به آنان عنایت می‌کند؛ «وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ»^۳؛ اما برخی دیگر با پروردگار معامله مزد و اجر نمی‌کنند.

توبندگی جوگدایان به شرط مزد مکن که خواجه خود روش بنده‌پروری داند^۴
 حضرت در بخشی دیگر از دعا استشهاد می‌کنند به آیه شریفه «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً»^۵؛ یعنی افرادی هستند که با پروردگار معامله مزد نمی‌کنند، بلکه همه هستی خود را معامله می‌کنند و در نتیجه اعمالشان را به خدا واگذار می‌کنند و گویی آنان عمل نمی‌کنند؛ بلکه این خداوند است که عمل آنان را مستقیماً دریافت می‌کند؛ چنان‌که در باب

۱. الانعام، ۱۶۰؛ «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ مِثَالِهَا»؛ «هرکس کار نیک بیاورد، پاداشش ده برابر آن است».
۲. البقرة، ۲۶۱؛ «مِثْلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ»؛ «مثل آنان که اموالشان را در راه خدا انفاق می‌کنند، مانند دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند، در هر خوشه صد دانه باشد و خدا برای هر که بخواهد چند برابر می‌کند».
۳. آل عمران، ۱۷۴.
۴. دیوان حافظ، تصحیح قدسی، غزل ۲۵۷.
۵. البقرة، ۲۶۵؛ «کیست که برای جلب خوشنودی خدا به نیازمندان قرض الحسنه بپردازد، تا آن را برایش چندین برابر بیفزاید؟».

روزه ماه مبارک رمضان می فرماید: «الصَّوْمُ لِي وَأَنَا أُجْزَى بِهِ»؛ روزه از آن من است و مؤمنین با خودم روبرو هستند و عملشان را در نزد من قرض می دهند و من به آنها پاداش می دهم؛ حضرت در مرتبه بالاتر آثار ماه مبارک رمضان، کارهایی که مؤمن در این ماه انجام می دهد را مصداق «عبادت محبتانه» می داند که از سر شکر نعمت ولایت و شکر نعمت اسلام و ایمان عمل می کند که این موارد طبقات مختلف ذاکرین و تائبین به سوی درگاه پروردگارانند.

۲. شکر نعمت موجب نیل به مدارج عالی

حضرت در ادامه دعای وداع با ماه مبارک رمضان می فرماید: بارالها! تو خود فرمودی «فَاذْكُرُونِي أَذْكَرُكُمْ»^۲؛ «من را یاد کنید تا من هم شما را یاد کنم»؛ در عین حال بدانید که این خداوند است که شما را به توبه و ذکر خود دعوت کرده است؛ «ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا»^۳ و خدا به آنان رجوع کرد تا آنان لیاقت پیدا کنند با خدای خود ذکر بگویند و توبه کنند و با توبه خود ذاکر شوند که خداوند نیز آنان را (در ملا اعلاء) یاد می کند «وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُون»؛ و با این کار، شکر نعمت انسان بودن خود را به جا آورید و کفران نکنید که «إِنَّ الَّذِينَ

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۷۵.

۲. البقرة، ۱۵۲؛ «پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و مرا سپاسگزارید و کفران نعمت نکنید».

۳. التوبة، ۱۱۸؛ «خدا به آنها توفیق توبه بداد تا توبه کنند».

۴. البقرة، ۱۵۲.

يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ^۱، کسانی که در ماه مبارک رمضان بهره درستی نبرند، کسانی که در طول عمر خود از بهشتِ نعمتِ اسلام و ایمان بهره درستی نبرند، بدانند که به شدت در جهنمِ حسرت و در جهنمِ غصه، در عوالم دیگر خواهند سوخت و حسرت‌ها خواهند خورد.

به تعبیر دیگر امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: بارالها! آنچه که انسان را به مدارج عالی می‌رساند و از شرّ شیاطین و ابالسه جنی و انسی نجات می‌بخشد، در درجه اول مراقبه بر شکر است، یعنی اینکه انسان دائماً توجه به این داشته باشد که هر آنچه که دارد و هر آنچه که بهره می‌برد و هر آنچه که در اختیار اوست در حقیقت از آن او نیست؛ بلکه از آن مولایی است که روزی باید به او پاسخ بدهد؛ بنابراین از نعمت‌ها در جهت رضا و مطلوب صاحبِ نعمت باید استفاده کند و به عبارت دیگر خودش را امانت‌دارِ نعمت‌های پروردگار بداند؛ در این عبارت می‌فرماید: «تَشْكُرُ مَنْ شَكَرَكَ وَأَنْتَ الْهَمَّتُهُ شَكَرَكَ»^۲؛ خدایا! نحوه شکرکردن را هم توبه من آموختی و بارالها! هر آن کس که شکر نعمت‌های تورا کند تو هم از او شکر می‌کنی و شکر پروردگار، مولویت پروردگار، زیادکردن فهم، درک و معرفت بندگان و کمک به آنان در مسیر سیر به سوی رضای مولا است.

۱. غافر، ۶۰؛ «آنان که از عبادت من تکبر ورزند، به زودی خوار و رسوا به دوزخ درآیند».

۲. الصحیفة السجادیة، ص ۱۹۲؛ دعای وداع ماه مبارک رمضان؛ «هر که سپاست گوید، پاداشش می‌دهی، در حالی که شکرگزاری او نیز با الهام توست».

۳. ماه رمضان ماه عبادت کامل

محور دیگری که حضرت اشاره می‌کنند، باب عبادت کامل و مرضی رضای پروردگار است؛ چراکه همه ما انسان‌ها بندگان فقیر و حقیر درگاه مولا هستیم که می‌باید آن چنان عمل کنیم که بیشترین رضایت را برای مولایمان تحصیل کنیم و ما نمی‌دانیم که چه باید کنیم و چه راهی برای بهترین عبادت پروردگار وجود دارد؟ این خود خداوند است که در ماه‌های خاص به‌ویژه در ماه مبارک رمضان زیباترین نحوه عبادت، گرنش و ستایش در درگاه خودش را به ما تعلیم فرمود: «وَ تُكَافِئُ مَنْ حَمِدَكَ وَ أَنْتَ عَلَّمْتَهُ حَمْدَكَ»؛ تو خود به ما شیوه حمد را آموختی و در سوره مبارکه بقره خداوند می‌فرماید: شیوه عبادت و تسبیح و تحمید را ما به انسان‌ها یاد دادیم و ملائکه الهی از در خانه اولیای الهی و انسان‌های برجسته نحوه عبادت را یاد گرفتند؟ از این رو می‌توان گفت ماه مبارک رمضان، ماه عبادت کامل و مرضی رضای مولاست.

۱. الصحیفة السجادية، ص ۱۹۲؛ دعای وداع ماه مبارک رمضان؛ «هر که ستایشت کند، جزایش می‌دهی، با این که تو او را آموخته‌ای که ستایشت کند».

۲. البقرة، ۳۱-۳۳؛ «وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۳۱) قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (۳۲) قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ».

۴. رمضان ماه ستر الهی

در باب سلوک الی الله محور اصلی که باید سالک به سوی کوی قرب الهی طی کند، باب ستر است، باب پوشش با کلمه تقواست؛ در این باره حضرت می فرماید: «كَسَّرُ عَلَى مَنْ لَوْ شِئْتَ فَصَحَّهٗ»؛ خدایا! در این ماه انسان ها را به برکت دستوراتی که دادی از زشتی ها پوشاندی؛ درحالی که می توانستی آنها را رسوا کنی و این باب را به روی آنان ببندی.

۵. دریای بی کران جود و بخشش

محور بعدی باب جود و بخشش است؛ در این ماه خداوند درهای رحمت خود را آن چنان گشوده است که آبشارگونه و بی حساب بر بندگان عاصی و مطیع صالح و طالح نعمت های خاص خود را می ریزد؛ درباره جود الهی در این ماه سیدالساجدین علیه السلام می فرماید: «وَتَجُودُ عَلَى مَنْ لَوْ شِئْتَ مَنَعْتَهُ»^۲، در این ماه بر بندگان آن چنان جود و بخشش خود را عنایت کردی که می توانستی عنایت نکنی، کسی از تو توقع؛ بلکه حتی حق طلب نیز نداشت و بارالها! این توبودی که با بخشش و عنایت خود اینها را به بندگان عنایت کردی.

۱. الصحیفة السجادیة، ص ۱۹۲؛ وداع ماه مبارک رمضان.

۲. همان.

فصل ۱: طرق سیر در ماه مبارک رمضان

۱. سیر با قدم عقل

در دعای روز سوم ماه مبارک می خوانیم: «اللهم ارزُقني فيه الذهن والتَّنبية»^۱؛ خدایا! در این روز به من فِتْنَت، زیرکی و ریزبینی توحیدی را عنایت کن! «وباعِدني فيه من السَّفاهة والتَّمويه»^۲؛ مرا از خطاکردن و سطحی‌نگری در دین حفظ کن؛ پس گویی کسانی که بخواهند به بارگاه قرب الهی راه پیدا کنند، شرطش آن است که باید عاقل باشند لحظه‌ها را به خوبی تشخیص دهند و شکار کنند؛ از این رو خداوند در سوره مبارکه حج می‌فرماید: شما در زمان حج، قربانی که کنید گوشت قربانی و خون قربانی به خداوند نمی‌رسد، قربانی می‌خواهد گوسفند یا شتری و یا حیوانی دیگر باشد که برای شما خیلی ارزشمند است، «لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا»^۳؛ بلکه آنچه که خداوند می‌پذیرد و ارزشمند است، تقوای شما است «وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنْكُمْ»^۴؛ پس درجات انسان‌ها به کمیت عبادت آنها نیست، بلکه به کیفیت و تقوای آنهاست و

۱. زاد المعاد، ص ۱۴۴؛ دعای روز سوم ماه مبارک رمضان.

۲. همان.

۳. الحج، ۳۷؛ «هرگز گوشت‌هایشان و خون‌هایشان به خدا نمی‌رسد».

۴. الحج، ۳۷؛ «بلکه تقوای شما به او می‌رسد».

پیغمبر اکرم ﷺ به امیر مؤمنان عَلِيٌّ می فرماید: «يَا عَلِيُّ إِذَا تَقَرَّبَ الْعِبَادُ إِلَى خَالِقِهِمْ بِالرِّفْتِ قَرَّبَ إِلَيْهِ بِالْعَقْلِ نَسِيْقَهُمْ»^۱؛ یا علی! وقتی دیدی که دیگران با کمیت زیاد اعمال عبادی با همدیگر مسابقه می دهند تا به سوی خدای خودشان نزدیک شوند، تو با به کار انداختن عقل به پروردگارت تقرب بجوی؛ با این کار مطمئن باش که از دیگران سبقت می گیری، و تو برنده مسابقه تاخت و تاز سبقت به سوی توحید خواهی بود؛ بنابراین در ماه مبارک رمضان انسان باید دقیقاً با عقل خود بداند که چه باید کند و در کجا چه وظیفه ای بر عهده اوست.

در مقابل خداوند در آیه یک صدوسی سوره مبارکه بقره می فرماید: «وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ»^۲؛ هرکس که از آیین ابراهیمی روی برگرداند و فاصله گرفت، بداند که او سفیه است، ولو اینکه به حسب ظاهر در میان انسان ها عالم باشد و در اداره زندگی و در سیاست و سایر امور دیگر اقتصادی و آموزشی عالم و عاقل باشد، ولی او در نزد پروردگار سفیه است؛ همان که در دعای روز سوم می خوانیم «وَبَاعِدْنِي فِيهِ مِنَ السَّفَاهَةِ وَالتَّمْوِيَةِ»^۳؛ خدایا! من را از سطحی نگری دینی نجات بده، از اینکه فقط به عبادات خشک بی روح و بدون حلاوت پردازم و عمری در این راه سپری کنم، مرا به برکت ماه

۱. مشکاة الأنوار، ج ۱، ص ۲۵۱.

۲. البقرة، ۱۳۰.

۳. زاد المعاد، ص ۱۴۴؛ دعای روز سوم ماه مبارک رمضان.

مبارک رمضان، نجات بده! بنابراین سخن در این است که انسان در این میدان باید با عقل خود حرکت کند.

انسان در سیر ارتقایی به سوی مقام «خلافه‌اللهی» در درگاه پروردگار راه طولانی در پیش دارد و باید با مرگب قراردادن ماه مبارک رمضان و بهره‌مندی از نردبان صیام الهی به صورت میان‌بر و سریع در مدارج قرب حرکت کند. در این میدان افراد مختلف‌اند، برخی با قدم عقل حرکت می‌کنند که البته قدم زیبایی است، چنانچه پروردگار خطاب به مؤمنین می‌فرماید: بدانید شیطان و لشگریان او دقیقاً شما را رصد می‌کنند ﴿إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ﴾؛^۱ و از آنجایی که شما توجه ندارید به شما حمله می‌کنند؛ از این رو انسان باید مراقب باشد و دائماً عاقلانه در زندگی حرکت کند و در ماه مبارک رمضان از قدم عقل یعنی شناخت فرصت‌ها و بهره‌مندی از لحظه‌ها استفاده کند.

تعبیر اصحاب الیمین برای سالکان با قدم عقل

خداوند تعبیر زیبایی را در قرآن برای این گروه به کار می‌برد که یکی از زیباترین این تعبیر «اصحاب الیمین» است، یعنی کسانی که از طرف «یمن» و مبارکی با به کار انداختن عقل توحیدی خودشان و پیروی از اولیای الهی سیر به سوی مقام قرب را طی می‌کنند، خداوند درباره این گروه در زیباترین تعبیر

۱. الاعراف، ۲۷؛ «او و دار و دسته‌اش شما را از آنجا که شما آنان را نمی‌بینید می‌بینند».

می‌فرماید: کسانی که با عقل توحیدی به سوی ما آمدند، بدانند ما هم با نظر رحمت و شفقتِ خودمان با آنان معامله می‌کنیم «فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا»؛ یعنی کسانی که اصحاب‌الیمین هستند و از سمت راست نامه اعمالشان داده می‌شود، بدانند که ما از آنها حساب جدی نخواهیم گرفت و با نظر رحمت و عفو و مغفرتان با آنان رفتار می‌کنیم.

ویژگی‌های اصحاب‌الیمین

باید دید چگونه می‌توان بهترین توشه را برداشت و به قله‌های بهشت رسید؛ از بهشت اصحاب‌الیمین به مقام «جنتِ عدن» و از آنجا به «دارالسلام» و بالاخره به مقام «وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ»^۲ قدم نهاد؛ بی‌جهت نیست که خداوند به مؤمنین نه فقط انجام عمل صالح را دستور فرمود، بلکه به خواص از مؤمنین دستور داده شد:

«سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ»^۳ یا «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ»^۴، سرعت بگیرید و از یکدیگر در سیر به سوی مغفرت جلو بزنید؛ برخی در سیر به سوی مقام قرب الهی

۱. الانشقاق، ۷-۹؛ «اما کسی که نامه اعمالش را به دست راستش دهند، (۷) به زودی با حسابی آسان به حسابش رسیدگی شود (۸) و خوشحال و شادمان به سوی خانواده‌اش [در بهشت] باز گردد».

۲. التوبة، ۷۲.

۳. الحديد، ۲۱؛ «سبقت جوید به آمرزشی از سوی پروردگارتان».

۴. البقرة، ۱۴۸؛ «به جانب نیکی‌ها و کارهای خیرپیشی جوید».

با قدم عقل حرکت می‌کنند؛ البته اثر و نتیجه عقل توحیدی برای کسانی که با دقت از فرصت‌ها استفاده می‌کنند آن است که خداوند می‌فرماید: من هم با نظر لطف و رحمت، از آنان حساب‌رسی می‌کنم و آنان از اصحاب الیمین هستند و برخی دیگر از اصحاب الیمین توشه‌های دیگری را هم در کنار وظایف خودشان قرار می‌دهند، خداوند در قرآن دو صفت را برای آنها ذکر می‌کند که اگر کسی این دو صفت را داشته باشد، نه تنها حساب آنان آسان است بلکه بهتر است گفته شود که از آنان حسابی گرفته نمی‌شود و بی حساب وارد بهشت می‌شوند. آن دو گروه عبارت‌اند از:

الف. صبر؛

آن‌هایی که صبر در مصائب می‌کنند، کسانی که صبر بر کنترل خود کرده و از معصیت‌ها اجتناب می‌کنند، آن‌هایی که صبر در عبادات، آن هم در اوقات سخت دنیا می‌کنند: صبر بر روزه، صبر بر به‌پا خاستن در نیمه‌های شب و مناجات با رب الارباب و... دارند؛ از این رو در بیان نورانی رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که در قیامت چند گروه بی حساب وارد بهشت می‌شوند؛ یک دسته صابران هستند؛ ملائکه از آنها می‌پرسند: شما بر چه چیزی صبر کردید که بی حساب باید وارد بهشت شوید؟ آنها در پاسخ می‌گویند: «صَبَرْنَا أَنْفُسَنَا عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَ

صَبَّرَتَاهَا عَنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ^۱؛ بر طاعت و معصیت خدا صبر داشتیم؛ منادی از جانب آسمان ندا می‌دهد: «فَيَنَادِي مُنَادٍ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ: صَدَقَ عِبَادِي، خَلُّوا سَبِيلَهُمْ لِيَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ». بندگان من راست می‌گویند راهشان را باز کنید تا بی حساب وارد بهشت شوند؛ به عبارت دیگر شمایی که صبر در معصیت و صبر بر طاعت داشتید، حق شماست که بی حساب وارد بهشت شوید.

ب. فضل (سعه صدر)

گروه دوم کسانی هستند که در ماه مبارک رمضان علی‌رغم فشارهای روزه و ماه رمضان، خود را مزین به وصف سعه صدر هم می‌کنند؛ رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: گروه دیگری که در قیامت بی حساب وارد بهشت می‌شوند، کسانی هستند که در ارتباطات اجتماعی با مردم به‌ویژه با افراد تندخو و یا کسانی که سطح فکری به مراتب کوتاه‌تری از آنها دارند با سعه صدر برخورد می‌کنند؛ دامنه تحملشان در عین حفظ غیرت دینی بالاست؛ در برابر عصبانیت دیگران حلم دارند که می‌فرماید: «فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَمْشِمْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ^۲؛ کسی که

۱. الأُمالي (للطوسي)، ص ۱۰۳؛ «ما خويشتن را بر طاعت خدا و خودداری از معصیت او، به شکيبايی وا داشتيم».

۲. الأُنعام، ۱۲۵؛ «پس کسی را که خدا بخواهد هدایت کند، سينه‌اش را برای [پذيرفتن] اسلام می‌گشاید».

خداوند بخواهد او را هدایت کند، برای اسلام، برای فهم مطالب بلند و بعد هم تحمل دیگران به او شرح صدر می دهد.

وقتی که ملائکه الهی به این گروه می گویند که شما چه کردید که بی حساب وارد بهشت می شوید؟ آنها می گویند: «فَيَقُولُونَ كُنَّا يُجْهَلُ عَلَيْنَا فِي الدُّنْيَا فَتَنَحَّمَلُ وَيُسَاءُ إِلَيْنَا فَتَعَفَوْا»؛ ما کسانی هستیم که نسبت به ما سفیهانه و جاهلانه برخورد می شد، ما تحمل می کردیم و در روابط خانوادگی، روابط اجتماعی، در ارتباطات اقتصادی و سیاسی و... تحمل می کردیم؛ زود عکس-العمل نشان نمی دادیم و یا وقتی بدی در حق ما می شد، ما عفو می کردیم.

منادی از جانب آسمان دوباره همان ندا را می دهد: «فَيُنَادِي مُنَادٍ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ: صَدَقَ عِبَادِي، خَلُّوا سَبِيلَهُمْ لِيَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ»؛ بندگان من راست می گویند راهشان را باز کنید تا بی حساب وارد بهشت شوند.
آری! سعه صدر از علامات مؤمن و نشانه فضل اوست.

دریای فراوان نشود تیره به سنگ عارف که برنجد تنک آب است هنوز^۲

البته مؤمن غیرت دینی دارد و در توهین به مقدسات دینی، به مقام ولایت، علمای ربانی، به قرآن و... بی تفاوت نیست و عکس العمل نشان می دهد؛ به

۱. الأُمالي (للطوسي)، ص ۱۰۳؛ «ما در دنیا چنان بودیم که هرگاه به ما نادانی و اهانتی می شد، تحمل می کردیم و هرگاه به ما بدی می شد، گذشت می کردیم».

۲. گلستان سعدی، باب دوم: در اخلاق درویشان، حکایت ۳۸.

اقتضای غیرت دینی، تعصب دارد؛ وقتی به ناموس انسان توهین می‌شود، کسی که غیرت نداشته باشد، عکس‌العمل نشان نمی‌دهد.

۲. سیر با قدم محبت

برخی حرکت به سوی مدارج عالی را با قدم محبت عاقلانه سیر می‌کنند؛ غرض اصلی از سیر در مدارج بهشت ماه رمضان الهی این گروه هستند، خداوند محبان را را جزء اصحاب الیمین حساب نمی‌کند و ایشان جزء ﴿السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ﴾^۱ هستند، کسانی که در معامله الهی و در قبال طلب ثواب اعمال به جا نمی‌آورند، بلکه عاشقانه و محبانه به درگاه مولا می‌شتابند؛ امام صادق علیه السلام در بیانی نورانی می‌فرماید: «قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حُبًّا لَهُ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ»^۲؛ گروهی که خداوند را از سر محبت و از سر ابراز ارادت و علاقه عبادت می‌کنند، و این (عبادت مرضی رضای پروردگار) همان عبادت احرار است.

این گروه کسانی هستند که در بیان زیبای رسول اکرم صلی الله علیه و آله به همسایگان پروردگار «جیران الله» معروف شده‌اند، یعنی کسانی که همسایه دائمی خدا هستند، لحظه‌ای از خداوند دور و جدا نمی‌شوند، مثل نزدیکی همسایه‌ای با همسایه‌اش، حضرت می‌فرماید: ملائکه به آنها می‌گویند که شما چه کسانی

۱. الواقعه، ۱۰؛ «و پیشی گیرندگان [به اعمال نیک] که پیشی گیرندگان [به رحمت و آمرزش] اند».

۲. بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۲۵۵.

هستید که به این مقام رسیده‌اید، آنها می‌گویند ما همسایگان خدا و کسانی هستیم که دائماً با خداوند مانوس بودیم؛ کسانی که همه هستی‌شان، ابتدا و انتها و میانه‌اش حول محور خداست، دوستی، بخشندگی، ارتباط، قطع ارتباط ... ایشان همه برای خدا بود به آنها گفته می‌شود: شما چه کردید به این مقام رسیدید؟ آنها در جواب می‌گویند: «كُنَّا نَتَحَابُّ فِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَنَتَبَاذَلُ فِي اللَّهِ»؛ محور همهٔ امور ما در زندگی محبت به خداوند بود به ویژه در ماه مبارک رمضان که ماهی است که محور همه چیز می‌تواند براساس محبت شکل گیرد.

«فَيُنَادِي مُنَادٍ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ صَدَقَ عِبَادِي»؛ در این هنگام صدا زنده‌ای از جانب خدا خطاب می‌کند: «بندگانم راست می‌گویند» «خَلُّوا سَبِيلَهُمْ»؛ راه را برای آنان باز کنید! که آنان به جوار و همسایگی الهی در بهشت بدون حساب می‌روند «لِيَنْطَلِقُوا إِلَىٰ جَوَارِ اللَّهِ فِي الْجَنَّةِ بِغَيْرِ حِسَابٍ». فقط این گروه در خطاب الهی جایگاهشان در بهشت (جوارِ الله) ذکر شده است.

خداوند این مقام را در آیه هفتاد و سوم سوره مبارکه انبیا می‌فرماید: ما اول چیزی که به اینها می‌دهیم این است که «أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ»^۲؛ کارهای خوب جلو پایشان می‌گذاریم، به آنان الهام می‌کنیم که کار خوب و کار بد چیست؟

۱. شیخ طوسی، الامالی، ص ۱۰۳؛ «ما برای خداوند عزوجل، یکدیگر را دوست می‌داشتیم، برای خدا به یکدیگر

بخشش می‌کردیم، و برای خدا به همدیگر کمک می‌نمودیم».

۲. الانبیا، ۱۷۳؛ «انجام کارهای نیک را به آنان وحی کردیم».

آنها را موفق در کارهای خوب می‌کنیم که عبارت باشد از «إِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ»؛ نماز را که می‌خوانند لذت از نماز می‌برند، زکات که می‌دهند به کندن مال از خود فکر نمی‌کند، بلکه لذت می‌برند از اینکه با خدای خودشان معامله می‌کنند؛ این آثار به شرط طی منازل قبل است؛ تا به آنجا که می‌فرماید: «وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ»؛ دائماً در حال عبادت‌اند حتی غذا خوردن آن‌ها، خوابیدن آن‌ها، حشر و نشر و معامله و سایر کارهای آنها در واقع معامله با من است، چراکه آنها دائماً با من‌اند این مقام محبین است و موقعی حاصل می‌شود که انسان رنگ زندگی‌ش و تمام امور خودش را، رنگ خدایی و توحیدی کند، «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً»؛ رنگ الهی گرفتن هم این است که انسان هر چه می‌کند، ظهور رضای خداوند در جوارح او آشکار شود.

چگونه می‌توان به مقام محبین رسید؟ چون محبت فعل قلبی است و نمی‌توان به فعل قلب امر و نهی کرد، پس باید مقدماتی فراهم شود که انسان با طی آن مقدمات بتواند محبوب خداوند شود؛ به همین دلیل اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام در دعا‌های شب‌های ماه مبارک رمضان و روزهای خاص ماه، راه‌ها و قدم‌های سلوک در مراتب محبت پروردگار و محبوب شدن در درگاه الهی را به ما آموختند.

فصل ۲: لوازم ورود به ماه رمضان و محبوبیت درگاه الهی

الف. محاسبه النفس

ماه رمضان یک حقیقت عینی و دوست صمیمی است که خداوند به سوی بندگان فرستاده تا معلوم شود با این دوست صمیمی در سی روز چگونه رفاقت می‌کنند؟ آیا هنگام جدایی، صمیمانه از یکدیگر جدا می‌شوند یا با کدورت و دورنگی و ناراحتی؟

اولین دستور برای اینکه این صمیمیت محکم‌تر بشود محاسبه النفس است که در ابتدای ماه مبارک رمضان دستور داده شده است.

خداوند بعد از بیان داستان اخراج حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام در سوره مبارکه اعراف با اشاره به یک نکته ظریف می‌فرماید: ای انسان‌ها! ای فرزندان آدم! مبدا همان معامله‌ای که شیطان در بهشت، با پدر و مادر شما کرد با شما در دنیا بکند! ﴿يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ﴾؛ مبدا شما نیز فریب شیطان را بخورید! همان طوری که پدر و مادر شما را فریب داد و از بهشت لقای الهی خارج کرد. ابلیس بر آدم عَلَيْهِ السَّلَام از راه کفر وارد نشد، بلکه او را از راه دین و دینداری و به نام دین و دین خواهی فریب داد و از بهشت لقای الهی خارج کرد؛

۱. الاعراف، ۲۷؛ «ای فرزندان آدم! شیطان، شما را نفریبد چنان که پدر و مادرتان را [با فریبکاریش] از بهشت بیرون کرد».

اگر ماه مبارک رمضان، بهشت الهی است، مبدا شیطان همان گونه که پدر و مادرمان را از این بهشت اخراج کرد، ما را هم اخراج کند.

امام سجاد علیه السلام در دعای آخر ماه رمضان فرمودند: یکی از صفات ماه مبارک رمضان ستاریت است؛ خداوند در آیه بیست و هفتم سوره مبارکه اعراف به همین اشاره می کند و می فرماید: «يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا»؛ شیطان در اثر فریب لباس های آنان را از تنشان درآورد و زشتی هایشان را به آنها نشان داد؛ لباس، زینت و پوشش است، اما در میان این دو بالاترین نقش، پوشش عیب- هاست و ماه رمضان ماه پوشش عیب هاست، باید در ماه رمضان رذایل اخلاقی خود را پوشانند؛ خداوند در آیات مربوط به داستان اخراج حضرت آدم علیه السلام از بهشت شریفه می فرماید: «وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ»؛ بهترین لباس، تقواست، که به شما زینت می دهد، ستار و پوشش دهنده عیب های شماست و از اغوای شیطان حفظ می کند، این لباس را انسان باید از راه عقل به تن کند، چون در ادامه می فرماید: «إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ»؛ یعنی شیطان و سپاهیان او دائماً شما را رصد می کنند، لحظه ای را پیدا کنند که از او غافل باشید از همان جا به شما حمله می کنند؛ نقطه ضعف شما را پیدا کنند از

۱. الاعراف، ۲۷؛ «لباسشان را از اندامشان برمی کشید تا شرمگاهشان را به آنان بنمایاند».

۲. الاعراف، ۲۶؛ «لباس تقوا بهتر است».

۳. الاعراف، ۲۷؛ «او و دار و دسته اش شما را از آنجا که شما آنان را نمی بینید می بینند».

همان جا به شما حمله می‌کنند. نقطه ضعف بسیاری از ما مسلمانان گناهان آشکار نیست؛ چراکه هرگز برای حفظ آبرو در جامعه به سوی گناهان آشکار و پین مثل شراب‌خواری، قماربازی نمی‌رویم و شیطان هرگز از این زاویه به ما حمله نمی‌کند. او به انسان‌های مؤمن، از راه ایمان و از نقطه ضعف‌شان حمله می‌کند، یکی زبان خود را نمی‌تواند کنترل کند، در ماه رمضان به راحتی دروغ می‌گوید، به راحتی آبروی مؤمنی را می‌برد، به راحتی هنگامی که عصبانی می‌شود، کنترل زبان خود را از دست می‌دهد، به دیگران توهین می‌کند، غیبت و تهمت می‌زند، این نقطه ضعف اوست؛ نباید فراموش کرد که ﴿إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ﴾؛ بنابراین با قدم تعقل انسان دقیقاً می‌فهمد که چه باید بکند؟ و از کجا شیطان به او حمله می‌کند؟

به عبارت زیباتر اساتید بزرگوار در مکتب سلوکی علامه طباطبایی رحمته‌الله علیه، در همان بادی امر توصیه می‌کردند که انسان یک محاسبه‌النفس دقیق و عاقلانه نسبت به ضعف‌های خود در همان ابتدای ماه مبارک رمضان داشته باشد که مبدا ماه رمضان بر او بگذرد و نتواند نقاط ضعف خود را اصلاح کند و به جرئت می‌توان گفت، بهترین عبادت در ماه رمضان در همان ابتدا محاسبه‌النفس دقیق و شناخت عیوب خود است تا برای انسان مشخص شود که در ماه‌های

قبل چه زشتی‌ها و چه کاستی‌هایی داشته است و درصدد تطهیر، جبران و اصلاح عیوب خود به‌طور دقیق برآید و با آن زشتی‌ها وارد ماه نشود.

یکی از مستحبات ورود به مسجد این است که انسان قبل از وارد شدن از در مسجد نعلین خود و ته کفش خود را کنترل کند^۱ تا مبادا نجاستی به ته کفش او چسبیده باشد و او نجاست را وارد مسجد کرده و خانه پروردگار را نجس کند در حالی که طهارت مسجد واجب است؛ حال اگر ماه مبارک رمضان مسجد اولیای الهی است، اگر ماه مبارک رمضان بهشت پروردگار و بهشت اولیای الهی است، مبادا انسان با لباس کثیف با نجاست‌های ظاهری و باطنی یعنی نجاست گناه و آثار گناه، وارد ماه مبارک رمضان شود؛ از این رو اول دستوری که داده‌اند، این است که انسان یک محاسبه‌النفس دقیقی داشته باشد تا با آلودگی وارد بهشت خدا و اولیای او نشود. اولیای الهی دائماً زمزمه می‌کردند که: خدایا! ما از تو عفو را می‌خواهیم، چون اگر عفو تو نباشد، ما هرگز نمی‌توانیم از زشتی‌ها خارج بشویم و به برکت ماه رمضان نائل بشویم؛ «الهي لم يكن لي حَوْلٌ فَأَنْتَقِلَ بِهِ عَنْ مَعْصِيَتِكَ إِلَّا فِي وَفْتٍ أُيَقِّظُنِي لِمَحَبَّتِكَ»^۲؛ بنابراین اگر کسی بخواهد محبوب پروردگار باشد باید بداند که پروردگار او را برای این محبت، بیدار کرد و وقتی

۱. احکام مستحب مساجد: مراقبت کردن کفش یا پا برای این که به نجاست یا کثافتی آلوده نباشد. (رساله‌ی آموزشی، ج ۱، ص ۱۲۸)

۲. إقبال الأعمال، ج ۲، ص ۶۸۶: «خدای من! برای من توانی نبود تا به وسیله آن از نافرمانی‌ات بیرون زوم، مگر آن‌گاه که برای محبتت مرا بیدار کردی.»

انسان به سوی محبت الهی حرکت کرد، باید از گناهان خارج شود چون گناه مبعوض خداست و هرگز انسان با مبعوض مولا، محبوب او نخواهد شد.

ب. توبه، ایجاد قابلیت در خود

دستور دوم به ویژه برای درک شب‌های قدر، دستور توبه است. در بیان نورانی رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در دعای طلوعه ماه مبارک رمضان می‌فرماید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ صِيَامَ الصَّائِمِينَ وَ قِيَامِي فِيهِ قِيَامَ الْقَائِمِينَ وَ نَبِّهْنِي فِيهِ عَنْ نَوْمَةِ الْعَافِينَ وَ هَبْ لِي جُزْمِي فِيهِ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ وَ اعْفُ عَنِّي يَا عَافِيَا عَنِ الْمُجْرِمِينَ»؛ خدایا! مرا جزء روزه‌داران واقعی خود در این ماه قرار بده و در همین اوان ماه مبارک رمضان، تمام گناهان من را یک جا ببخش که تو خود فرمودی که در هر شب هزاران هزار نفر را از گناهان پاک می‌کنی؛ خدایا! چه می‌شود عنایت کنی و در میان آن گناهکارانی که نام آنها را از طومار گناهکاران پاک می‌کنی و در میان بندگان صالح خود قرار می‌دهی، نام من نیز باشد! قطعاً عفو و رحمت تو بر غضب و سختت سبقت دارد («وَ اعْفُ عَنِّي يَا عَافِيَا عَنِ الْمُجْرِمِينَ» بنابراین انسان باید قابلیت توبه و عفو الهی را در خود به وجود بیاورد، تا مشمول توبه و مغفرت پروردگار قرار گیرد.

۱. زادالمعاد، ص ۱۴۴: دعای روز اول ماه مبارک رمضان، «خداوندا! روزه مرا در این روز، روزه روزه‌داران [واقعی] قرار بده و اقامه نماز را مانند نمازگزاران واقعی مقرر فرما و مرا از خواب غافلان هوشیار ساز و در آن، خطایم را ببخش ای معبود جهانیان و از من درگذرای بخشاینده مجرمان!»

ماه مبارک رمضان ماه ضیافت الهی است، ماهی است که همه انسان‌ها در نظام تکوین به مهمانی خدا دعوت شده‌اند در این مهمانی فرقی نمی‌کند که شخص مؤمن یا غیرمؤمن، صالح یا طالح باشد در هر مرتبه فکری و علمی، در هر کجا که باشد در ضیافت الهی است آن هم ضیافت کریمی که سفره‌ای به پهنای عالم بشریت برای همه انسان‌ها و همه ذائقه‌ها گسترده است «شَهْرٌ دُعِيْتُمْ فِيهِ إِلَىٰ ضِيَافَةِ اللَّهِ وَجُعِلْتُمْ فِيهِ مِنْ أَهْلِ كَرَامَةِ اللَّهِ!». همه شما در مهمان‌خانه خداوند کریم دعوت شده‌اید، اما سخن در این است که در این مهمان‌خانه همه در یک‌رتبه نیستند و این سفره، یک سفره معمولی نیست. سفره‌ای دارای طبقات است، آن هم طبقاتی نه در عرض هم، بلکه طبقاتی در طول؛ مانند پادشاهی که از سوی یک پادشاه دیگر در کشور دیگر به ضیافت دعوت شده باشد، پادشاه این کشور دعوت شده به تنهایی نمی‌آید؛ همراه وزرا، فرماندهان، خادمان، غلامان و حتی افراد زیردستی که کارهای پست کاروان شاهنشاهی را دارند، همه با هم به ضیافت آن بزرگ وارد می‌شوند، کاملاً روشن است و عقل نیز همین حکم را می‌کند، هرگز آن بزرگ که در ضیافت‌خانه خود پادشاه را می‌نشانند، سایرین را قرار نمی‌دهد، وزیر و فرمانده و امرا در مکان خاص خود قرار می‌گیرند تا می‌رسد نوبت به خادمین و کارگران و افراد

۱. الأُمالي (للصدوق)، ص ۹۳؛ «آن، ماهی است که در آن به میهمانی خدا دعوت شده‌اید و در آن، از اهل کرامت خدا قرار داده شده‌ای».

پایین دست، حتی به تعبیر بزرگانِ اهل معنا حتی ممکن است از اسب و استرها و حیواناتی که این بزرگان را حمل می‌کردند نیز پذیرایی شود، چون کریم از تمام طبقات پذیرایی می‌کند؛ ولی از حیوانات در محل خاص خود، از غلامان و کنیزان و خادمان در مرتبه خود، و از فرماندهان و وزرا و بزرگان نیز در جایگاه خود، بنابراین سخن در این است که در ماه مبارک رمضان، «دُعِيْتُمْ إِلَى ضِيَاةِ اللَّهِ» همگی به ضیافت الهی دعوت شده‌اید؛ اما سخن در این است و دل‌شوره بزرگان و اهل معنا نیز در این بوده است که در این مهمان‌خانه و ضیافت الهی در کجا به آنها اجازه استقرار داده می‌شود؟ در مهمان‌خانه عام یا خاص و یا خاص‌الخاص؟

بیان مراتب توبه

امام صادق ع خطاب به عبدالعزیز قراطیسی می‌فرماید: «إِنَّ الْإِيْمَانَ عَشْرُ دَرَجَاتٍ!»؛ ایمان ده درجه دارد «بِمَنْزِلَةِ السُّلْمِ»؛ مثل یک نردبان «يُصْعَدُ مِنْهُ مِرْقَاةٌ بَعْدَ الْمِرْقَاةِ»؛ پله به پله باید این مدارج را طی کرد، به مدد فرصت‌های الهی در طول عمر، به مدد فرصت ماه مبارک رمضان، به مدد شب نیمه ماه مبارک رمضان، به مدد شب‌های قدر و فرصت‌های طلایی عمر «مِرْقَاةٌ بَعْدَ الْمِرْقَاةِ»،

باید مدارج ایمان را طی کرد تا در ضیافت‌خانه عالی پروردگار در شب‌های پایانی از ما پذیرایی شود.

اشاره شد قدم اول بعد از محاسبه‌النفس، قدم توبه است و توبه منازلی دارد چنانچه در بیان امام صادق ع در کتاب **مصباح الشریعه** می‌فرماید: توبه عوام و توده مردم توبه از گناهان است؛ همان توبه‌ای که در شب اول ماه مبارک باید داشت؛ لطافت و زیبایی دعای هنگام غسل شب اول ماه مبارک، اشاره به همین دارد که خدایا! من را از همه گناهانم پاک کن، من را مطهر کن، که دیگر سمت گناهان نروم؛ این توبه مدارج اول است.

در ادامه حضرت می‌فرمایند: توبه خواص، توبه از اشتغال به غیرپروردگار است، آن کسانی که در زندگی همه چیزشان برای خدا و به سوی خداست از لهو و لعب پرهیز می‌کنند، نه اینکه از زندگی پرهیز می‌کنند؛ زندگی، خوردن، خوابیدن، نوشیدن، کارکردن، همه را بر مدار خدا و رضای الهی انجام می‌دهند توبه از اشتغال به غیرخدا، توبه خواص است.

توبه مرتبه بالاتر توبه اصفیاست توبه آنها از این است که لحظه‌ای را به غیرخدا پردازند «وَتَوْبَةُ الْأَصْفِيَاءِ مِنَ التَّنَفُّسِ»^۱، تنفس از نفس کشیدن است از اینکه یک استراحتی کنند و در زندگیشان لحظه‌ای را به خود پردازند، باید توبه

۱. مصباح الشریعة، ص ۹۷.

کنند. مؤمن همیشه باید به خدا توجه کند ﴿وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ﴾؛^۱ در این امر مهم همه باید با جدیت مثل اسبان دونده در میدان مسابقه نفس-نفس بزنند؛ لحظه‌ای استراحت و آرامش یعنی عقب افتادن از میدان مسابقه. توبه بالاتر توبه اولیاست، اولیا از چه چیز باید توبه کنند؟ «وَتُوبَةُ الْأَوْلِيَاءِ مِنْ تَلْوِينِ الْخَطَرَاتِ»^۲؛ اولیای الهی از اینکه حتی در ذهنشان خطورات غیرتوحیدی جرقه بزند و لحظه‌ای در ذهنشان به غیر خداوند فکر کنند، توبه می‌کنند؛ این به این معنا نیست که به زندگی و فرزند و خانه و کار اینها توجه نکنند، بلکه همه آنها را در قالب توحید مشاهده می‌کنند که دنیا سراسر جلوات اوست ﴿فَأَيُّنَمَا تَوَلَّوْا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ﴾^۳.

در نهایت حضرت می‌فرماید: بالاترین توبه، توبه انبیاست «فَتُوبَةُ الْأَنْبِيَاءِ مِنْ اضْطِرَابِ السَّيْرِ»^۴؛ انبیای الهی هم توبه می‌کنند. آنها دائماً توجه به توحید دارند، توجه به حقیقت خودشان دارند، توجه به حقیقت عالم دارند، توبه آنان از این است که این توجه، نوسان و اضطراب دارد، در حشر و نشر با مردم ناچارند توجه‌شان به توحید را کم کنند. لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّهُ لِيَعَانُ عَلَى قَلْبِي

۱. المطففين، ۲۶؛ «و رقابت کنندگان و مسابقه‌گران باید به سوی این نعمت‌ها بر یکدیگر پیشی گیرند».

۲. مصباح الشریعة، ص ۹۷؛ «توبه اولیا از وارد شدن خطورات گوناگون به دل است».

۳. البقرة، ۱۱۵؛ «پس به هر کجا رو کنید آنجا روی خداست».

۴. مصباح الشریعة، ص ۹۷؛ «توبه انبیا از اضطراب درون توبه است».

حَتَّىٰ اسْتَغْفِرُ فِي الْيَوْمِ سَبْعِينَ مَرَّةً^۱؛ گاهی اوقات قلب من غباری می‌گیرد و من روزی هفتاد مرتبه از درگاه خدا آمرزش می‌طلبم؛ البته عدد هفتاد موضوعیت ندارد بلکه نشان کثرت است. از این رو توبه قدم اول است؛ باید انسان ببیند در کدام مرحله است و از چه چیز باید توبه کند؛ البته انسان باید «مِرْقَاةً بَعْدَ الْمِرْقَاةِ»؛ پله به پله این نردبان را بالا رود، بنابراین نباید عجله کرد و اولین قدم، توبه از گناهان است.

در قبولی توبه نباید تردید کرد که با توبه جدی از این منزل انسان عبور می‌کند فقط باید با دعای برای همدیگر از خداوند خواست که از این منزل به سلامت عبور کرده و خداوند غفار همگی را جزو توابین به توبه نصوح امت خود در سفره ماه مبارک رمضان در کنار توابین قرار دهد.

ج. تدبر قرآن

در تمام ماه مبارک رمضان توصیه به تلاوت قرآن شده است؛ درحالی که تلاوت قرآن بدون تدبر سودی ندارد ﴿أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾^۲، چرا در قرآن تدبر نمی‌کنید؟ آیا بر قلب‌های شما قفل زده شده است؟ در بیان زیبای امام صادق علیه السلام است که حسن صیقل می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم

۱. جامع الأخبار، ص ۵۷.

۲. محمد، ۲۴.

اینکه از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است «تَفَكَّرُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ قِيَامِ لَيْلَةٍ»؛ یک- لحظه، فکرکردن از یک شب تا به صبح نماز خواندن در پیش خدا ارزش بیشتری دارد، آیا درست است؟ با تعجب حضرت فرمودند: بله «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَفَكَّرُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ قِيَامِ لَيْلَةٍ»^۲، حسن صیقل می‌پرسد: درباره چه چیزی فکر کند آن قدر ارزش دارد؟ مثلاً درباره مسائل سخت ریاضی و مهندسی یا فیزیک و شیمی فکر کند یا درباره فقه و اصول و... به حضرت عرض می‌کند چگونه فکر کند؟ «قُلْتُ كَيْفَ يَتَفَكَّرُ؟» فرمودند: درباره قیامت فکر کند؛ درباره غفلت از احوال دل خود فکر کند.

روزها فکر من این است و همه شب سخنم
که چرا غافل از احوال دل خویشتم
ز کجا آمده‌ام آمدنم بهره چه بود
به کجا می‌روم آخرنمایی و طنم

حضرت می‌فرمایند: «يَمُرُّ بِالْحَرَبَةِ وَبِالدَّارِ»؛ به خرابه‌ها و به خانه‌های خالی بروید و در آن فکر کند «أَيْنَ بَأْتُوكِ؟» کجا رفتن آن‌هایی که با هزاران امید، شما (خانه‌ها) را زیبا ساختند؟ «أَيْنَ سَأَكُنُوكِ؟» ساکنین شما کجا رفتند؟ «مَا لَكَ لَا تَتَكَلَّمِينَ؟»^۳ چرا با من حرف نمی‌زنید؟ ای خانه‌های خراب! ای قبرستان-

۱. الکافی، ج ۲، ص ۵۴ و مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ج ۱، ص ۶۱. «ساعتی اندیشه کردن، بهتر است از یک شب بیداری».

۲. همان.

۳. همان.

های افسرده و خراب شده! سپس گوش دل را با عقل باز کند، می بیند که آنها با دهانی به پهنای فلک با همه انسان‌ها خواهند گفت: «فَإِنَّ خَيْرَ الرِّزَادِ التَّقْوَى»^۱. بنابراین باید با بهره‌گیری از توشه ماه رمضان و در سایه تعقل، تقوای دینی خود را به بهترین وجه کسب کرد و بی‌شک ارزش مؤمن به میزان تدبر و تفکرش است؛ به همین دلیل به فهم قرآنی در ماه مبارک رمضان توصیه شده است تا تلاوت و قرائت بدون تدبر نباشد؛ و به برکت قرآن و ختم آن و تدبر در آن بتوان به باطن قرآن سیر کرد.

مراتب باطنی قرآن

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «أَنَّ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا وَبَطْنًَا وَبَطْنُهُ بَطْنٌ إِلَى سَبْعَةِ أَبْطُنٍ»^۲ قرآن ظاهر و باطنی دارد و باطن او باطنی دارد تا هفت بطن. در بیان دیگری حضرت سیدالشهدا عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرمایند: «كِتَابُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ عَلَى أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ»^۳؛ کتاب خدا به چهار رویکرد و جلوه با انسان‌ها دارد «عَلَى الْعِبَارَةِ، وَالْإِشَارَةِ، وَاللَّطَائِفِ وَالْحَقَائِقِ»، ظاهر قرآن عبارات قرآن برای عوام است «فَالْعِبَارَةُ لِلْعَوَامِّ»؛ عوام ظاهر قرآن را می‌خوانند و از ختم قرآن شادند، به اینکه با صوتی زیبا قرآن را بخوانند مسرور می‌شوند، تلاوت با صوت نیکو خوب است و در نزد پروردگار مقام

۱. البقرة، ۱۹۷؛ «بهترین توشه پرهیزکاری است».

۲. عوالی اللالی، ج ۴، ص ۱۰۷، ح ۱۵۹ و تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۳۱.

۳. جامع الأخبار، ص ۴۱.

دارد و صاحب درجه خواهند بود؛ ولی همه قرآن و مراتب آن این ظاهر نمی‌باشد.

«وَالْإِشَارَةُ لِلْخَوَاصِّ»؛ اشارات قرآن برای خواص است. اگر قرآن درباره فرعون می‌گوید، باید تَفَرُّعُونَ درون خود را کشف کرد، اگر قرآن درباره نمرود می‌گوید باید صفت زشت نمرود را در خود یافت، اگر درباره انبیای الهی و درباره مقامات اولیا می‌گوید، باید صفات برجسته آنها را در خود تقویت کرد؛ قرآن، کتاب داستان نیست، قرآن کتاب اصول اعتقادات نیست، قرآن کتاب فلسفه و کلام نیست، قرآن کتاب فطرت انسانی و کتاب سیروسلوک انسان به سوی مقام قرب انسانیت و قرب به سوی پروردگار است.

در ادامه حضرت می‌فرماید: البته لطیفه‌هایی نیز دارد «وَاللَّطَائِفُ لِلْأَوْلِيَاءِ» که این لطائف برای اولیاست. لطیفه به معنای مطالب بسیار دقیق و ظریف و لطیف است؛ در نهایت حقیقت قرآن برای انبیاست «وَالْحَقَائِقُ لِلْأَنْبِيَاءِ».

امام باقر علیه السلام با دلی پردرد خطاب به امت اسلام می‌فرمایند: اینکه خداوند در قرآن می‌فرماید: در میان اقوام گذشته و بنی اسرائیل گروهی کتاب را به پشت سرشان انداختند این به این معنا نیست که خود کتاب را به پشت سر انداختند اینها به تورات خیلی هم احترام می‌گذاشتند و آن را بالای سر خودشان می‌گذاشتند، موقع تلاوت تورات سرشان را تکان می‌دادند، بلکه حضرت می‌فرماید «وَكُلُّ أُمَّةٍ قَدْ رَفَعَ اللَّهُ عَنْهُمْ عِلْمَ الْكِتَابِ حِينَ نَبَذُوهُ وَوَلَّاهُمْ عَدُوَّهُمْ

حِينَ تَوَلَّوْهُ^۱؛ هرامتی که که کتابشان را پشت سر انداختند، خداوند دشمنان را بر آنها مسلط کرد و نشانه دور افکندن کتاب این بود: «وَكَانَ نَبْدُهُمُ الْكِتَابُ أَنْ أَقَامُوا حُرُوفَهُ وَحَرَّفُوا حُدُودَهُ»^۲؛ اینها ظاهر کتاب خدا را گرفتند و در ظاهر قرآن ماندند، سعی می کردند قرآن را زیبا بخوانند ولی حدود کتاب الهی را نابود کردند، تحریف کردند، زیبا قرآن می خواندند، ولی به قرآن عمل نمی کردند «فَهُمْ يَرُوءُهُ وَلَا يَرَعُونَهُ»؛ روایت می کردند، ولی رعایت نمی کردند و در نتیجه جهال امت برای آنها ابراز احساسات می کردند «الْجَهَالُ يُعْجِبُهُمْ حِفْظُهُمْ لِلرِّوَايَةِ»؛ وقتی می دیدند آنها خوب قرآن می خوانند، آنها را تشویق می کردند «وَالْعُلَمَاءُ يَحْزَنُهُمْ تَرْكُهُمُ لِلرِّعَايَةِ» ولی علمای ربانی امت تأسف می خوردند که این هایی که قرآن را زیبا می خوانند اگر قرآن را عمل نکنند چقدر خاسر و زیان کارند.

د. کمک به فقرا، توجه به سیر اجتماعی به سوی حق

سیرالی الله منازل گوناگونی دارد، برخی از منازل در ارتباط با امور فردی و برخی در ارتباط با امور اجتماعی است. یکی از نردبان هایی که به جرئت می توان گفت در اغلب آیات الهی خداوند بلافاصله به دنبال اقامه نماز (نردبان فردی در

۱. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۵۸.

۲. همان؛ «یکی از نشانه های به دور افکندن کتاب، این است که حروف [و کلمات و اعراب و] آن را پاس داشتند؛ اما حدود [و احکام و قوانین] آن را تحریف و ازگونة ساختند. پس، آن را روایت می کنند؛ لیکن به کارش نمی بندند. نادانان از این که آن را برای روایت حفظ کنند، دل شادند و علما و دانایان از این که آن را به کار نیندند، اندوهگین اند».

سیرالی الله) به آن اشاره می‌کند ایتای زکات و کمک به دیگران است، اگر نماز «قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ»^۱ است و اگر نماز معراج مؤمن است، زکات به معنای عام (کمک به دیگران) بال دوم است، در معراج مؤمن اگر اهل ایمان فقط به امور فردی عبادی خود پردازند، گویی با یک بال به سوی پروردگار سیر می‌کنند؛ و این سیر، ناقص است؛ چون مؤمن کسی است که در عین توجه به خودسازی و ساختن و تهذیب و تزکیه نفس خود، باید جامعه را هم مناسب برای تزکیه خود قرار دهد؛ یعنی در سلامت فضای اجتماعی هم نقش داشته باشد و کوشش کند، در فضای اجتماعی اطراف خود، فضای خانواده، محله و همسایگان، فامیل و در درجه بزرگ‌تر در اصلاح کل جامعه تلاش کند؛ به همین دلیل در دعای روز هشتم ماه مبارک آمده است: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ رَحْمَةَ الْإِيْتَامِ وَإِطْعَامَ الْفُقَرَاءِ»؛ خدایا! به من رحمت و مودت و عطوفت به یتام فقرا و مستمندان را عنایت کن؛^۲

سخن در منازل ماه مبارک رمضان و رسیدن به مقام محبوبین است. پروردگار در حدیث معراج به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «يا احمد! مَحَبَّتِي مَحَبَّةَ الْفُقَرَاءِ»^۳؛ اگر می‌خواهی محبوب من باشی، باید به فقرا کمک کنی و به آنان

۱. اشاره به روایت «عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «الصَّلَاةُ قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ» (نماز، وسیله تقرب هر شخص پرهیزگاری است). (الکافی، ج ۳، ص ۲۶۵).

۲. زادالمعاد، ص ۱۴۴.

۳. بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۳.

محبت داشته باشی؛ «فَادَنْ الْفُقَرَاءَ وَقَرِّبْ مَجْلِسَهُمْ مِنْكَ، أَدْنُكَ»؛ به فقرا نزدیک شو! با آنها هم‌نشینی و ملاحظت داشته باش که اگر به آنها و به طبقه ضعیف جامعه نزدیک شدی، بدان به من نزدیک شدی و من در کنار کسانی هستم که قلبشان شکسته است، «عِنْدَ الْمُتَكْسِرَةِ قُلُوبُهُمْ»؛ آن‌هایی که دل شکسته و فقیرند؛ فقیر در اصطلاح لغوی؛ یعنی کسانی که زمین گیرند و ستون زندگی آنها شکسته است به آنان نزدیک شو تا به من نزدیک شوی.

در ادامه همان دعای روز هشتم می‌فرماید: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ... إِفْشَاءَ السَّلَامِ»^۲؛ من را از کسانی قرار بده که با کمک به فقرا سلم و صفا و یک‌رنگی و هماهنگی با ضعیف‌های جامعه به من عنایت شود «وَارْزُقْنِي فِيهِ صُحْبَةَ الْكِرَامِ»؛ در این روز مصاحبت با انسان‌های کریم‌النفس را به من عنایت کن! «وَمُجَانَبَةَ اللَّئَامِ»؛ و از آدم‌های پست دور بدار! بنابراین یکی از دستورات مهمی که از این بیان امام در ماه مبارک رمضان استفاده می‌شود این است که ورود به شب‌های قدر با نزدیک شدن به فقرا و دوری از انسان‌های فاسد و فاسق است.

حق فقرا در مال اغنیا

نکته زیبایی که در آیات قرآن وجود دارد این است که پروردگار می‌فرماید: شما فکر نکنید اگر به فقرا کمک می‌کنید این شما هستید که دارید کمک می‌-

۱. «سُئِلَ أَيْنَ اللَّهُ فَقَالَ ﷺ: عِنْدَ الْمُتَكْسِرَةِ قُلُوبُهُمْ». (بحار الأنوار، ج ۷، ص ۱۵۷)

۲. زاد المعاد، ص ۱۴۴؛ دعای روز هشتم: «خداوندا! در این روز... و آشکارا سلام دادن را عطايم کن».

کنید و منّتی بر آنها بگذارید، بلکه ما حق و سهم آنها را در مال شما قرار دادیم و در حقیقت شما دارید سهم آنها را از مال خود جدا می‌کنید؛ در آیه شریفه سوره ماعون می‌فرماید: «أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالَّذِينَ *فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ*^۱؛ برجسته‌ترین کسانی که تکذیب دین را می‌کنند، کسانی هستند که به یتیم نه - تنها توجه نمی‌کنند؛ بلکه آنها را از خودشان دور می‌کنند؛ به عبارت دیگر موضوع کمک به فقرا را از خودشان پاک می‌کنند و دوست ندارند به طبقه ضعیف نزدیک شوند، در حقیقت دوست ندارند به خدا نزدیک شوند؛ در ادامه می‌فرماید: «وَلَا يَخْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ»^۲؛ مرحوم طباطبایی رحمته الله عليه در تفسیر المیزان می‌فرماید: این آیه باید این‌طور می‌بود «وَلَا يَخْضُ عَلَى إِطْعَامِ الْمَسْكِينِ»؛ یعنی اینها حریص نیستند و تشویق نمی‌کنند و با سرعت به سوی اطعام مساکین حرکت نمی‌کنند؛ ولی چرا فرمود «طَعَامِ الْمَسْكِينِ» و نفرمود «إِطْعَامِ الْمَسْكِينِ»؟ معنای «طَعَامِ الْمَسْكِينِ» غذا خوراندن نیست، بلکه خوراک مسکین است^۳، ایشان درباره ظرافت این آیه شریفه می‌گویند: این تعبیر

۱. الماعون، ۱۰ و ۲.

۲. الماعون، ۳.

۳. قوله تعالى: «وَلَا يَخْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ» الحض الترغيب، و الكلام على تقدير مضاف أي لا يرغب الناس على إطعام طعام المسكين قيل: إن التعبير بالطعام دون الإطعام للإشعار بأن المسكين كأنه مالك لما يعطى له كما في قوله تعالى: «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَ الْمَحْزُومِ»: (الذاريات: ۱۹) و قيل: الطعام في الآية بمعنى الإطعام. (الميزان في تفسير القرآن، ج ۲۰، ص ۳۶۸)

به این دلیل است که خداوند می‌خواهد بفرماید: رزق مساکین در خوراک شما اغنیاست و اگر شما اموالتان را از مال فقرا پاک نکنید، نمی‌توانید به درگاه من بیایید؛ کسی می‌تواند مقبول درگاه محبوب باشد که مبعوض محبوب نباشد و کسی که مال فقرا در اموال اوست، مبعوض محبوب است.

تعبیر لحن تندتر را خداوند در سوره مبارکه حاقه ذکر می‌فرماید: برخی در روز قیامت نامه عملشان را در دست راست می‌گیرند، آنان سعدا هستند و برخی دیگر نامه عملشان را از سمت چپ یعنی از سمت شومی و اخبار ناگوار، دریافت می‌کنند؛ وقتی نامه عمل آنان داده می‌شود و نامه سیاه خود را نگاه می‌کنند، فریادشان بلند می‌شود؛ ای کاش! من هرگز برای روز حساب زنده نشده بودم و همان مرگ دنیایی مرا نابود کرده بود و ای کاش! هرگز چنین نامه سیاهی به دستم نمی‌رسید ﴿يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوْتِ كِتَابِيَةً ﴿٥٥﴾ وَ لَمْ أُدْرِ مَا حِسَابِيَةً﴾^۱؛ همه اینها مقدمه است برای این بخش؛ خداوند برجسته‌ترین علامت کسانی که از ناحیه سمت چپ آنها نامه اعمال آنها داده می‌شود، این طور بیان می‌کند که اینها اولاً در اعتقادات به فکر قیامت نبودند، ﴿إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ﴾^۲؛ آنها ایمانی به خدا و آخرت نداشتند، ﴿وَلَا يُحِصُّ عَلَى

۱. الحاقه، ۲۵ و ۲۶؛ «و اما کسی که نامه عملش را به دست چپش داده باشند می‌گوید ای کاش نامه‌ام را به من نداده بودند و حسابم را نمی‌دیدم که چیست».

۲. الحاقه، ۳۳؛ «که او در دنیا به خدای عظیم ایمان نمی‌آورد».

طَعَامِ الْمَسْكِينِ»^۱؛ و نسبت به فقرا چندان مقید نبودند و انسان‌های خودمحموری بودند که همه خوشی‌ها را برای خود و خانواده خود می‌خواستند و به مساکین توجه نداشتند.

۵. قناعت موجب آرامش

در دعای روز دوازدهم می‌خوانیم «اللَّهُمَّ زَيِّتِي فِيهِ بِالسِّتْرِ وَالْعَفَافِ»^۲؛ خدایا! در این روز و در این ایام حجاب و عفت در برابر خود را به من عنایت کن «وَأَسْتُرِّي فِيهِ بِبِلْبَاسِ الْقُنُوعِ وَالْكَفَافِ»^۳؛ لباس قناعت، لباس زهد، لباس بسنده کردن به آنچه خداوند در رزق و روزی دنیا عنایت کرده و در نتیجه نجات از اضطراب را عنایت کن! بی‌شک یکی از بزرگترین عوامل عقب‌افتادن بنده در مسیر سلوک الی‌الله، اضطراب است، قلب مضطرب، دل به‌هم‌ریخته و نگران نمی‌تواند جایگاه آرامش و طمأنینه انس با پروردگار باشد؛ به همین دلیل یکی از دستورات مهم در این مسیر قناعت است، یعنی انسان به داده‌های الهی در عین مدیریت زندگی و در عین تلاش برای توسعه در رزق و روزی خود قانع باشد و از آمدوشد روزگار و کمبودها دچار اضطراب نشود به‌ویژه در این روزگاری که زمینه این وقایع فراوان است.

۱. الحاقه، ۳۵.

۲. زادالمعاد، ص ۱۴۵: دعای روز دوازدهم ماه رمضان؛ «خداوندا! در این روز، مرا پوشش و پاک‌دامنی، روزی کن».

۳. همان؛ «جامه قناعت و کفاف را بر من بپوشان».

سُفْيَانُ بْنُ عُيَيْنَةَ از امام صادق عليه السلام درباره قلب سلیم در آیه شریفه ﴿إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ الْقَلْبَ السَّلِيمُ﴾^۱ سؤال می کند؟

حضرت درباره ویژگی آن می فرماید: «كُلُّ قَلْبٍ فِيهِ شِرْكٌ أَوْ شَكٌّ فَهُوَ سَاقِطٌ»^۲؛ خداوند در آیه زمینه های شرک و کفر را بیان کرده است؛ حضرت می فرماید: «الَّذِي يَلْقَى رَبَّهُ وَ لَيْسَ فِيهِ أَحَدٌ سِوَاهُ» قلب سلیم قلبی است که پروردگار خود را در حالی ملاقات کند که غیرتوحید در آن وجود نداشته باشد. حضرت در ادامه درباره راه سخت آن می فرماید: «إِنَّمَا أَرَادُوا الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا لِتَفَرُّغَ قُلُوبِهِمْ لِلْآخِرَةِ»^۳، وقتی که قلب، علقه های خود با دنیا و آنچه در دنیاست را برای انس با محبوب بردارد، فارغ و آزاد می شود؛ به همین دلیل امیرالمؤمنین علی عليه السلام در باره آیه شریفه ﴿لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ﴾^۴ می فرماید: همه زهد در قرآن در محور همین دو قسمت آیه شریفه است^۵ که اگر قلبی وابسته به دنیا نباشد از آمدن دنیا خوشحال و از رفتن آن مضطرب نمی گردد، بلکه همه هم و غم او توجه به مولا و امتثال فرامین مولا است.

۱. الشعرا، ۸۹؛ «مگر کسی که دلی سالم [از زایل و خبیث] به پیشگاه خدا بیاورد».

۲. الکافی، ج ۲، ص ۱۶؛ «هر دلی که در آن شرک یا شکّی باشد، آن دل بی ارزش است».

۳. همان؛ «از این رو خواهان زهدورزی در دنیا بودند که دل هایشان برای آخرت، خالی گردد».

۴. الحدید، ۲۳؛ «این را بدان جهت خاطر نشان ساختیم تا دیگر از آنچه از دستتان می رود غمگین نشوید، و به آنچه به شما عاید می گردد خوشحالی مکنید».

۵. «الزُّهْدُ كُلُّهُ بَيْنَ كَلِمَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ ﴿لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ﴾ وَمَنْ لَمْ يَأْسَ عَلَى الْمَاضِي وَلَمْ يَفْرَحْ بِالْآتِي فَقَدْ أَخَذَ الزُّهْدَ بِطَرَفَيْهِ.» نهج البلاغه (للصّبحي صالح)، ص ۵۵۴.

نکته بعد زمینه‌چینی برای مرحله و منزل بعد است؛ یعنی کسی که در زندگی میانه‌رو و قانع باشد و مصرف خود را کنترل کند، می‌تواند در انجام حوایج مردم، دست گشاده داشته باشد که عمده نیازهای اجتماعی امروز ما به همین مسئله برمی‌گردد؛ در روایتی امام علی علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ»^۱؛ مراجعه مردم در نیازهایشان به شما نعمت پروردگار و نشانه عنایت پروردگار است؛ چراکه علامت ریزش گناهان و علامت انحدر رحمت پروردگار بر قلب، کمک کردن به مردم مؤمن است که مردم رعایای الهی-اند و اگر خداوند انجام حوایج رعایایی خود را به کسی واگذار کرد؛ پیداست که او مجرا و طریق رحمت پروردگار است و کسی که مجرای رحمت پروردگار می‌شود، مسلماً اول خود مورد رحمت قرار می‌گیرد سپس دیگران را مورد رحمت قرار می‌دهد، از این رو در ادامه روایت دارد «فَاعْتَنِمُوها»؛ فرصتی که خداوند توفیق داده تا بتوانید به دیگران کمک کنید را مغتنم شمارید؛ امام حسین علیه السلام در حدیث مشابهی می‌فرماید: «فَلَا تَمَلُّوا النَّعْمَ فَتَتَحَوَّلَ»^۲؛ از اینکه مردم به شما مراجعه می‌کنند، ناراحت نشوید که اگر از این کار ناراحت شوید خداوند این نعمت را از شما می‌گیرد و اموالتان را در اموری که دشمنی، گرفتاری، گیرودار،

۱. غررالحکم ج ۲ ص ۵۳۷.

۲. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۲۵؛ «مبادا شما از نعمتها ملول شوید که تبدیل به بلا خواهند شد».

اضطراب، بیماری و... در پی دارد هزینه می‌کنید و این امور شما را از توفیقات باز می‌دارد.

۵. استقرار در مقام احسان

میزان و ملاک به این است که آثار ایام سپری شده از ماه مبارک رمضان در شخص ظاهر شود. یکی از برجسته‌ترین آثاری که می‌باید بعد از طی منازل گوناگون قبل منزل اخبات، برای سالک ظاهر شده باشد، احساس نفرت از گناه و از هر آنچه که مبعوض مولاست؛ بر اساس قاعده مهم اصولی «با مبعوض محبوب، هرگز نمی‌توان محبوب محبوب شد و با ابراز بغض نسبت به مبعوض مولا می‌توان محبوب مولا شد»؛ یعنی در واقع از گم‌ون دل و از سیر شویدای قلب نیز باید ابراز علاقه به مبعوض مولا بیرون رود، به همین دلیل است که در دعای روز یازدهم چنین عباراتی مشاهده می‌شود؛ «اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ فِيهِ الْإِحْسَانَ»؛ خدایا! کارهای خوب را برای من محبوب کن؛ احسان در اینجا صرفاً کار خیر و کمک به دیگران نیست و رسیدن به مقام محسنین با تمرین احسان است آن هم به معنای اعم احسان عبادی، قولی، عملی، اعتقادی، همه اینها مظاهر احسان است؛ خدایا! هر آنچه از زبانم بیرون می‌آید کلام تو، محبت به تو، سیر به سوی تو و آنچه باشد که مرضی رضای توست و در رفتار، گفتار، نگاه، سمع و در

تمام جوارحم نیز چنین باشد؛ در دعای بعد از نافله صبح در بین الطلوعین آمده است «وَأَجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَفِي بَصَرِي نُورًا وَعَلَى لِسَانِي نُورًا وَبَيْنَ يَدَيَّ نُورًا وَمِنْ خَلْفِي نُورًا وَعَنْ يَمِينِي نُورًا وَعَنْ شِمَالِي نُورًا وَمِنْ فَوْقِي نُورًا وَمِنْ تَحْتِي نُورًا وَعَظْمٌ لِي النُّورَ وَاجْعَلْ لِي نُورًا أَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ»^۱؛ همه وجود مرا نورانی کن و آن موقعی است که شخص مقام احسان برایش ظاهر شود و خداوند آن مقام را برای قلب او، محبوب قرار دهد؛ «اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ فِيهِ الْإِحْسَانَ وَكَرِّهْ إِلَيَّ فِيهِ الْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ»^۲؛ فسق و عصیان را برای من منفور قرار ده! نفرت، فعل قلب است هرگز به قلب نمی‌توان گفت از چیزی بدت بیاید، یا نسبت به چیزی خوشت بیاید، باید قلب به آن مقامی از اخبات و به آن مقامی از یک‌رنگی و سلم با پروردگار قرار گیرد که ذاتاً میل به خوبی‌ها داشته باشد، با مرور مقام احسان در بیان امام صادق علیه السلام روشن می‌شود که سالک به برکت ماه رمضان، به بلندای چه مقامی می‌تواند برسد؛ در روایت دارد که اسحاق بن عمار می‌گوید امام صادق علیه السلام به من فرمودند: «يَا إِسْحَاقُ خَفِ اللَّهَ كَخَفِكَ تَرَاهُ»^۳؛ ای اسحاق! آن-چنان از خداوند بترس که گویی او را می‌بینی «وَأِنْ كُنْتَ لَا تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ»؛ که اگر تو او را نمی‌بینی او تو را می‌بیند؛ این مقدمه مقام احسان است، مقام کامل

۱. دعای اضطجاع؛ مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، ج ۱، ص ۱۸۰.

۲. زاد المعاد، ص ۱۴۵؛ «خداوند! آن را برای ما سالم بدار و آن را از ما سالم دریافت کن و ما را در آن، سلامت بدار».

۳. الکافی، ج ۲، ص ۶۸.

احسان را رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به جناب اباذر فرمود: «يَا أَبَا ذَرٍّ اعْبُدِ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ كُنْتَ لَا تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ»^۱؛ با خدای خود آن چنان راز و نیاز کن و آن چنان ابراز ارادت کن که گویی تو او را می بینی که اگر تو او را نمی بینی او تو را می بیند، اگر تو محبوب را نمی بینی محبوب که تو را می بیند؛ بنابراین در این مقام است که انسان می باید آرام آرام ببیند چقدر آثار آن منازل در قلب او وارد شده است؛ دعای هنگام رؤیتِ هلالِ ماهِ مبارکِ رمضان را نباید فراموش کرد؛ «اللَّهُمَّ سَلِّمْهُ لَنَا وَتَسَلِّمْهُ مِنَّا وَسَلِّمْنا فِيهِ»^۲؛ یعنی خدایا! با این ماه عزیز و پرنور و یک رنگ، ما را نیز یک رنگ و با صفا کن تا این ماه را آلوده نکرده باشیم و در کمال یک رنگی و صفایی که تحویل دادی، آن را همان طور به تو تحویل دهیم و ما را نیز با این ماه یک رنگ و صمیمی و درسلم و صفا قرار بده! و ما را آماده دریافت توفیقات خود در منازل بعدی بگردان.

ح. درخواست وادی اخبات

با ورود به نیمه ماه مبارک رمضان نزدیک به دو اربعین از اول ماه رجب پشت سر گذاشته می شود که اوقات بسیار خوشی در آن هاست؛ ایام البیض در ماه رجب، شب مبعث نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، شب آخر ماه رجب، و ماه شعبان با همه

۱. مکارم الأخلاق، ص ۴۵۹.

۲. الکافی، ج ۴، ص ۷۱؛ «خدایاندا! بروزه داری آن یاری مان کن و آن را از ما بپذیر و ما را در آن، سلامت بدار و آن را همراه آسانی و عافیت».

عظمت هایش، شب اول و سوم شعبان و به‌ویژه شب و روز نیمه شعبان که در روایات ما از جمله لیالی قدر شمرده شده است همه اینها سرپل‌هایی است برای اینکه منزل‌های گوناگون را اهل‌الله در سیرالی‌الله تا رسیدن به نیمه ماه مبارک رمضان طی کنند؛ نیمه ماه مبارک رمضان علاوه بر همه اینها، به میلاد مسعود و مبارک کریم اهل بیت امام حسن مجتبی علیه السلام مزین است و از دعاهای ماه مبارک رمضان استفاده می‌شود که پس از طی کردن نزدیک به دو اربعین شب و روز میلاد اختصاص به وادی مخبتین دارد که مقامی عالی است؛ چراکه اخبات در لغت به معنای وارد شدن به یک فضای باز، گسترده، هموار و دشت-گونه است که سالک در چنین راهی، مطمئن و بدون نگرانی و با آرامش و تذلل و خضوع و خشوع این سیر را طی می‌کند، در لغت دارد «فَالْإِخْبَاتُ هُوَ النَّزُولُ إِلَىٰ مُحِيطٍ مُّتَّسِعٍ مُّطْمَئِنٍّ حَتَّىٰ يَسْتَقِرَّ فِيهِ وَ يَطْمَئِنُّ وَ يُخَلِّصُ عَنِ الْإِضْطِرَابِ وَ الْانْحِرَافِ وَ الْإِخْتِلَافِ وَ التَّرَدُّدِ»؛^۱ همه اینها نشان می‌دهد که سالک بعد از طی عقبات گوناگون و ابتلائات مختلف در دوران نزدیک به این دو اربعین به نیمه ماه مبارک که می‌رسد، می‌باید بار خود را بسته باشد.

۱. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۳، ص ۶؛ «اخبات نزول به محیط وسیع و مطمئن است تا آنجا که در آن مستقر شود و اطمینان پیدا کند و خالص شود از هرگونه اضطراب و انحراف و اختلاف و تردید».

در دعای روز پانزدهم می‌فرماید: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ طَاعَةَ الْعَابِدِينَ»؛ عابدین یعنی کسانی که تو عبادت آنها را پسندیدی و خداوند عبادت کسانی را می‌پسندد که قلب آنها از همه شوائب و رگ‌های شرک و کفر و نفاق نجات پیدا کرده است؛ از این رو در این روز بنده عرضه می‌دارد؛ خدایا! من را به مقام عابدینی که تو عبادت آنها را پسندیدی قرار بده؛ «وَاشْرَحْ فِيهِ صَدْرِي بِإِنَابَةِ الْمُحِبِّينَ»؛ و سینه مرا بسیار گشاده قرار بده که همچون محبتینی که به سوی تو رجوع می‌کنند، باشم «يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ»؛ ای کسی که امان خائفین هستی و کسانی که در مقام خوف هستند تو امنیت، حفاظت، آرامش، ملجأ و پناه آنها در دنیا و آخرت هستی.

طی منازل چهارگانه در وادی اخبات

پس از توبه سالک باید وارد منزل خوف شده باشد و بعد از آن وارد منزل شوق، ابراز محبت و علاقه شود و شوق قلبی در عبادت داشته باشد و بعد از آن منزل وادی انفاق شود و با صبر در برابر همه این‌ها، وارد وادی اخبات می‌شود. خداوند در آیات سوره مبارکه حج آیه، مقام محبتین و حالات آنان را این‌طور بیان می‌کند، می‌فرماید: «فَلَهُ أَسْلُمُوا»^۲؛ این عبارت، همان «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ

۱. المصباح للكفعمي، ص ۶۱۴.

۲. الحج، ۳۴؛ «فقط تسلیم او شوید».

طَاعَةَ الْعَابِدِينَ^۱ است؛ یعنی فقط سِرِ كُرْنَش، تسلیم، یک‌رنگی، صفا و صمیمیت را در درگاه باری متعال بیاورید ﴿فَلَهُ أَسْلِمُوا﴾، این اسلام همان اسلامی است که خداوند در سوره مبارک بقره خطاب به حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: ﴿إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمَ﴾^۲؛ وقتی خداوند به پیامبر اولوالعزم و جلیل‌القدری مثل حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: ﴿أَسْلِمَ﴾؛ تو اسلام بیاور! این به این معنا نیست که از کفر جلی به اسلام جلی وارد شو، بلکه مراد این است که از تمام شوائب کفر از همه آنچه که تو را از من دور می‌کند، خارج شو! و کاملاً تسلیم درگاه من باش. بعد حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام عرضه می‌دارد: ﴿أَسَلَّمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾^۳؛ بارالها! من در این مقام وارد شدم و از تو درخواست کمک به ورود این مقام را می‌کنم؛ در این آیه نیز می‌فرماید: ﴿فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ﴾؛ ای- پیامبر! کسانی که به وادی اخبات وارد شدند، بشارت بده؛ پروردگار در آیه بعد دربارهٔ مخبتین می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ﴾^۴؛ مخبتین کسانی هستند که در درجه اول وقتی نام مبارک پروردگار و یاد و ذکر الهی در برابر آنها می‌شود، در وادی خوف قرار می‌گیرند ﴿وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ﴾.

۱. المصباح للكفعمي، ص ۶۱۴.

۲. البقرة، ۱۳۱؛ «هنگامی که پروردگارش به او فرمود: تسلیم باش.».

۳. البقرة، ۱۳۱؛ «به پروردگار جهانیان تسلیم شدم.».

۴. الحج، ۳۴.

۵. الحج، ۳۵؛ «همانان که وقتی خدا یاد شود، دل‌هایشان می‌هراسد.».

در درجهٔ دوم «وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمْ»؛ و در برابر گناه، در برابر اطاعت، در برابر مصائب و ابتلائات گوناگونی که خداوند برای آنان فراهم می‌آورد تا آنها را خالص و مصطفی کند، صابرنند.

«وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ»؛ و اما وادی شوق؛ اینها کسانی هستند که دائماً در حال نمازند و نماز را اقامه می‌کنند، یعنی نماز را با همه حدود و شرایطش خاضعانه، محبانه و شاعرانه با خدای خودشان راز و نیاز می‌کنند.

«وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُتَّقُونَ»؛ و اینها کسانی هستند که به مسائل اجتماعی هم به‌طور جدی اهمیت می‌دهند و از آنچه که ما به آنان رزق و روزی دادیم که چه رزق مادی و چه ارزاق معنوی، چه کمک‌های مادی و چه کمک‌های علمی، مشورتی، اعتباری و تجربی و سایر امور، انفاق می‌کنند.

بنابراین وادی اخبات مجموعهٔ چهار منزل (خوف، صبر، شوق به عبادت و انفاق) بود که در فرازهای قبل دعا‌های ماه مبارک رمضان عرض شد و بعد از طی آن چهاروادی به سالک اجازه داده می‌شود وارد وادی اخبات شود، بی‌شک انسان این وادی‌ها و این عقبات سنگین را بدون کمک اولیای الهی و توشه‌برداری از سفره ولایت هرگز نمی‌تواند، طی کند.

استمداد از کریم برای ورود به وادی اخبات

مناسب است سالک در روز میلاد مبارک امام حسن علیه السلام دست به دامن آن حضرت شود؛ در روایت دارد که دشمن‌ترین دشمن اهل بیت علیهم السلام یعنی معاویه-

ابن ابی سفیان روزی در محضر امام مجتبی علیه السلام بود و از حضرتش درباره کریم و کرامت سؤال می‌کند، که معنای «کَرَم» چیست؟ طبیعی است که حضرت به کسی مثل معاویه باید «کَرَم» را طوری معنا کنند که تا با مقام شامخ ولایت سازش داشته باشد؛ از این رو حضرت می‌فرمایند: «أَمَّا الْكِرْمُ فَالتَّبَرُّعُ بِالْمَعْرُوفِ»؛ کریم آن کسی است که بدون چشم‌داشت ببخشد، بدون اینکه انتظاری از طرف مقابل داشته باشد، آبخارگونه ببخشد و معروف را علماً و عملاً و در فضای تشریح و تکوین گسترش دهد و در جامعه با دست‌ودلی باز و بدون چشم‌داشت به دیگران انفاق کند.

یکی از مشکلاتی که در فضاهای اجتماعی، مؤمنین معمولاً برخورد می‌کنند آن است که می‌گویند: ما انفاق کردیم، کسی از ما تشکر نکرد، ما به دیگری کمک کردیم، ولی ناشکری کرد، اتفاقاً در روایت نیز همین را داریم که خداوند می‌فرماید این سنت ماست برای اینکه مؤمن دچار ریا نشود «الْمُؤْمِنُ مُكْفَّرٌ»^۲؛ مؤمن معمولاً کفران نعمت می‌شود، ولی مؤمنی که کریم است، بدون انتظار و چشم‌داشت انفاق می‌کند، او انتظارش از صاحب همه اموال یعنی از پروردگار کریم است؛ در ادامه امام مجتبی علیه السلام می‌فرمایند «الْإِعْطَاءُ قَبْلَ السُّؤَالِ»؛ از دیگر صفات کریم این است که قبل از اینکه محتاج، سؤال کند، ببخشد و در مرحله

۱. نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۷۹.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۲۵۱.

سوم «وَالْإِطْعَامُ فِي الْمَحَلِّ»؛ یعنی اطعام کنند در روز قحطی، در روزی که همه به فکر خود و فرزندان و اطرافیان خود هستند او به فکر دیگران است و چنین کسی کریم است، به همین دلیل در روز میلاد امام حسن مجتبی علیه السلام برای ورود به وادی های سنگین و به خصوص وادی اخبات که مقدمه ورود به لیالی قدر است؛ باید دست به دامن کریم اهل بیت علیهم السلام شد و به ایشان عرضه داشت:

آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند
 آیا بود که گوشه چشمی به ما کنند؟

بی معرفت مباش که درین مزید عشق
 اهل نظر، معامله با آشنا کنند^۱

اگر سالک، آشنای با مقام آستان ولایت باشد، قطعاً کریمانه به او عنایت می کنند.

نکته سلوکی که حضرات اساتید به شاگردانشان فراوان تذکر می دادند، آنکه درست است انسان در برابر دریا هرچه ببخشد قطره است، ولی نباید به قطره - بودن هدیه نگاه کرد و باید چشم به کرم مولا داشت؛ بنابراین بی هدیه به محضرو آستان مولا نباید رفت و مناسب است در نیمه ماه مبارک هدیه زیبایی به آستان امام مجتبی علیه السلام نثار کنیم و توصیه می شود صلوات خاصه^۲ مادر بزرگوارشان صدیقه طاهره علیها السلام را به آن بزرگوار هدیه کنیم.

۱. دیوان حافظ، تصحیح قدسی، غزل ۲۷۸.

۲. رک: مفاتیح الجنان، صلوات بر حجج طاهره.

ط. تولی و تبری شرط رسیدن به مدارج عالی

با عنایت کریم اهل بیت علیهم السلام منازل بهشت رمضان الهی را پله پله و یک به یک باید طی کرد و به بالاترین مدارج اولیای الهی در این ماه نزدیک شد؛ البته رسیدن به این مدارج عالی «بِشَرَطِهَا وَ شُرُوطِهَا» می باشد؛ از این رو دو شرط دیگر قبل از ورود به شب های قدر به برکت دعاهای این ایام در طی منازل بهشت مطرح می شود.

در دعای روز شانزدهم این چنین می خوانیم «اللَّهُمَّ وَفَّقْنِي فِيهِ لِمُؤَافَقَةِ الْأَبْرَارِ!»؛ خدایا! در این روز مرا توفیق بده که با خوبان امت دم خور باشم «وَجَتَّبَنِي فِيهِ مُرَافَقَةَ الْأَشْرَارِ!»؛ خدایا! مرا از رفاقت با اشرار و دشمنان دور کن و به من چنان روزی کن که هرگز با دشمنان اهل بیت علیهم السلام و کسانی که تو آنها را دوست نمی داری، دوستی نکنم.

یکی از دستورات پنج گانه سلوکی، دستور به عزلت است^۱، عزلت به همین معنای دعای روز شانزدهم است؛ یعنی فاصله گرفتن از کسانی که نفس مسموم آنها روح انسان را کدر می کند و نزدیک شدن به کسانی که نفس رحمانی آنها انسان را نورانی می کند، به همین دلیل تولی و تبری از ارکان دین است و وقتی درباره حب و بغض از امام صادق علیه السلام سؤال می کنند که آیا مسئله تولی و تبری

۱. زادالمعاد، ص ۱۴۵.

۲. صمت و جوع و سهر و عزلت و ذکر به تمام

ناتمامان جهان را کند این پنج تمام

جزء دین است؟ حضرت می‌فرماید: «هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ وَالْبُعْضُ»^۱؛ آیا دین جز دوستی موالیان اهل بیت علیهم‌السلام و دشمنی دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام چیز دیگری است؟ گویی اگر کسی این نمره و مدال را در این ایام نداشته باشد، هرگز به مدارج بالاتر راه پیدا نمی‌کند؛ بنابراین در این منزل می‌باید انسان آن چنان باشد که نه تنها به سوی دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام و به سوی کسانی که او را از فضای توحید جدا می‌کنند، نرود بلکه نسبت به این کار احساس نفرت داشته باشد، چنان‌که در آیه بیست و هفت سوره مبارکه فرقان خداوند می‌فرماید: «وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ»^۲؛ در روز قیامت ظالم، به سختی پشت دست خود را می‌گزد ظلم او به واسطه‌ی دوستی با دشمنان پروردگار است؛ «يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا»^۳؛ وای بر من! ای کاش! که با دوستان پیامبر علیهم‌السلام و با دوستان اهل بیت علیهم‌السلام من مرافقت می‌کردم «لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا»^۴؛ این تکرارهای مکرر «يَا وَيْلَتَا، لَيْتَنِي» این به زبان فارسی سلیس یعنی ای مرگ بر من! ای کاش قبل از دیدن آن مرد شقی که مرا منحرف کرد، از دنیا مفارقت می‌کردم و به واسطه نفس مسموم او به فساد و تباهی و دوری از کلمه توحید نمی‌افتادم.

۱. بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۶۳.

۲. الفرقان، ۲۷.

۳. الفرقان، ۲۸.

۴. الفرقان، ۲۹.

چون بسی ابلیس آدم روی هست پس بهر دستی نشاید داد دست^۱
 این منزل در عین سادگی ظاهری، از مهمترین منازل است به همین دلیل
 معمولاً در زیارت نامه های اهل بیت علیهم السلام به خصوص در زیارت عاشورا تأکید بر
 برائت از دشمنان اهل بیت علیهم السلام بیش از تأکید از محبت به دوستان اهل -
 بیت علیهم السلام است.

با سپری کردن منزل های قبل از شب های قدر سالک می باید با توجه به ظهور
 آثار به عالی ترین مدارج در بهشت ماه مبارک رمضان رسیده باشد تا لیاقت ورود
 به شب قدر را پیدا کند.

۱. مثنوی معنوی، دفتر اول، بخش ۱۱.

فصل ۳: مراقبات دهه پایانی ماه مبارک رمضان

شب نوزدهم

شست و شویی برای ورود به شب‌های قدر

در دهه آخر ماه مبارک رمضان، سالک می‌باید با بهره‌مندی از اوقاتِ خوشِ پشتِ سر گذاشته، از آثار و برکات منازل قبل بهره‌مند شده باشد و به عبارت دیگر شب‌های دهه پایانی ماه مبارک دیگر منزل نیست، مقام نیست، بلکه سیر در مقام ولایت با حالِ اخبات است؛ همان‌طور که در فصل قبل گذشت اخبات، یعنی ورود به یک‌وادی امن و مسطح و گسترده و بی‌انتها که رونده در این وادی تنها به هدف می‌نگرد، مات و مهبوت، ساکت و آرام، در این وادی به-سوی بی‌نهایت حرکت می‌کند، به همین دلیل اخبات را در لغت بیشتر با سکوت، مترادف دانستند، ولی در یک معنای جامع‌تر، به طور خلاصه می‌توان گفت «مُخَبَّت» متحیر، واله و شیدا است و در سکوت محض فقط به هدف می‌اندیشد؛ بنابراین در شب‌های دهه پایانی ماه مبارک با حال اخبات با استمداد از مقام ولایت در سیر به سوی مقام خلافت یک‌به‌یک مراتب در یک مقام طی می‌شود؛ در دعای روز هجدهم ماه مبارک با اشاره به همین مطلب می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ نَبِّهْنِي فِيهِ لِبَرَكَاتِ أَسْحَارِهِ»؛ خدایا! مرا از برکات سحرهای این ایام بهره-مند کن و بیدارم کن؛ گرچه سالک تا قبل از این ایام در سحرها برمی‌خاست، ولی آن بهره‌مندی کامل زمانی حاصل می‌شود که مقام اسلام، مقام تسلیم، مقام اخبات و مقام بهره‌مندی تام برای او حاصل شود و این به برکت طی منازل قبل است که در آستانه دهه پایانی ماه مبارک باید از برکات سحرهای ماه مبارک بهترین بهره‌ها را ببرد «وَتَوَرَّ فِيهِ قَلْبِي بِضِيَاءِ أَنْوَارِهِ»؛ قلب مرا نورانی کن به آن تالووها و روشنی نورهایی که در سحرهای ماه مبارک رمضان عنایت می‌کنی؛ سپس این آثار در روز، در بدن، در جوارح، در فکر و عقل، در خیال و در همه آثار وجودی من ظاهر می‌شود «يَا مُنَوِّرَ قُلُوبِ الْعَارِفِينَ»؛ ای کسی که قلب عارفین خود را، نورانی می‌کنی؛ از اینجا معلوم می‌شود که در آستانه شب‌های قدر باید بیشترین تلاش در جهت استغفار باشد، همان دستوراتی که در این ایام فراوان به خصوص در شب نوزدهم داده شده‌است؛ نه فقط استغفار از گناه، بلکه استغفار از هر آنچه که انسان را از غیرپروردگار باز می‌دارد، از توجه به دنیا و لذت‌های آن، از توجه به خود و کمالات و فضایل خود و در یک کلام از انانیت-ها و خودپرستی‌ها و خودبینی‌ها باید استغفار کرد؛ به عبارتی دیگر چون شب نوزدهم مصادف با شب اول عزای اهل بیت علیهم‌السلام و شب ضربت خوردن مولای

متقیان است باید در این شب همراه و هم قدم با اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام خیز بلندی به سوی حقیقت معنای ولایت برداشت.

در روایت اصبح ابن نباته می گوید^۱ بعد از ضربت خوردن امیرالمومنین در شب نوزدهم با عده ای از عاشقان آن حضرت به در خانه مولا آمدیم و بعد از التماس و التجاء بسیار اجازه ورود نیافتیم چراکه حال مولایم بسیار وخیم بود؛ امام مجتبی علیه السلام به اصبح و سایرین می فرماید: بروید حال پدرم حال مناسبی نیست، اصبح که رئیس «شرطة الخميس» است و جایش در کنار امیرمؤمنان علیه السلام جایگاه مالک اشتر رضی الله عنه است، می گوید همه رفتند، ولی من هر چه کردم تا بروم، دیدم زانویم توان رفتن ندارد و نمی توان بروم. برای بار دوم وقتی که امام مجتبی علیه السلام صدای گریه و ناله اصبح را می شنود و درب را باز می کند، می فرماید: مگر نگفتم بروید که پدرم حال مناسبی ندارد؛ اصبح می گوید، می خواهم بروم، اما توان رفتن ندارم- این حال همه شیعیان در شب نوزدهم است؛ همگی باید گرد وجود مبارک امیرالمؤمنان علیه السلام ناله سرداده و از ایشان درخواست کنیم تا به دق الباب ما پاسخ بدهند و در باب ولایت را باز کنند و با حقیقت ولایت، ما را در این شب ها آشنا فرمایند- حضرت اجازه ورود می دهند و اصبح بعد از ورود به حضرت عرضه می دارد: مولاجان! می دانم که این آخرین دیدار من با شماست، نصیحتی بفرمایید! امیرالمؤمنین علیه السلام در نصیحتی به

۱. الأُمالي (للمفید)، ص ۳۵۱.

همه شیعیان می‌فرمایند: همان نصیحتی را که رسول خدا ﷺ در آخرین لحظات عمرشان به من پیغام دادند که به شیعیان و به مسلمین آن نصیحت را برسانم را می‌کنم؛ محتوای نصیحت مفصل است، اما اصل آن این است که بدانید خیانت به ولایت، عدم تبعیت و ناسپاسی نسبت به شکر مقام ولایت برابر با عاقبت این مقام است و در نتیجه بدبختی و نابودی و هلاکت در دنیا و آخرت را در پی دارد؛ از این رو بیشترین توصیه در این ایام توسل و پیروی از سیره اهل بیت علیهم‌السلام برای اجازه ورود به مراتب عالیه ولایت است.

خیزو در کاسه زر، آب طربناک انداز پیش از آنی که شود کاسه سر، خاک انداز
عاقبت منزل ما، وادی خاموشان است حالیا، غلغله در گنبد افلاک انداز^۱

در این ایام باید محاسبه‌النفوس بر محور ولایت باشد یعنی خود را دائماً در محضر امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف باید دید؛ به این نحو که آیا آنچه را که در عبادات و اعمال روزانه انجام می‌دهد، مورد رضایت ایشان است؟ آیا اگر نامه عمل ما را هم اکنون امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف مشاهده کند، شرمنده نمی‌شویم.

توسل به اهل بیت علیهم‌السلام برای رسیدن به قرب الهی

خیلی باید شب‌های قدر در آستان امیرمؤمنان علیه‌السلام گریه کرد، خیلی باید از کوتاهی درباره این مدال شیعه بودن استغفار کرد مدالی که در ظاهر بر سینه

۱. دیوان حافظ، تصحیح قدسی، غزل ۳۱۵.

شیعیان قرار داده شده است؛ که ای کاش! واقعیت پیدا کند و به برکتِ اهل بیت علیهم السلام با پشت سرگذشتنِ شبِ قدر پاک شده و لیاقت لازم اکتساب شود.
 عُسل در اشکِ زدم، کاهلِ طریقت گویند: پاک شو اوّل و پس، دیده بر آن پاک انداز چشمِ آلوده نَظَر، از رُخِ جانان دور است بر رخ او، نظر از آینه پاک انداز!

در این شب‌های دهه آخر توصیه بزرگان مکتب تربیتی مرحوم علامه طباطبایی رحمته الله علیه بر این بود که دست توسل به مقام ولایت امام عصر علیه السلام باید داشت. علاوه بر اینکه صاحب سر ولایت صدیقه طاهره علیها السلام نیز در این میدان جایگاه خاص خود را دارد؛ از این رو دستِ توسل به این دو وجود مبارک و قسم- دادن فرزندان بزرگوار ایشان به وجود مقدس مادرشان قطعاً میان‌بری در میان همه راه‌ها و نردبان نزدیکی در میان همه نردبان‌هاست؛ در روایت دارد که در آستانه لیالی دهه آخر اهل بیت علیهم السلام خودشان را مهیا می‌کردند، به اصطلاح کمرِ همت را برای اعتکاف محکم می‌بستند؛ درباره رسول اکرم صلی الله علیه و آله دارد که مرحوم سید در اقبال‌الاعمال نقل می‌کند که حضرت خطبه می‌خواندند و خطاب به مسلمانان می‌فرمودند: «قَدْ كَفَاكُمْ اللَّهُ عَدُوَّكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ»^۲؛ در این دهه خداوند شیاطین و اجنه را به‌طور کامل در زنجیرها قرار داد و دیگر شما هیچ عذری برای کوتاهی در انابه و استغفار و دعا و مناجات و راز و نیاز و به‌خصوص

۱. دیوان حافظ، تصحیح قدسی، غزل ۳۱۵.

۲. اقبال‌الاعمال، ج ۱، ص ۲۱؛ «همانا خدا شما را از دشمنان جن و انسان کفایت می‌کند».

ابراز ارادت و عشق بازی با محبوب حقیقی ندارید؛ هرکس در هر جایگاه و با هر استعدادی که دارد بداند «وَعَدَّكُمْ الْإِجَابَةَ»؛ خداوند وعده داد که دعاها را اجابت می‌کند، «وَقَالَ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»؛ فرمود از من بخواهید تا من شما را اجابت کنم، «أَلَا وَقَدْ وَكَّلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى بِكُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ سَبْعَةً مِنَ الْمَلَائِكَةِ»؛ آگاه باشید که خداوند در این دهه آخر ماه مبارک رمضان بر هر شیطان گردن‌کشی هفت فرشته قرار داده که این فرشتگان، ملائک قهار و قدار و پرفدرتند که اجازه هیچ حرکتِ سویی را نسبت به شما به آنها نمی‌دهند و آنان هیچ حملاتی بر شما ندارند؛ اگر شما ضربه می‌خورید، از نفس اماره خود ضربه می‌خورید به همین دلیل است در روایتی دیگر دارد، اگر در ماه مبارک رمضان که شیاطین در زنجیر شده‌اند کسی باز آلوده به گناه شد، باید با تمام وجود برخورد حسرت بخورد و خسران و هلاکت و غصه را بر خود متوجه کند؛ که در زمینه‌ای که شیطانی نبود، مبتلا به گناه شد.

حضرت می‌فرمایند: «فَلَيْسَ بِمَحْلُولٍ حَتَّى يَنْقُضِي شَهْرَ رَمَضَانَ»؛ حال که آنها آزاد نخواهند شد تا اینکه ماه رمضان سرآید؛ در نتیجه هیچ عذر و بهانه‌ای برای کسی که این دهه بگذرد و درعین حالا یله و رها و بی‌توجه به محبوب حقیقی، این اوقات خوش و لحظه‌های طلایی ماه مبارک را گتیره و عبث از دست دهد، وجود ندارد «أَلَا وَأَبْوَابُ السَّمَاءِ مُفْتَحَةٌ»؛ آگاه باشید تمام درهای آسمان گشوده است و برای هرکس در هر مقامی باز است؛ در بهشت رضوان، در بهشت

دارالسلام، در بهشت عدن، در بهشت حدیقه، در بهشت جنت، در بهشت توحید افعالی و صفاتی باز است؛ این گوی و این میدان، در این میدان تو در چه مقامی حرکت می کنی؟

«وَالدَّعَاءُ فِيهِ مَقْبُولٌ»؛ دعا در این ایام مقبول است و بعد حضرت «شَمَّر» لباس خودشان را محکم می کردند و کمربند خودشان را محکم می بستند و از خانه بیرون می آمدند و در مسجد معتکف می شدند و تمام شب های دهه آخر ماه مبارک را حضرت احیا داشتند و بعد می فرمودند در تمام این شب ها باید غسل کرد «كَانَ يَغْتَسِلُ كُلَّ لَيْلَةٍ مِنْهُ بَيْنَ الْعِشَاءَيْنِ»؛ غسل نمادی از پاکیزه شدن از همه گناهان است.

در واقع پیامی که در این شب ها وجود دارد این است که این شب ها بهترین و عالی ترین شب ها، برای راز و نیاز و مناجات با مولای کل و حقیقی است «إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ وَ أَنْزِ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ حَتَّى تَخْرِقَ أَبْصَارَ الْقُلُوبِ حُجُبَ النُّورِ فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ الْعِظْمَةِ وَ تَصِيرَ أَرْوَاحَنَا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ»^۲ یعنی آن چشم های نافذ آشنایان راه طریقت، حجاب های آسمان ها را یک به یک طی کنند و به حجب نوری برسند و از حجب نوری هم گذر کنند و

۱. إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۲۱؛ «آن حضرت در تمام شب های ماه رمضان بین نماز مغرب و عشا غسل می نمود».
 ۲. همان، ص ۶۸۷؛ «الهی! این نعمت را ارزانیم دار که از جز تو بیوم و بتمامی رو به تو آرم، و دیدگان دل های ما را به نور نگاهشان به سوی خودت روشن فرما تا دیده دل ها پرده های نور را از هم درند و به معدن عظمت و بزرگی [تو] برسند و جان های ما به عزت قدس و پاکی تو بیاویزند».

به تو برسند، که در بیان رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دارد همه درهای آسمان‌ها در این شب -
ها باز است و چه خوش است حالِ آنان که در این شب‌ها با محبوبِ کل راز و
نیاز حقیقی دارند؛ «حَتَّى تَخْرُقَ أَبْصَارُ الْقُلُوبِ حُجْبَ التُّورِ فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ
الْعِظْمَةِ وَتَصِيرَ أَرْوَاحُنَا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ».

ای دل! آن به که خراب از می‌گلگون باشی بی‌زر و گنج به صدحشمت قارون باشی
در مقامی که صدارت به فقیران بخشند چشم دارم که به جاه از همه افزون باشی^۱
همتتان را بلند کنید! خداوند انسان‌های با همت بلند را دوست می‌دارد؛^۲
در این شب‌ها به کم قانع نباشید از خداوند مقام خلافت را بخواهید، از خداوند
مقام رسیدن به عالی‌ترین مدارج قرب خودش را بخواهید.

در ره منزلِ لیلی چه خطرهاست به جان شرطِ اوّل قدم آن است که مجنون باشی^۳
این شب‌ها با قدم محبت باید رفت؛ دیگر انسان باید در این زمان تمام ابراز
ارادت را به پیشگاه اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام کرده و محبانه و مجنونانه و عاشقانه در مسیر
ولایت حرکت بکند.

کاروان رفت و تودر خواب و بیابان در پیش

کی روی؟ ره زکه پرسی؟ چه کنی؟ چون باشی^۴

۱. دیوان حافظ، تصحیح قدسی، غزل ۵۲۷.

۲. «أَنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَعَالِيَ الْأُمُورِ وَيَكْرَهُ سُفْسَافَهَا» (وسائل الشيعة، ج ۱۷، ص ۷۳).

۳. دیوان حافظ، تصحیح قدسی، غزل ۵۲۷.

۴. همان، غزل ۵۲۷.

باید فرصت را مغتنم شمرد و بیشترین استفاده را کرد چون معلوم نیست سال آینده فرصت حضور در بهشت رمضان وجود داشته باشد.

نقطه عشق نمودم به توهان! سهو ممکن
ورنه چون بنگری از دایره بیرون باشی^۱

از سویی دیگر در «تقدیر انسان» نکته مهم آن است که انسان خط قرمزها و خط سبزه‌های زندگیش را در شب‌های قدر معین کند؛ از آنجا که ماه مبارک رمضان، ماه آغاز سالِ ربوبی برای مؤمنین است و زندگی در سال با ماه رمضان رقم می‌خورد، انسان در شب قدر برنامه‌ریزی برای سال بعدش کند، به این معنا که چه کارهایی را انجام دهد و چه کارهایی را انجام ندهد، چه چیزهایی را بهتر است انجام دهد و چه چیزهایی را بهتر است انجام ندهد؛ این برنامه‌ریزی برای سال‌های بعد می‌شود.

شب بیست و یکم

شب بیست و یکم مصادف با شب قدر و بزرگترین شب عزای امت اسلام و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام بعد از واقعه عاشورا است و به خوبی خط و حرکت سیر ارتقایی در منزل ولایت را نشان می‌دهد؛ در دعای این روز می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ أَبْوَابَ الْجَنَّةِ»^۲؛ خدایا! تمام درهای بهشت را به سوی من باز کن. در دعای و خطبه رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در آغاز دهه آخر نیز آمده بود که همه

۱. همان، غزل ۵۲۷.

۲. زادالمعاد، ص، ۱۴۵؛ دعای روز بیستم ماه مبارک رمضان.

درهای آسمان باز است، ولی نفرمودند که از همه این درها شما می‌توانید بالا بروید، ولی در دعای روز بیستم، چون سالک شبِ نوزدهم و شب احیا و شب بیستم (شب اول از دهه پایانی ماه مبارک) را پشت سرگذاشته و استعداد لازم حاصل شده، از خداوند درخواست می‌کند؛ خدایا! من به کم راضی نیستم، تمام درهای بهشت را به سوی من باز کن! به مدد مولا می‌خواهم از همه درها وارد شوم؛ یعنی از همه صفات نیکی که برای اولیای خود قرار دادی، از همه این صفات بهره ببرم؛ صفتِ توبه، صفتِ خوف، صفتِ شوق، صفتِ اقامه نماز، صفتِ انفاق و همه صفاتی که برای اولیایت قراردادی و آنها را شرط ورود به مدارج بهشت قراردادی تا به مقامِ اخبات می‌رسد؛ بنابراین می‌فرماید: «اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ أَبْوَابَ الْجَنَانِ، وَأَعْلِقْ عَنِّي فِيهِ أَبْوَابَ النَّيْرَانِ»؛ خدایا! علاوه برگشودن درهای بهشت به روی من، درهای آتش را نیز بر من مسدود کن! تمام آن صفات زشت را در من نابود کن، همه شیاطینی که از ابواب مختلف ممکن است به من حمله کنند، همه آنها را در غل و زنجیر کردی، ولی زمینه و استعداد نفوذ را نیز مسدود کن! شیطانِ نگاهِ زشت، شیطانِ کلامِ سوء، شیطانی که از راه گوش، شیطانی که از راه نگاه‌های مسموم، شیطانی که از طریق عقل و رهزنی عقل بر من حمله می‌کند، و شیطان خیال و خیال‌پردازی و راه همه شیاطین ظاهری و باطنی را بر من ببند؛ در نتیجه «وَوَفَّقَنِي فِيهِ لِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ»؛ مرا به تلاوت قرآن

موفق کن و مقام آرامش و سکینه که لازمه ورود به مقامات عالی تر قرب الهی است را بر من عنایت کن.

۱. همه دعاها مقدمه برای دعای فرج

حماد بن عیسی می گوید در محضر امام صادق علیه السلام بودم، دیدم حضرت در دعای عجیبی به درگاه پروردگار عرضه می دارد «أَسْأَلُكَ بِجَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ وَمَا لَمْ أَسْأَلْكَ»؛ خدایا! قَسَمْتُ می دهم به تمام قسم هایی که تا به حال تورا داده ام و به آن هایی که قَسَمْتُ ندادم؛ یعنی خدایا! من تورا به تمام اسمای مقدست قسمت می دهم، «مِنْ عَظِيمِ جَلَالِكَ»؛ از آن قسم های جلالت که اگر می دانستم تورا به آنها قَسَم می دادم و از توبه آنها درخواست می کردم، درخواست به این عظمت با این مقدمات برای این دعاست که در ادامه می فرماید: «أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ»؛ خدایا! درود و سلام بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیتش علیهم السلام بفرست که این لازمه استجابت هر دعایی است و در ادامه حضرت، دعای اصلی را می فرماید: «وَأَنْ تَأْذَنَ لِفَرْجِ مَنْ يَفْرَجُهُ مِنْ فَرْجِ أَوْلِيَائِكَ وَأَصْفِيَائِكَ مِنْ خَلْقِكَ»؛ خدایا! اجازه بده آن فرج اصلی حاصل شود، آن فرجی که با آن، برای تمام اصفیای تو از آدم ابوالبشر تا خاتم الانبیا رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و از امیرمؤمنان علی علیه السلام تا سایر اولیا فرج حاصل می شود و از آن طرف ظالمین نابود

و هلاک می‌شوند، حماد می‌گوید: من تعجب کردم؛ به مقام مبارک حضرتش عرضه داشتم «جُعِلَتْ فِدَاكَ سَمِعْتُكَ»؛ فدای تو شوم من از شما چیزی شنیدم و شما درخواست فرجی را کردید که در آن فرج همه اصفیا و اولیا بود آیا خود شما ظهور آن فرج نیستید؟ مگر شما ولی زمان نیستید؟ «أَوَلَسْتَ أَنْتَ هُوَ» امام فرمودند: نه! «قَالَ لَا، ذَاكَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ»؛ آن فرج به فرج آخرین شخصیت از سلاله حضرت رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یعنی قائم آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ است.

در نهایت بالاترین دستور در این شب‌ها دستور به درخواست همراه با تضرع و زاری و اضطراب به درگاه حضرتش در فرج حقیقتی است که فرج آن بزرگوار، ریشه تمامی گشایش‌های عالم و همه اولیا و اصفیای الهی است.
ای خسروِ خوبان! نظری سوی گداکنِ رحمی به من سوخته بی‌سرو پاکن
دردِ دل درویش و تمنايِ نگاهی زآن چشمِ سینه، مَسْتُت به يك غمزه دواکن^۱

۲. تقاضای مقام رضا

دعای سحر، دعای ابوحمزه ثمالی، دعاهایی که در همه شب‌ها و سحرهای ماه مبارک رمضان توصیه شده است همه دریایی از معارف را به ارمغان می‌آورد؛ گذشته از این دعاها دعاهای شب‌های دهه پایانی ماه مبارک، اقیانوس بی‌کران معرفت را به ارمغان می‌آورد که اگر کسی در ماه مبارک رمضان بخواهد غواص

۱. دیوان حافظ، تصحیح قدسی، غزل ۴۶۴.

اقیانوسِ دعا‌های این ایام باشد در ساحل این اقیانوس به زانو می‌افتد، لطافت و زیبایی دعا‌های شب‌های دهه پایانی ماه مبارک حسابِ دیگری دارد، انسان دل‌شوره‌اولیا را در این آخرین لحظات، که می‌خواستند بهترین توشه و زیباترین میوه‌ها را در ایام پایانی بهشت ماه مبارک بچینند، کاملاً مشهود است؛ برای مثال این دعای موجود در مفاتیح که مستحب است در همه شب‌های پایانی دهه پایانی خوانده شود اصرار، تضرع و دلشوره این‌که مبدا این لحظات نورانی و این فرصت‌های طلایی از دست برود و چیزی به دست نیآورده شود، کاملاً معلوم است «اللَّهُمَّ وَهَذِهِ أَيَّامُ شَهْرِ رَمَضَانَ قَدْ انْقَضَتْ!»؛ خدایا! روزهای نورانی ماه مبارک رمضان در حال اتمام می‌شود «وَلِيَالِيهِ قَدْ تَصَرَّمْتُ»؛ شب‌هایش با ما خداحافظی می‌کند، «وَقَدْ صِرْتُ يَا إِلَهِي مِنْهُ إِلَى مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي»؛ خدایا! تو بهتر می‌دانی که من چقدر بار برداشتم! تو بهتر می‌دانی که در این دریا چقدر توانستم شنا کنم! آیا توانستم با غواصان در اعماق دریا هم‌قدم باشم یا در همان ساحل یک خزه‌هایی چیدم و خوشحال از برداشتن خزه‌های ساحل دریا بودم؟ مهم این است که در پایان دعا امام عرضه می‌دارند: «سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي»؛ ای سرور من! ای مولای من! ای آقای و ای سید من! «أَسْأَلُكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ»؛ از تو درخواست می‌کنم ای کسی که جز تو هیچ‌کس در این عالم برای من مونس و انیس نیست! و هیچ‌کسی جز تو برای من پروردگار نیست «إِذْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ»؛

هیچ معبودی جز تو نیست، گویی توجه از یک مرتبه به مرتبه عمیق‌تر توحید است که در مرتبه ابتدایی، انسان معبود کل را نگاه می‌کند، ولی در مرتبه بعدی با عمق بیشتر در آن می‌نگرد و باز مراتب عالی‌تر قرب را طی می‌کند و بعد عرضه می‌دارد «إِنْ كُنْتَ رَضِيَتْ عَنِّي فِي هَذَا الشَّهْرِ فَأَزِدْ عَنِّي رِضَى»؛ اگر در این ماه، از من خشنود شده‌ای، خشنودی خویش از من را بیفزای! خدایا! اگر تا الان من توانستم قدمی بردارم، کمک کن، این قدم را بلندتر بردارم؛ اگر به مقام رضای تو که عالی‌ترین مراتب سلوک است، نائل شدم تو کمک کن به مراتب عالی‌تر رضای تو نائل بشوم که عبادت احرار را در مقام رضا بتوانم انجام دهم «وَإِنْ لَمْ تَكُنْ رَضِيَتْ عَنِّي»؛ و اگر هنوز به مقام رضا نائل نشدم و پای من لنگ است «الآن فَأَرْضَ عَنِّي»؛ الان از من راضی باش؛ به مدد مولا، به مدد شب بیست و سوم، به مدد امام زمان عجل الله تعالی فرجه العظمی و به ویژه به مدد صدیقه طاهره ع که در این شب‌ها دائماً باید دست توصل به پیشگاه حضرتش برد گوشه چشمی بنما و در آستانه شب بیست و سوم ما را جزء راضین امت قرار دهد!

عاشق شو، ار نه روزی، کار جهان سرآید ناخوانده نقش مقصود، از کارگاه هستی^۱
 اگر انسان می‌خواهد کاری کند، باری بردارد، خوشه‌هایی بردارد؛ تمام سعیش را باید کند. اگر ماه مبارک گذشت، معلوم نیست که فرصت دیگری حاصل شود که بتواند توشه‌اندوزی کند، باید با دعا برای یکدیگر و توصل به

۱. دیوان حافظ، تصحیح قدسی، غزل ۵۳۸.

دامن اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ در این شبها نظر عنایت عطفانه‌ای از سوی امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ الشَّرِيفِ را به خود جلب کرد و عمده درخواست در این ایام بسته شدن ولایت شیطان بعد از ماه مبارک است؛ چون در این ایام شیاطین به غل و زنجیر هستند و دل‌شوره همه باید این باشد که مبادا بعد از ماه مبارک که این غل و زنجیرها باز شود و همچنان زمینه‌های پذیرش ولایت شیطان وجود داشته باشد؛ به همین دلیل در دعای روز بیست و یکم می‌فرماید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِيهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ دَلِيلًا، وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ عَلَيَّ سَبِيلًا»؛ بنابراین اگر انسان زمینه ولایت شیطان را فراهم کند، بداند که بعد از ماه مبارک مجدداً معلوم نیست در این مقام بماند. نکته مهم‌تر اینکه بعد از مردود شدن و در تحت ولایت شیطان قرار گرفتن معلوم نیست توفیق عنایت جدیدی به او شود؛ بنابراین باید مراقب بود و دانست که هر بار که توبه شکسته شود، توبه بعدی سخت‌تر انجام می‌شود؛ هر چند که دائماً باید توابع بود.

شب بیست و سوم

طلایی‌ترین و عزیزترین لحظات ماه مبارک رمضان شب بیست و سوم است. اگر در شب قدر با عنایت خداوند درکی از آن حاصل شود، همه عمر گذشته و آینده انسان نورانی می‌شود و شخص بار همه عمرش را خواهد بست.

۱. زادالمعاد، ص ۱۴۶؛ «خداوندا! در این روز، برایم راهنمایی به سوی رضامندی‌های خویش قرار بده و در آن برای شیطان، راه نفوذی در من، قرار مده».

درباره آیه شریفه «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»^۱؛ استاد سعادت پرور رحمۃ اللہ علیہ می فرمود: «أَلْفِ شَهْرٍ» به حساب ما بیش از هشتاد و دو سال می شود که اگر یک شب قدر در تمام عمر درک شود، معادل همه عمر است؛ به همین دلیل در دعای روز بیست و دوم، عبارات خیلی بلند است و عرضه می داریم: «اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ أَبْوَابَ فَضْلِكَ»^۲؛ خدایا! درهای فضلت را در این ماه مبارک بر من باز کن؛ دیگر معامله اجر و مزد با من مکن و با فضل خود با من معامله کن؛ فضل در لغت یعنی بخشیدن بی حساب؛ یعنی هبه‌ای که در برابر عمل به کسی داده نمی شود، بلکه در برابر عمل، اجر و مزد داده می شود؛ در این شب‌ها به ویژه در شب بیست و سوم به آن کسانی که عاشق آستان ولایتند، به کسانی که در مقام محبوبین، محب مولای خود هستند با فضل برخورد و بی حساب عنایت می شود و در این عنایت، همه چیز به قابلیت قابل بستگی دارد، چون فاعل در فاعلیت تام است و هیچ بخلی در پروردگار، در امام عصر عجل اللہ تعالی فرجه الشریف، در صدیقه طاهره علیہ السلام و هیچ یک از اولیای الهی در این شب‌ها بر شیعیان و بر احیاداران و شب‌زنده داران نیست، هنر در بردن کاسه‌گذاری به درگاه آبشار ولایت است و مهم این است که با کدام کاسه‌گذاری (یک استکان یا لیوان یا قندج و...) زیر این آبشار می‌رویم؟ یا جویباری از دریا و اقیانوس ولایت به سوی خانه دل باز

۱. القدر، ۳؛ «شب قدر برتر از هزار ماه است».

۲. زاد المعاد، ص ۱۴۶.

کرده و دنبال بهره‌مندی دائمی هستیم؟ نباید فراموش کرد که تمام درب‌های بهشت باز است و از هر دری که خدا عنایت کند می‌شود وارد شد! از این رو «أَعِدُّوا إِلَىٰ جَوَائِزِكُمْ»^۱؛ به جوایزتان بشتابید و در ادامه دعای روز بیست و دوم «وَأَنْزَلَ عَلَيَّ فِيهِ بِرَكَاتِكَ وَوَقَّقَنِي فِيهِ لِمُوجِبَاتِ مَرْضَاتِكَ وَأَسَكَّنِي بِبِرَكَتِهِ بُحْبُوحَةَ جَنَّاتِكَ»^۲؛ خدایا! تمام زمینه‌های مقام رضایت خود را به من عنایت کن؛ در این دعا درخواست می‌شود که خدایا! به برکت این ماه مرا در اصلی‌ترین بهشت خود در واقع در وسط بهشت که دایره بهشت عدن و عالی‌ترین مقامات است قرار ده «يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ»؛ من مضطرانه به درگاہت آمدم که اگر امشب بر من بگذرد و نظر عنایتی نشود هلاکم و چه نابودی بالاتر از اینکه ابدیت من نابود می‌شود؟ من درخواست «مقام ادنی» را مقام قرب تام را از تو داشتم و اگر نسبت به مرتبه بالاتر مقام پایین به من عنایت شد، من خاسرم و لذا عرضه می‌داریم «يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ» از این رو همه افراد مؤمن و صالح و طالع از کسانی که حتی در مراتب عالی هم هستند نیز باید مضطرانه دعا کنند، چراکه این مقام نهایت ندارد؛ به همین دلیل در دعای شب‌های دهه پایانی دعای مخلصین را انسان از خدا می‌خواهد و عرضه می‌دارد: بارالها! از تو می‌خواهم که

۱. الکافی، ج ۴، ص ۶۸.

۲. زادالمعاد، ص ۱۴۶؛ «و برکت‌های خویش را بر من فرود آور و مرا به آنچه موجب رضای توست، موفق گردان و مرا در میان بهشت‌های خودت جای ده».

«إِسَاءَتِي مَعْفُورَةٌ»؛ هیچ سیئه‌ای باقی نماند چه سیئه به معنای گناه، چه سیئه به معنای آثار گناه، چه سیئه به معنای دیدن غیر تو، چه سیئه به معنای دیدن خود در برابر تو و خلاصه هر آنچه که مرا از تو دور می‌کند و از مقام یقین و از مقام توحید خاص‌الخاص دور می‌کند؛ خدایا! همه را به برکت این شب‌ها و به-خصوص به برکت صاحب شب بیست و سوم یعنی امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَةَ الشَّرِيفَ بر من پاک کن! و مورد مغفرت خود قرار بده!

بالاترین دعاها در شب قدر

دعای فرج عام و خاص

اولین دعا، ظهور فرج امام عصر عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَةَ الشَّرِيفَ بود؛ ولی در شب بیست و سوم باید بالاترین دعاها را طلب کرد؛ حال آیا بالاتر از ظهور امام زمانمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَةَ الشَّرِيفَ و فرج مولایمان دعای دیگری است؟ امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَةَ الشَّرِيفَ در توقیع شریف دعای بالاتری را به ما یاد داده و فرمودند: اگر فرج عام که به اذن الهی تکویناً برای همه عالم اتفاق می‌افتد به دست پروردگار است و تحقق آن با دعاهای دائمی و به اضطرارهای شیعیان است؛ اگر آن بنا نیست در این سال محقق شود نباید از دعای در فرج مأیوس شد، بلکه باید برای فرج خاص دعا کرد که عبارت است از اینکه هر کس از خداوند بخواهد در این شب برای یکایک شیعیان و لااقل برای قلوب تفتیده و

داغ‌دیده و غصه‌دار به حرمان از دیدارِ جمالِ بی‌مثالِ امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام مقام لقا، مقام تشرف به محضر مبارک امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام واقع شود، اما آن فرج نیز **«بشرطها و شروطها»** است در توقیع شریف امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام برای جناب شیخ مفید رَحِمَهُ اللهُ تَعَالَى، لازمه آن را این‌طور بیان می‌فرماید: جناب شیخ! به شیعیان ما بگو **«إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ»**^۱؛ ما هرگز شما را از عنایت و توجهاتمان باز نداشتیم و هرگز شما را فراموش نکردیم **«وَأَلَّا نَأْسِينَ لِدِكْرِكُمْ»**؛ ما فراموش‌کننده یاد شما نیستیم، شما را بیش از مادری مهربان دوست داریم و بیش از پدری مدبر به شما نزدیکیم که اگر این‌گونه نبود شما لحظه‌ای از دشمنان آرامش نداشتید **«وَلَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ»**؛ و اگر این‌طور نبود گرفتاری‌ها ناگهان بر سر شما فرود می‌آمد **«وَأَصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ»**؛ و دشمنان شما را مثل مرغی که دانه‌ها را می‌چیند و برمی‌دارد، از زمین برمی‌داشتند و شما نابود می‌شدید، به دلیل محبت‌ها و عنایت‌های دائمی ماست که شما با آرامش در میان این همه دشمنان زندگی می‌کنید، ولی همه سخن در این عبارت است **«وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَقَفَّهُمُ اللَّهُ لِطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ»**^۲؛ اگر شیعیان ما، که خداوند آنها را موفق بر اطاعت خودش بدارد، دو کار را انجام می‌دادند ملاقات ما تاخیر نمی‌افتاد:

۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵.

۲. همان، ج ۵۳، ص ۱۷۷.

شرط اول: آن است که باید قلوبتان با هم معطوف باشد گروه‌گروه کردن جامعه شیعه، باندبازی و فرقه‌بازی و خانواده‌بازی تا در جامعه شیعه است، لقای ما نخواهد بود که این گروه‌گرایی‌ها و فرقه‌گرایی‌ها از منیت‌ها و امور غیرالهی و غیرتوحیدی برمی‌خیزد، همه شیعیان امیرمؤمنین علیه السلام باید قلب‌شان برمحور ولایت یگانه باشد، خودیت‌ها کنار برود و فقط او در میان باشد.

شرط دوم: آنکه بر آن عهدی که با آنها داشتیم وفا کنند؛ آن عهد عبارت است از اینکه دائماً به یاد ما باشند، برای ما دعا کنند، مطیع ما باشند، ولایت ما و ولایت نواب ما را بپذیرند و خلاصه یکپارچه مطیع ما و مطیع والیان ما باشند، «وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا»؛ اگر چنین بود قطعاً لقای ما برای آنها حاصل می‌شد «وَلَتَعَجَّلْتَ لَهُمُ السَّعَادَةَ بِمُشَاهَدَتِنَا»؛ و سعادت مشاهده ما برای آنها فرا می‌رسد و این اتفاق زود حاصل می‌شود «عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ»؛ البته به شرط اینکه معرفت به مقام ولایت داشته باشند، ما را در آن مقام بدانند که ما از خود آنها به آنها نزدیک‌تریم، فرامین ما از فرامین خودشان به خودشان بر آنها لازم‌تر و واجب‌الاتباع‌تر است «وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا»؛ و صداقت را در عرصه علم و عمل آنها مشاهده کنیم و صداقت در معرفت به ما و در شناخت فرامین ما را سیره خودشان قرار دهند «فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَلَا نُؤَيِّرُهُ مِنْهُمْ»؛ این صداقت، آنها را از ملاقات ما محبوس نمی‌کند، مگر اینکه در نامه

عمل آنان که به محضر ما عرضه می‌شود، چیزهایی می‌بینیم که ناراحت می‌شویم، انتظار نداریم که شیعیان ما در نامه عملشان این چیزها باشد «وَلَا نُؤَيِّرُهُمْ»؛ یعنی نمی‌پسندیم؛ این نه به این معناست که آنها در نامه عملشان گناه به ما عرضه می‌شود، گناه را که حضرات غضب می‌کنند، حتی مکروهات، حتی اموری که پسندیده از شیعه نیست، وقتی در نامه عمل ما به محضر امام زمانمان عَلَيْهِ السَّلَامُ عرضه می‌شود آنها ناراحت می‌شوند «كُونُوا لَنَا زَيْنًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا»^۱؛ زیور ما باشید و مایه ننگ و زشتی ما نباشید، باعث خجالت و خفت و خاری ما در میان کفار و دشمنان نباشید؛ «وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ وَهُوَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ»^۲؛ و خدا یاری دهنده ماست و او ما را بس است و خوب یآوری است؛ بنابراین باید همه در شب بیست و سوم با هم دست به دعا برداشته و لقای خاص و فرج خواص را بخواهیم.

آن سفرکرده که صدقافله دل همزه اوست
هرکجا هست خدایا به سلامت دارش
اگر از وسوسه نفس و هوا دور شوی
بی‌شکی ره ببری در حرم دیدارش^۳

۱. الأُمالي (للصدوق)، ص ۴۰۰.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷.

۳. دیوان حافظ، تصحیح قدسی، غزل ۳۴۳.

طلب عافیت

مرحوم استاد می فرمود: در شب قدری در حرم حضرت معصومه علیها السلام، مرحوم علامه طباطبایی رحمته الله علیه را زیارت کردم؛ به ایشان گفتم که بهترین دعایی که در این شب‌های دهه آخر، به خصوص در شب‌های قدر، ما از خداوند می‌خواهیم، چه چیزی باشد؟ ایشان می‌گفتند: بدون تأمل، بلافاصله فرمودند: «عافیت». از این‌رو در شب‌های دهه آخر از خداوند عافیت بخواهیم؛ عافیت از ماده «عفو» است، عافیت در لغت یعنی خداوند از بنده‌اش دفاع کند؛ چون عافیت یعنی «عافاه الله تعالی من المکرهه»^۱، یعنی اینکه انسان در مقامی قرار گیرد که خداوند تمام امور او را عفو کند، و او را در کنف حمایت خود قرار دهد و در مقامی قرار گیرد که در تحت ولایت خداوند متعال است؛ در روایت می‌فرماید: «أُولَیَّائِی تَحْتَ قَبَائِی لَا یَعْرِفُهُمْ غَیْرِی»^۲؛ دوستان من در کنف حمایت من هستند و غیر من آنان را نمی‌شناسد.

بسیار شایسته است انسان با خواندن دعای عافیت صحیفه سجادیه از خداوند عافیت بخواهد «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَالْبَسِّنِی عَافِیَّتْکَ، وَجَلِّلْنِی عَافِیَّتْکَ، وَحَصِّنِی بِعَافِیَّتْکَ، وَأَكْرِمْنِی بِعَافِیَّتْکَ، وَأَغْنِنِی بِعَافِیَّتْکَ»^۳.

۱. القاموس المحيط، ج ۴، ص ۴۱۱؛ «خدا از هر پلیدی او را حفظ کند».

۲. روضة المتقین، ج ۹، ص ۲۸۵.

۳. الصحیفه السجادیه، ص ۱۱۲؛ «و جامه عافیت خویش بر تن من بپوش و مرا در عافیت خود فرو پوشان و در حصار عافیت خود جای ده و به عافیت خود گرمی دار و به عافیت خود بی‌نیاز فرمای».

سیر مراتب حب در دهه پایانی

دعاهای شب‌های دهه آخر به خوبی نشان می‌دهد که بندگان و خصوصاً خواص از روزه‌داران می‌باید در مراتب حب و در مراتب ولایت الهی سیر کنند و آن یک منزل بیشتر نیست و منزل حب، منزل عبادتِ احرار، منزل استقرار علمی و عملی در حدِ وسع انسان در تحت ولایت اهل بیت علیهم‌السلام و تولی به فرامین آنان است؛ مناسب است درباره ارزش و اهمیت مقام تولی به ولایت اهل بیت علیهم‌السلام مطالبی مطرح شود.

در روایتی حماد بن بشیر نقل کرده است: «از امام صادق علیه‌السلام شنیدم که فرمود رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حدیث قدسی فرمودند: «مَنْ أَهَانَ لِي وَلِيًّا فَقَدْ أَرْصَدَ لِمَحَارَبَتِي»^۱؛ هر کس ولی و دوست مرا اهانت کند، در صدد جنگ با من می‌باشد؛ چون کسی که مؤمن شد، در تحت کنفِ حمایت و ولایت پروردگار است و دشمنی کردن با چنین مؤمنی دشمنی کردن با خداست و در ادامه می‌فرماید: «وَمَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدٌ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ»؛ و بنده‌ای، مقرب درگاه من قرار نمی‌گیرد، مگر با انجام واجبات. برای اینکه انسان در تحت ولایت خداوند قرار بگیرد فرائض، نزدیک‌ترین راه هستند؛ فرائض یعنی، انجام وظایف شرعی در واجبات و محرمات که این بهترین، زیباترین و نزدیک‌ترین راه برای رسیدن به مقام قرب است و کسانی که با فرائض راه به سوی خدا پیدا

کنند؛ در مرتبه بالاتر می باید از نوافل نیز استفاده کنند «وَإِنَّهُ لَيَنْقَرُبُ إِلَيَّ بِالنَّافِلَةِ»؛ وقتی با نافله به من نزدیک شدند فرائض و نوافل، واجبات و مستحبات را با هم دارند، عبادت احرار در این فضاست که پروردگار می فرماید، من به جای جوارح ادراکی و تحریکی آنها قرار می گیرم «فَإِذَا أَحَبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ وَلِسَانَهُ الَّذِي يَنْطِقُ بِهِ وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا» پس اگر دوستش بدارم گوش شنوا، چشم بینا، دست توانای او خواهم بود؛ در ادامه می فرماید: من آنها را مستجاب الدعوة می کنم «إِنْ دَعَانِي أَحَبَبْتُهُ وَإِنْ سَأَلَنِي أَعْطَيْتُهُ»؛ وقتی از من چیزی بخواهد، قطعاً به او خواهم داد و اجابت می کنم، ممکن است کسی بگوید: ما خیلی دعا کردیم، اجابت نشد! در پاسخ باید گفت: چه اجابتی بالاتر از اینکه انسان اجازه پیدا کند در بارگاه قرب الهی با خدای خودش بی واسطه صحبت کند و احرار بالاترین دعایشان این است و این دعا قطعاً مستجاب است چرا که اگر نبود، هرگز اجازه داده نمی شد در شب های عزیز قدر با پروردگار سخن بگویند؛ خداوند در حدیث معراج می فرماید: من به جای عقل آنان می نشینم، «وَأَلَّاسْتِغْرِقَنَّ عَقْلَهُ بِمَعْرِفَتِي وَلَا قَوْمَنَّ لَهُ مَقَامَ عَقْلِهِ»؛ کاملاً مشخص است مقام بسیار والایی است.

رسیدن به مقام مخلصین با عبادت احرار

باید در زندگی به دنبال رسیدن به عالی‌ترین مراتب قرب و یقین به توحید یعنی «مقام مخلصین» بود به بیان دیگر این‌طور نباشد که در دنیا چشم سالک به چیز دیگری باشد و گوشه‌چشمی هم به محبوب خود داشته باشد؛ امام سجاد علیه السلام در دعای ابو حمزه می‌فرماید: «وَأَنَّ الرَّاحِلَ إِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ»؛^۱ خدایا! سیرکننده به سوی تو مسافتش نزدیک است؛ رسیدن به مقام عالی مخلصین خیلی هم دور نیست، نزدیک است و تو همیشه برای ما آشکار بودی. حضرت سیدالشهدا علیه السلام در دعای عرفه می‌فرماید: «عَمِيَّتْ عَيْنٌ لَا تَرَكَ»؛^۲ «کور باشد آن چشمی که تو را در دنیا نبیند» «مَتَى غَبَّتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ»؛^۳ تو کی غایب بودی تا ما بخوایم با برهان و دلیل دنبال تو بگردیم؟ با توجه به اینکه کسی با برهان و دلیل، بودن خود را ثابت نمی‌کند و خداوند می‌فرماید: من بر ظاهر و باطن شما احاطه دارم ﴿إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ﴾؛^۴ و من از خود شما به شما نزدیکترم ﴿أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ﴾^۵ و اینکه من برای خودم هیچ وقت مخفی نبودم، نیازی به برهان و دلیل برای اثبات بودن خودم

۱. إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۶۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۲۲۶.

۳. همان.

۴. فصلت، ۵۴؛ «بدان که خدا به هر چیزی احاطه دارد».

۵. الأنفال، ۲۴؛ «و بدانید که خدا میان آدمی و دلش حایل و مانع می‌شود».

برای خودم نیست؛ از این رو برای یافتن توبه به طریق اولی نیازی به آوردن دلیل و گشتن و... نخواهد بود؛ ولی حجاب اصلی نیافتن من خودم هستم؛ در دعای ابوحمزه امام سجاد علیه السلام این طور می فرمایند: «وَأَنَّكَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ تَحْتَجِبَهُمُ الْأَعْمَالُ [الآمال] دُونُكَ»^۱ بنابراین خود ما، خودمان را از تو پنهان کردیم؛ با اعمال و با آرزوهای باطل که خداوند فرمود: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾^۲؛ آدم های خیال پرداز را که در پوچی ها زندگی می کنند دوست ندارد؛ از این رو کسی که در فضای مجازی در آمال پوچ و آرزوهای باطل زندگی می کند، از خداوند (حق الحقایق) محجوب است. کسی که با اعمال خود و به دست خود از حق دور شد به طور طبیعی از خداوند هم دور خواهد شد.

باید توجه داشت که عمل، زشت و نیک ندارد و نیت، یک عمل را خوب یا بد می کند؛ برای مثال خوردن، یک فعل واحد است و شامل خوردن مال حرام و خوردن مال حلال می شود؛ یا کشتن از بزرگترین گناهان است، ولی وقتی کسی در معرکه جهاد، دشمن خدا را می کشد یا کشته می شود، به روح و ریحان می رسد و وقتی کسی در مسیر طاغوت کشته می شود یا می کشد، به جهنم واصل می شود؛ کشته در مسیر الهی شهید است و کشته در مسیر طاغوت شقی

۱. إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۶۸؛ «و تواز خلقت، در حجاب نمی روی، جز آن که کارهای آنان، تو را برای آنان محجوب می سازد».

۲. لقمان، ۱۸؛ «خدا هیچ خودپسند فخر فروش را دوست ندارد».

است؛ پس عمل یکی است و نیت آن را رقم می‌زند؛ پس مراد از اعمال نیت‌های انجام کارهاست؛ لذا حضرت می‌فرماید: «تو هرگز از ما محجوب نبودی، آن اعمال زشت و آرزوهای باطل (نیت‌های پلید) ماست که تو را از ما محجوب می‌کند».

اما انسان چگونه باید این حجاب خودبینی را کنار بزند تا در عالی‌ترین مقام مخلصین با او باشد؟ و از کجا بفهمد که آیا به این مقام رسیده است؟

در آیات قرآن فراوان وعید از عذاب جهنم و وعده به بهشت و نعمت‌های آن وجود دارد از این رو عبادت بندگان به دلیل ترس از عذاب (عبادت عبید) و یا شوق رسیدن به بهشت (عبادت تجار) است که این نوع و مرتبه از عبادت در حکم معامله با پروردگار است، معامله تاجرانه یعنی اینکه من روزه می‌گیرم و در مقابل بهشت را می‌خواهم، کار خوب می‌کنم برای اینکه وارد بهشت بشوم؛ به عبارتی دیگر چشم‌پوشی از حرام، برای رسیدن به لذت بالاتر است که این شیوه از عبادت، معامله است و خداوند هم معامله‌گر خوبی می‌باشد، ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ مِثَالِهَا﴾؛ کسی که با من معامله کند در مقابل یک حسنه ده- برابر به او اجر می‌دهم.

ولی در دهه پایانی ماه مبارک رمضان سخن در معامله نیست، بلکه در خودسوزی است و حتی واژه رمضان به معنای سوختن است؛ در لغت «**رمضه**»

یعنی او را سوزاند و «**رمضان**» یعنی سوزاندن^۱، دلیل اینکه ماه رجب و شعبان را به این واژه نام نگذاشتند و فقط در ماه مبارک چنین نامی آمده چون ماه مبارک رمضان گناهان را می‌سوزاند، و ریشه و اساس مطلب این است که باید در ماه رمضان بزرگترین گناه در وجود انسان و ریشه همه گناهان، یعنی پرستش خودیت و هوای نفس (شیطان اکبر) را سوزاند؛ حال اگر در اوایل ماه مبارک کسی موفق نشد، در دهه آخر باید آن را بسوزاند، چون دهه آخر، بستن بار برای سال است؛ از این رو عبادت در این ایام باید عبادت احرار باشد، در این رویکرد دیگر صحبت از دادوستد و خرید و فروش نیست بلکه صحبت از خودسوزی و نابودکردن انانیت‌هاست؛ به همین دلیل در دعاهای شب‌های پایانی ماه مبارک فراوان این عبارت تکرار می‌شود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيْمَانًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَ يَقِينًا صَادِقًا حَتَّى يَذْهَبَ بِالسُّكِّ عَنِّي حَتَّى أَعْلَمَ أَنَّهُ لَنْ يُصِيبَنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي وَ الرِّضَا بِمَا قَسَمْتَ لِي»^۲؛ یعنی دیگر من از خودم هیچ چیز نداشته باشم، به آن مرتبه‌ای از ایمان مرا برسان که ایمان با قلب من یکی شود و بین من و ایمان مباشرت باشد و هیچ چیز فاصله نیفتد.

۱. الرء والميم والضاد أصل مطرّد يدلّ على جدّة في شيء من حرّ وغيره. (معجم المقاييس اللغة، ج ۲، ص ۴۴۰)
 ۲. تهذيب الأحكام، ج ۳، ص ۹۰؛ «بار خدایا! از تو چنان ایمانی را درخواست می‌کنم که آن را به قلبم درآمیزی؛ و چنان یقینی را که بدانم جز آنچه تو برایم رقم زده‌ای، چیزی به من نمی‌رسد؛ و [سوم آن که] مرا به آنچه برایم قسمت کرده‌ای، خشنود بداری.»

احرار یعنی کسانی که از همه بند و غل و زنجیرها حتی بند خود که بزرگترین بت است، آزاد شدند و خالصانه فقط برای پروردگار عبادت می کنند و سراپای وجود و عبادتشان را حب پروردگار گرفته و پر کرده است؛ «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»^۱ این شعار پیامبر اکرم ﷺ در این مقام است و دیگران باید خود را به این مقام برسانند؛ آن کسانی که برای اجر عبادت می کنند به آنها اجر داده می شود، ولی «او» داده نمی شود؛ خواهی خیلی تمثیل زیبایی را در این مقام ذکر می کند:

شنیدم رهروی در سرزمینی به لطفش گفت، رندِ خوشه چینی

که ای سالک! چه در انبانه داری بیا دامی پینه، گردانه داری^۲

دانه در اینجا مراد عبادات ماست و سالک کسی است که دانه های خود یعنی عبادات خود را قرار داده برای اینکه سیمرغ توحید را صید کند یعنی مدام نماز می خواند، روزه می گیرد بلکه خداوند را صید کند «العیاذ بالله»؛

جوابش داد: کآری، دانه دارم ولی سیمرغ می باید شکارم

جواب داد: آری! عبادت زیاد کردم دانه دارم، ولی او را می خواهم، بهشت را

نمی خواهم.

بگفتا: چون به دست آری نشانش؟ که او خود بی نشان است آشیانش

۱. الأنعام، ۱۶۲؛ «بگو: مسلماً نماز و عبادتم و زندگی کردن و مرگم برای خدا پروردگار جهانیان است.»

۲. دیوان حافظ، تصحیح قدسی، مثنوی، ص ۶۹۴.

او جواب داد: نه! راهش این نیست؛ تو با دانه می‌توانی پرنده‌های کوچک را صید کنی؛ قناری، بلبل، یعنی بهشت را می‌توانی به دست آوری، اما تو اجر می‌خواهی و هرگز او را نمی‌توانی بیابی، چون باید بی خود شوی تا او را به دست آوری.

عناق شکار کس نشود، دام بازچین کاینجا همیشه، باد به دست است دام را!
 او برایت باید تعیین تکلیف کند؛ تو هیچ‌کاره هستی، تو کیستی که می‌خواهی برای او تعیین تکلیف کنی؟ تو باید نابود شوی تا او تو را بپذیرد.

ارتقای کیفیت عبادت

در دعای ابو حمزه ثمالی نجوا می‌کنیم؛ «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي حَبًّا لَكَ»^۲ خدایا! در این شب‌ها از تومی خواهم که قلبم را پراز محبت خود کنی؛ «وَحَسْبِيَ مِنْكَ، وَتَصَدِيقًا لَكَ، وَإِيمَانًا بِكَ، وَفَرَقًا مِنْكَ»^۳؛ تا آنجا که می‌گوید «حَبِّبْ إِلَيَّ لِقَاءَكَ»؛ دیدار خود را برای من محبوب‌ترین چیز برای من قرار بده! «وَأَحْبِبْ لِقَائِي»؛ و هنگامی که من به لقای تو نائل شدم، آن لحظه را زیبا قرار بده! من برای تو زیبا باشم و نیز تو برای من زیبا باشی «وَاجْعَلْ لِي فِي لِقَائِكَ الرَّاحَةَ وَالْفَرَجَ وَالْكَرَامَةَ»؛ در لحظه دیدار (در لحظه مرگ یا در دنیا در لحظه وصول به یقین تام)

۱. دیوان حافظ، تصحیح قدسی، غزل ۹.

۲. إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۷۵؛ «الهی! از تومی خواهم که دلم را از محبت به خودت مالا مال کنی».

۳. همان؛ «دلم را از بیم خودت و باور به خودت و ایمان به خودت و هراس از خودت و شوق به خودت مالا مال کنی».

برای من گشایش و راحتی و مقام کرامت را قرار بده! پس در دعاهای این ایام سخن در کیفیت است نه کمیت؛ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: من در هنگام جوانی تلاش زیادی را در عبادت می‌کردم «اجْتَهَدْتُ فِي الْعِبَادَةِ وَأَنَا شَابٌّ»؛ پدر بزرگوام امام باقر علیه السلام مرا ملاحظه کردند، فرمودند: «يَا بُنَيَّ دُونَ مَا أَرَاكَ تَصْنَعُ»؛ فرزندم! از آنچه می‌بینم انجام می‌دهی کم کن؛ به کیفیت توجه کن، نه کمیت؛ به عبارت دیگر ممکن است عبادت تو کمتر باشد، ولی طوری عبادت کن که همان عبادات کم، تو را به عالی‌ترین مراتب برساند «فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا رَضِيَ عَنْهُ بِالْيَسِيرِ»، زیرا خداوند عز و جل، اگر بنده‌ای را دوست بدارد، با عبادت کم هم از او خشنود می‌گردد؛ وقتی محبوب مولا شدی، با کار کم بالاترین مراتب و مقامات را به تو عنایت می‌کند، پس در این ایام که ثواب تلاوت یک‌آیه قرآن معادل کل قرآن است و نفس‌های مؤمنین و روزه‌داران عبادت است، همه چیز میان‌براست، ولی در میان میان‌برها عقلا عالی‌ترین را انتخاب می‌کنند، نزدیکترین راه را باید انتخاب نمود «أَنَّ الرَّاحِلَ إِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ»^۲.

در این شب‌ها از خداوند در درجه اول مقام شکر و «عبادت شاکران» را باید درخواست نمود، یعنی با زبان شکر گفت: خدایا! من تو را شکر می‌کنم که بار

۱. الکافی، ج ۲، ص ۸۷.

۲. إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۶۸؛ «سیرکننده به سوی تو مسافتش نزدیک است».

دیگر به من فرصت دادی دهه آخر ماه مبارک را درک کنم؛ خدایا! تورا شکر بار دیگر فرصت دادی که شبِ احیا را درک کنم؛ خدایا! تورا شکر که مرا انسان و مسلمان خلق کردی و مؤمن و شیعه امیرالمؤمنین علیه السلام قرار دادی، شکر که مرا با قرآن، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و ادعیه مانوس کردی، و هزاران شکر دیگر برای نعمت‌هایی که به نعمت بودن آنها توجه نداریم. این شکرها عبادت احرار می‌شود؛ و علامت عبادت احرار این است که انسان در هنگام خوردن سحری، در عبادت، در نماز، در نماز شب و در تلاوت قرآن از عبادت لذت ببرد؛ این همان است که در دعا از خداوند طلب می‌کنیم: خدایا! حلاوت عبادت را به من بچشان «مَنْ ذَا الَّذِي ذَاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَرَامَهُ مِنْكَ بَدَلًا»؛ کیست که شیرینی مناجات و انس با تورا بچشد و بعد این مقام را با مقامی دیگر و تورا با دیگری معاوضه کند؟!؛ «وَمَنْ ذَا الَّذِي أَنَسَ [أَنَسَ] بِقُرْبِكَ فَابْتَغَىٰ عَنكَ جَوْلًا»؛ کیست که با مقام قرب تو انس بگیرد بعد رویش را از تو برگرداند؟! خوش به حال کسانی که در این ایام به این مقام رسیدند و با خدا این‌گونه سخن می‌گویند:

توو طوبی و ما [و] قامت یار فکر هر کس، به قدر همت اوست^۲

۱. بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۱۴۸؛ مناجاة المحبین: «کیست که شیرینی محبت تورا چشید و دیگری را به جای تو برگزید؟! و کیست که نزد تو انس گرفت و روی از تو برگرفت؟!».

۲. دیوان حافظ، تصحیح قدسی، غزل ۳.

یکی برای بهشت و برای لذت‌های بهشتی با تو مناجات می‌کند، اما یکی هم فقط تو را می‌خواهد و اینکه به لقای تو برسد که مقام و فکر هرکس به قدر همت اوست.

عوامل دوری از مقام محبوبین

مواردی انسان را از مقام محبوبین دور می‌کنند و خداوند به صراحت در آیات قرآن کریم فرموده‌است: من این افراد را دوست ندارم؛ این موارد عبارت‌اند از:

۱. متکبران

اولین گروه متکبرین هستند؛ خداوند در آیات فراوان می‌فرماید: ﴿إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ﴾^۱؛ خداوند متکبرین را دوست ندارد، ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾^۲؛ تا به آنجا که با تندی می‌فرماید: ﴿أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ﴾^۳ متکبرین جایشان در جهنم است.

تکبر خیلی شاخه‌ها دارد؛ می‌توان به جرئت مدعی شد ریشه تمام صفات رذیله مانند غرور، برخورد تند، فحاشی، تهمت زدن، غیبت کردن و... در تکبر است لذا انسان متکبر جایی در میان محبوبین ندارد.

۱. النحل، ۲۳.

۲. لقمان، ۱۸؛ «خدا هیچ خودپسند فخرفروش را دوست ندارد».

۳. الزمر، ۶۰؛ «آیا در دوزخ جایگاهی برای متکبران نیست؟».

۲. ظالمان

بالاترین امری که انسان را به شدت از محبوبیت می‌اندازد، ظلم است؛ خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ﴾^۱؛ امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «وقتی پدرم علی بن حسین علیه السلام در آخرین لحظات عمرشان مرا فراخواندند و مرا به سینه خود چسباندند و فرمودند: «يَا بُنَيَّ» ای پسرم تورا وصیت می‌کنم به آن وصیتی که پدرم سیدالشهدا علیه السلام با بدن خون‌آلود هنگامی که برای آخرین وداع وارد خیمه شد و مرا در آغوش گرفت و به خود چسباندند و گفت پسرم تورا وصیت می‌کنم، به وصیتی که پدرم امیرمؤمنان علی علیه السلام در آخرین لحظات عمر مبارکش به من کرد و فرمود: «يَا بُنَيَّ إِنِّي أَتَاكَ وَظَلَمَ مَنْ لَا يَجِدُ عَلَيْكَ نَاصِرًا إِلَّا اللَّهَ»^۲؛ پسر! مبادا به کسی ظلم کنی که هیچ ناصری جز خدا نداشته باشد. باید از آه چنین کسی خیلی ترسید چون کافی است که سرش را بالا ببرد و بگوید: «خدایا! داد مرا تو بستان» و رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: بین بنده و بهشت هفت عقبه است، آسان‌ترین عقبه‌اش شب اول قبر است که در نظر ما سخت‌ترین عقبه است؛ در ادامه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره سخت‌ترین عقبه می‌فرماید: «الْوُقُوفُ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ تَعَالَى إِذَا تَعَلَّقَ الْمُظْلَمُونَ بِالظَّالِمِينَ»^۳؛ ایستادن

۱. آل عمران، ۵۷؛ «و خدا ستمگران را دوست نمی‌دارد».

۲. الکافی، ج ۲، ص ۳۳۱.

۳. نهج الفصاحة، ص ۳۷۴.

در پیشگاه خداوند عز و جل آن گاه که مظلومان گریبان ظالمین را می گیرند و می گویند اول حق ما را بدهید و بعد از آن رد شوید.

۳. حریم شکنان

متجاوزان و حریم شکنان کسانی هستند که حریم دیگران و اجتماع را درمی شکنند؛ توهین به افراد، توهین به پدر و مادر، توهین به دوستان، توهین به مؤمنین، حریم شکنی است، در مرتبه بالاتر کسانی که حریم علمای ربانی، در مرتبه بالاتر حریم ولایت، در مرتبه بالاتر حریم رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را و در عالی ترین مرتبه حریم پروردگار را به سادگی می شکنند؛ حضرت می فرماید: گناهکار در حین انجام گناه، ایمان ندارد^۱ به خاطر اینکه از دو حال خارج نیست یا می داند که خداوند او را می بیند و در عین علم به حضور در محضر پروردگار، گناه می کند و این کافراست چون با علم به حضور در محضر الهی گناه می کند؛ یا نمی داند در محضر پروردگار است که کافراست؛ پس کسی که ساده ترین گناه را هم می کند با کفر خودش حریم خدا را شکسته است؛ خداوند می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾^۲ بنابراین به سادگی انسان از مقام محبوب بودن می افتد؛ گرچه مسلمان، عابد و شب زنده دار باشد.

۱. «لَا يُزِيي الرَّأْيِي حِينَ يَزِي وَيُزِي وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَسْرِقُ السَّارِقُ حِينَ يَسْرِقُ وَهُوَ مُؤْمِنٌ». (الكافي، ج ۵، ص ۱۲۳)

۲. البقرة، ۱۹۰؛ «خدا تجاوزکاران را دوست ندارد».

۴. خائنان

اگر کسی در قراردادهای تجاری-اقتصادی، سیاسی و ارتباطات اجتماعی و... تعهد کند کاری را انجام دهد یا در امور شخصی و امور رایج زندگی، خانوادگی، عبادی و... متعهد به انجام عملی شود و انجام ندهد خیانت کرده است.

یا اینکه انسان در قرارداد ازدواج با همسرش عهد می‌بندد و قرار می‌گذارد به تعهدات زندگی عمل کند، با همسرش صمیمی باشد، دلش با او یگانه باشد؛ اگر این طور نبود، خائن است؛

البته بالاترین خیانت، خیانت به عهد بندگی با پروردگار است، سپس خیانت به انسان بودن خود است؛ خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ﴾^۱.

۵. مفسدان

مفسدان کسانی هستند که در جامعه اختلال و فساد می‌کنند؛ ﴿وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفَاسِدَ﴾^۲؛ این گروه را نیز خداوند دوست ندارد؛ حال هر نوع فساد، فساد اقتصادی، فکری، اعتقادی، اشاعه فحشا و... باشد؛ خداوند درباره عذاب اشاعه گران فحشا می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا

۱. الأنفال، ۵۸؛ «زیرا خدا خائنان را دوست ندارد».

۲. البقرة، ۲۰۵.

لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ^۱؛ امر به فحشا نیز از کارهای شیطان است ﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ﴾^۲ که فسادانگیز است و مفسدان محبوب پروردگار نیستند؛ ﴿وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾^۳.

۶. متجاهران به فسق

متظاهرين و متجاهرين به فسق، کسانی هستند که از گناه کردن خوشحال اند و تظاهر به گناه می کنند و بر اساس شواهد بسیار گناه تجاهر به فسق، بالاتر از خود فسق است که می فرماید: ﴿لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ﴾^۴؛ خداوند هرگز کسانی را که تظاهر به گناه می کنند دوست ندارد. حال تظاهر به هرگناهی باشد مانند کسانی که با بی حجابی تظاهر به آن می کنند و یا کسانی که غیبت و حرام خواری ها و... را علنی انجام می دهند و به آن افتخار می کنند. در شدت این گناه همین کفایت می کند که غیبت شخص متجاهر به فسق اشکالی ندارد.

۱. النور، ۱۹؛ «کسانی که دوست دارند کارهای بسیار زشت [مانند آن تهمت بزرگ] در میان اهل ایمان شایع شود، در دنیا و آخرت عذابی دردناک خواهند داشت».

۲. البقرة، ۲۶۸؛ «شیطان، شما را [به هنگام انفاق مال با ارزش] از تهیدستی و فقر می ترساند».

۳. المائدة، ۶۴؛ «خدا مفسدان را دوست ندارد».

۴. النساء، ۱۴۸؛ «خدا افشای بدی های دیگران را دوست ندارد».

۷. مرفهان بی درد

هرزگی و یلگی مرفهان بی درد موجب می شود درد فقرا در زندگی درک نشود؛ ﴿لَا تَقْرَحُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ﴾^۱ آدم‌های یله، بیکار و به اصطلاح کسانی که همه زندگیشان فقط شهوت، حیوانیت و لذت بردن است را خداوند این گروه را دوست ندارد و خداوند مثال بارزش را در قرآن قارون ذکر می کند.

۸. مسرفان

اسراف و زیاده روی انسان را به سرعت از مقام محبوبین دور می کند، حتی اگر در امور دینی، مانند وضو، انفاق و... باشد؛ «لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»^۲.

عوامل رسیدن به مقام محبوبین

صفاتی که خداوند در قرآن آنها را در زمره محبوبین قرار می دهد به شرح زیر است:

در قران گروهی از محبوبین توابین و متطهرین هستند؛ کسانی که سعی می کنند دائماً خودشان را پاکیزه نگه دارند، به محض اینکه آلودگی آمد توبه می کنند؛ خداوند درباره اینها می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَ يُحِبُّ

۱. القصص، ۷۶؛ «شادی مکن! قطعاً خدا شادمانان [متکبر و مغرور] را دوست ندارد».

۲. الانعام، ۱۴۱؛ «و اسراف نکنید همانا خدا اسراف کنندگان را دوست ندارد».

الْمُتَطَهِّرِينَ^۱؛ از جمله دستورات عمل‌های مرحوم علامه رحمته الله علیه دوام وضو است؛ یعنی کسانی که در ظاهر هم طهارت را حفظ می‌کنند اینها نیز در ظاهر جزء این دسته قرار می‌گیرند و با مراقبت و حفظ طهارت ظاهری، آرام آرام به مراتبی از طهارت باطنی توفیق می‌یابند.

خداوند در قرآن گروه‌های دیگری را نیز از محبوبین برمی‌شمارد: متقین،^۲ صابرين^۳، متوکلین^۴، محسنین^۵، مقسطین^۶ (عدالت پیشگان) و ... هستند.

عوامل رسیدن به مقام محبوبین در روایات

بر اساس روایات، اگر انسان به دنبال میان‌بر برای محبوبیت در درگاه الهی است، باید به کسانی که خداوند در دنیا آنها را خیلی دوست دارد، نزدیک شود؛ خداوند ضعفا، فقرا، مؤمنینِ ضعیف و... را دوست می‌دارد؛ در حدیث معراج خداوند به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «یا احمد!... فَأَدْنِ الْفُقَرَاءَ وَ قَرِّبْ مَجْلِسَهُمْ

۱. البقره، ۲۲۲؛ «خدا مردم تائب را دوست می‌دارد و آنهایی را هم که در پی پاک شدن هستند دوست می‌دارد».
۲. >بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَ اتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ>; «آری کسی که به عهد خود وفا کند و از خدا پروا نماید خدای تعالی پرواداران را دوست می‌دارد»؛ آل عمران، ۷۶.
۳. >وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ>; «خداوند صابران را دوست می‌دارد»؛ آل عمران، ۱۴۶.
۴. >إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ>; «خدا آنان را که بر او اعتماد کنند دوست دارد و یاری می‌کند»؛ آل عمران، ۱۵۹.
۵. >إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ>; «خدا نیکوکاران را دوست دارد»؛ البقره، ۱۹۵.
۶. >إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ>; «خدا عدالت‌پیشه‌گان را دوست می‌دارد»؛ المائدة، ۴۲.

مِنْكَ، أَذْنُكَ»^۱؛ اگر می‌خواهی محبوب من باشی، به فقرا محبت داشته باش، به فقرا نزدیک شو، با آنها حشر و نشر داشته باش، دلجویی کن! تا من به تو نزدیک شوم.

گروه دیگری از محبوبان پروردگار آن کسانی هستند که با عبادات انس بیشتری دارند؛ در روایت می‌فرماید: محبوب‌ترین انسان‌ها به پروردگار آن کسی است که راست‌گو و محافظ بر نمازش است «أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ رَجُلٌ صَدُوقٌ فِي حَدِيثِهِ مُحَافِظٌ عَلَى صَلَاتِهِ»^۲.

گروه سوم کسانی هستند که به مردم خدمت می‌کنند و نفع بیشتری به آنان می‌رسانند؛ در روایتی از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سؤال کردند: «أَحَبُّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ»^۳؛ محبوب‌ترین مردم نزد خدا چه کسانی هستند؟ فرمودند: «أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ»؛ آن‌هایی که برای مردم نافع‌تر هستند؛ از این رو شغل‌هایی که نفعش به مردم بیشتر است، انسان را به سرعت محبوب می‌کند.

۱. بحار الأنوار، ج ۷، ص ۲۳؛ «ای احمد! ... پس فقیران را نزدیک ساز و در مجلسشان نزدیک شو تا به تو نزدیک شوم».

۲. الأُمَالِي (لِلصَّدُوقِ)، ص ۲۹۵.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۱۶۴.

درخواست مقام محسنین در آخرین فرصت‌ها

یکی از دعا‌های فوق‌العاده‌ای که شایسته است در قنوت نماز شب دهه پایانی ماه مبارک از خداوند مسئلت کند این دعاست: «أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ!»؛ خدایا! از تو می‌خواهم که بر محمد و اهل بیتش درود بفرستی و نام مرا در این شب در دیوان سعیدان خود قرار دهی! «وَرُوحي مَعَ الشُّهَدَاءِ»؛ و روح مرا با شهدا محشور کنی! «وَإِحْسَانِي فِي عَلِيِّينَ»؛ و کارهای نیک مرا در مقام علیین قرار دهی؛ به عبارت دیگر در یک کلام در زمره محسنین و در مقام احسان باشم. سعید در لغت یعنی کسی که دیگری در امور خیر دائماً او را کمک می‌کند؛^۲ یعنی کسی که خداوند او را تحت ولایت خود قرار داده، کمکش می‌کند؛ سعید در دعاها یعنی کسی که دائماً خداوند پشت و پناه او در سیر به سوی خیرات است، این صفتی است که خداوند درباره ائمه عليهم السلام می‌فرماید: «وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ»^۳ ما به آنان کارهای خیر را الهام می‌کنیم، چگونگی اقامه نماز را جلو پایشان می‌گذاریم و بهترین وجه راز و نیاز با خدا را برایشان فراهم می‌کنیم،

۱. الکافی، ج ۴، ص ۱۶۰.

۲. السُّعْدُ وَالسُّعَادَةُ: یاری کردن در کارهای خدایی و الهی است برای رسیدن به خیر و نیکی، نقطه مقابلش - شقاوت - است. (ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ج ۲، ص ۲۱۹)

۳. الأنبياء، ۷۳؛ «و انجم دادن کارهای نیک و برپا داشتن نماز و پرداخت زکات را به آنان وحی کردیم».

انفاق و برطرف کردن مشکلات مردم را برایشان قرار می‌دهیم. این مقام مخلصین است که نتیجه آن، قرار گرفتن در مقام سعدا است.

«وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ»^۱ مرا در مقام شهدا قرار بده! شهدا در معنای اصلی لغت یعنی کسانی که در عالم ملکوت شاهد و ناظر بر عالم ناسوت هستند^۲ یعنی آنان یک سروگردن در دنیا از دیگران بلندتر هستند، جهان بینی دیگران دنیایی است، ولی اینها از دنیا عبور کردند و از عالم ملکوت، دنیا را مشاهده می‌کنند؛ از این رو قرآن شهید را به معنای شاهد، یعنی کسی که در مرتبه بالاتر به دنیا می‌نگرد و خود را به دنیا نفروخته است، معنا می‌کند؛ «الدُّنْيَا دَارٌ مَمَرٌ لَا دَارٌ مَقَرٌّ»^۳ دنیا سرای عبور است، دنیا خانه و محل ایستادن نیست «وَالنَّاسُ فِيهَا رَجُلَانِ» انسان‌ها دو گروه‌اند، یک گروه کسانی هستند که خود را به دنیا می‌فروشند؛ در نتیجه جهان بینی شان خور و خواب و خشم و شهوت است و گروهی دیگری خود را از دنیا آزاد می‌کنند و در نتیجه آزاد از غل و زنجیرها از بالا دنیا را مشاهده می‌کنند؛ بنابراین در فرهنگ قرآن یک گروه از شهدا هستند که به سوی مقام شهادت میان‌برزدند و با بذل جان خود به این مقام رسیده‌اند، ولی دیگران با اعمال خالصانه می‌توانند در مقام شهدا قرار بگیرند؛ نتیجه آنکه

۱. الکافی، ج ۴، ص ۱۶۱.

۲. أن الأصل الواحد في هذه المادة: هو العلم بالحضور عند المعلوم و معاينته (التحقيق في كلمات القرآن

الکریم، ج ۶، ص ۱۳۰)

۳. نهج البلاغة (للصبيحي صالح)، ص ۴۹۳.

همیشه در باغ شهادت به روی انسان باز است؛ چه در معرکه جنگ کشته شود و یا نفس اماره را در راه توحید بکشد و دومی کشته شدن در جهاد اکبر است.

«وَإِحْسَانِي فِي عَلِيٍّ»^۱ خدایا! خوبی‌ها و کارهای مرا به فضلت در عالی‌ترین مقام قرار بده؛ امام صادق علیه السلام فرمود: اگر کسی محبوب باشد، خداوند کم او را هم زیاد قبول می‌کند^۲، عمل کم نیز او را در زمره علیین قرار می‌دهد. در اشعار توحیدی ما، شعر زیبایی است که می‌گوید: «وَجُودُكَ دَنْبٌ لَا يُقَاسُ بِهِ دَنْبٌ»^۳ و شعری در این رابطه دارد که می‌گوید:

بَيْنِي وَبَيْنَكَ إِنِّي [إِنِّي] يُنَازِعُنِي فَارْفَعْ بِلُطْفِكَ إِنِّي [إِنِّي] مِنَ الْبَيْنِ^۴

خدایا! بین من و تو، آن چیزی که مانع دیدن توست، منیت من است «فَارْفَعْ بِلُطْفِكَ إِنِّي [إِنِّي] مِنَ الْبَيْنِ» خدایا! انیت مرا به برکت ماه مبارک رمضان بردار «وَإِحْسَانِي فِي عَلِيٍّ»^۵

در ادامه می‌فرماید «وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي» خدایا! آن مقام و مرتبه مخلصین را به من بده که در آن مقام نه تنها عین‌الیقین که در مقام حق‌الیقین قرار بگیریم؛ یعنی قلب مرا مالا مال از یقین به خود کن و به من آن مرتبه از ایمان را

۱. الکافی، ج ۴، ص ۱۶۱.

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: «فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا رَضِيَ عَنْهُ بِالْيَسِيرِ» (الکافی، ج ۲، ص ۸۷).

۳. رسائل عرفانی، ص ۶۴.

۴. همان، ص ۶۶.

۵. الکافی، ج ۴، ص ۱۶۱.

بده، که هرگز از تو جدا نشوم و لحظه‌ای به غیر تو فکر نکنم «وَإِيمَانًا يُدْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي» آن مرتبه از ایمان که هیچ چیزی میان تو و آن مرتبه از ایمان من حتی خود من حائل نشود؛ این زیباترین بیان در خودسوزی است و چه زیبا خواهد حافظ می‌گوید:

حجاب چهره جان می شود غبار تنم

خوشا دمی که از این چهره پرده برفکنم!

چنین قفس نه سزای چو من خوش الحانی است

رَوْم به گلشن رضوان، که مرغ آن چمن^۱

خدایا! تو مرا از اول برای بهشت رضوان خلق کردی، بهشت رضوان برای مخلصین است آن کسانی که هرگز به غیر تو فکر نکردند، حتی عبادات را برای بهشت تو انجام ندادند بلکه همه کارهایشان را فقط برای تو انجام دادند.

عیان نشد که چرا آدم کجا بودم دریغ و درد که غافل ز کار خویشتم

چگونه طوف کنم در فضای عالم قدس؟ چو در سراچه ترکیبِ تخته بندِ تنم

درخواست بخشش و جبران کوتاهی‌های ماه رمضان

در فرازی از دعاهای دهه پایانی ماه مبارک این عبارت تکرار می‌شود: «وَأَنَّ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا يُدْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي»^۱ تا به آنجا که می‌فرماید:

۱. دیوان حافظ، تصحیح قدسی، غزل ۴۰۱.

«وَأَنْتِي فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةٌ وَقِنَا عَذَابَ الْحَرِيقِ»^۲ این دعایی است که در قنوت نماز نیز خوانده می‌شود، باید دانست که «ة» در «حسنة» برای مبالغه است؛ یعنی بالاترین حُسن را به من عنایت کن! این نشان می‌دهد که مراد از بالاترین حُسن، کلمه توحید است؛ یعنی همان مقام مخلصین و مقربین و بعد از آن اتصال تام به مقام ولایت که انسان باید علماً، عملاً، صورتاً، سیرتاً، ظاهراً، باطناً، از همه جهت خود را شبیه به اولیای الهی کند و دنباله‌روی آنان در همه امور باشد، از جمله دیگر دعا‌های این شب‌ها که باز مضامین بلندی دارد دعایی است که امام صادق ع معمولاً بعد از فرائض و نوافلشان می‌خواندند، دعا را مرحوم محدث قمی رحمته الله علیه نیز در مفاتیح الجنان ذکر می‌کنند «اللَّهُمَّ أَدِّعْنَا حَقَّ مَا مَضَى مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَاعْفِرْ لَنَا تَقْصِيرَنَا فِيهِ وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا مَقْبُولاً»^۳ بارالها! آنچه از نواقص در ماه رمضان از ما فوت شد را جبران کن و تقصیرها، کوتاهی‌ها و وظایفی را که در ماه رمضان از روی عمد یا غیرِ عمد انجام ندادیم به کرمت جبران کن، در ادامه می‌فرماید: «وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا مَقْبُولاً» رضانی که از سوی خود به عنوان امانت در اول ماه به ما عنایت کردی، آن را پاک و باصفا، از ما قبول کن؛ در شب اول ماه مبارک مستحب بود این دعا خوانده شود که پیغمبر

۱. الکافی، ج ۴، ص ۱۶۱؛ «مرا یقینی بدهی که به سبب آن با دلم هم دم شوی و ایمانی عطا کنی که با آن، شک را از من ببری».

۲. همان؛ «ما را در دنیا نیکی عطا کن و در آخرت هم نیکی عطا کن و از عذاب آتش، نگاهمان دار».

۳. ماه خدا (پژوهشی جامع درباره ماه مبارک رمضان از نگاه قرآن و حدیث)، ج ۲، ص ۵۹۲.

اکرم ﷺ وقتی که هلال ماه مبارک را می‌دیدند رو به قبله می‌شدند و می‌فرمودند «اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ»^۱ بعد در پایان می‌فرمود: «اللَّهُمَّ سَلِّمْهُ لَنَا وَتَسَلِّمْهُ مِنَّا وَسَلِّمْنا فِيهِ»^۲؛ خدایا! ما را با ماه رمضان یگانه، باصفا و صمیمیت قرار بده؛ حال در شب‌های پایانی می‌گوییم: خدایا! توهم از ما این ماه را مقبول پذیر؛ یعنی ما حق این ماه را پاکیزه، بدون ایجاد کم و کاستی ادا کنیم و به تو بدهیم؛ امام سجاد علیه السلام در دعای وداع می‌فرماید: «اللَّهُمَّ اسْلَخْنَا بِأَسْلَاحِ هَذَا الشَّهْرِ مِنْ خَطَايَانَا وَأَخْرِجْنَا بِمُجْرُوحِهِ مِنْ سَيِّئَاتِنَا»^۳ همان‌طور که این ماه از ما جدا می‌شود، گناهان ما را نیز به برکت ماه مبارک از ما جدا کن!

در روزهای پایانی ماه مبارک و در آخرین لحظات شایسته است از خداوند چند چیز را درخواست کنیم:

اول: بهره‌مندی از عنایات خاص

از خداوند بهره‌مندی از عنایات خاص را مسئلت نماییم؛ «وَأَجْعَلْنَا مِنْ أَسْعَدِ أَهْلِهِ بِهِ»^۴ ما را از رستگارت‌ترین شخصیت‌ها و انسان‌ها در ماه رمضان را قرار

۱. الکافی، ج ۴، ص ۷۱؛ «امنیت و ایمان را در این ماه بر ما فرو بریز».

۲. همان؛ «خداوند! بر روزهداری آن یاری مان کن و آن را از ما بپذیر و ما را در آن، سلامت بدار و آن را همراه آسانی و عافیت».

۳. الصحیفة السجادية، ص ۲۰۲؛ «خداوند! با سپری شدن این ماه، ما را از گناهانمان بیرون آر و با خروج این ماه، ما را از بدی‌هایمان بیرون کن».

۴. همان.

بده! چنان که در بخشی از دعا حضرت می‌فرمایند: «مَنْ رَعَى هَذَا الشَّهْرَ حَقًّا رِعَايَتِهِ» بسیاری از بندگان حق این ماه را به جا آوردند، حرمتش را به درستی حفظ کردند، حدودش را نگه داشتند، خودشان را به شدت کنترل کردند که گناهی از آنها سر نزنند؛ سپس در پایان می‌فرماید: «فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِكَ» عین آنها را نیز به من بده! من قاصرم اما تو کریمی باید از خداوند متعال دعاهای بلندی درخواست کنیم؛ «أَنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَعَالِيَ الْأُمُورِ وَيَكْرَهُ سَفْسَافَهَا» خدا آدم-های بلندهمت را دوست دارد، آدم‌های کوتاه همت را دوست ندارد به ویژه در شب‌های پایانی ماه رمضان، و حضرت در ادامه می‌فرماید: نه تنها مثل عبادات اولیایت را در نامه اعمال من مرقوم کن، بلکه «أَعْطِنَا أَضْعَافَهُ مِنْ فَضْلِكَ»^۲ حتی چندین برابر آنها را از روی فضل خود به من بده! «فَإِنَّ فَضْلَكَ لَا يَغِيضُ» که هرگز دریای کرم تو، تمامی و پایانی ندارد «وَإِنَّ خَزَائِنَكَ لَا تَنْقُصُ بَلَّ نَفِيضٍ» هرگز خزائن تو تمامی ندارد، بلکه فیضان دارد و دائماً می‌ریزد؛ جا دارد گذری به شعر بسیار لطیف خواجه بزیم:

در خرجه چو آتش زدی ای عارف سالک جهدی کن و سر حلقه زندان جهان

باش^۳

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۷۳؛ «خداوند، کارهای بزرگ را دوست می‌دارد و کارهای پست را ناپسند می‌شمرد».

۲. الصحیفة السجادیة، ص ۲۰۴.

۳. دیوان حافظ، تصحیح قدسی، غزل ۳۲۹.

از این روانسان بلند نظر باشد و حال که در این راه آمده، مردانه و غیورانه قدم بردارد.

دوم: دعا در حق دیگران

دعا برای دیگران نسبت به دعا در حق خودمان بسیار مقبول‌تر و مستجاب‌تر است، چنان‌که در دعای وداع حضرت می‌فرماید: «اللَّهُمَّ تَجَاوَزْ عَن آبَائِنَا وَ أُمَّهَاتِنَا وَ أَهْلِ دِينِنَا جَمِيعاً مَن سَلَفَ مِنْهُمْ وَ مَن غَبَرَ!» خدایا! گناهان پدران و مادران و همه همکیشان، گناهان گذشتگان و آیندگان از آنان را بیامرز؛ حضرت برای همه حتی آنان که در آینده به دنیا خواهند آمد و نادانسته در مسیر خلاف حرکت می‌کنند و برای فرزندان آینده خود نیز دعا می‌کنند؛ به هر صورت آنها کودکانی هستند که در ملت اسلام متولد شدند. باید به یاد داشته باشیم دعا در حق دیگران را، خداوند هزاران برابر در حق خود انسان مستجاب می‌کند، در روایت می‌فرماید: وقتی انسان در حق دیگران دعا می‌کند و خیرخواه دیگران می‌شود، خداوند به ملائکه خود دستور می‌دهد در حق او آمین بگویند و با آمین ملائکه، خداوند دعای او در حق دیگران را در حق خود او در ابتدا مستجاب می‌کند و سپس برای دیگران اجابت می‌کند.^۲

۱. الصحیفة السجادیة، ص ۲۰۲: دعای چهل و پنجم وداع با ماه مبارک رمضان.

۲. قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: «أَسْرِعُ الدُّعَاءِ نُجْحاً لِلْإِجَابَةِ دُعَاءُ الْأَخِ لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ يَبْدَأُ بِالْدُّعَاءِ لِأَخِيهِ فَيَقُولُ لَهُ مَلِكٌ مُّوَكَّلٌ بِهِ آمِينَ وَ لَكَ مِثْلَاهُ»؛ (الكافي، ج ۲، ص ۵۰۷).

سوم: استقامت بر راه

در خواست آخر در این ایام از خداوند متعال استقامت است، استقامت در آنچه به برکت ماه مبارک رمضان کسب کرده است، ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ﴾؛ آن‌هایی که گفتند پروردگار ما خداست، مؤمنین بسیاری این را گفتند، اما ملائک بر آنان که استقامت ورزیدند، نازل می‌شوند و به آنها گفته می‌شود ﴿أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ﴾^۲؛ از این روشناخته است انسان از خدا بخواهد حالات خوش ماه مبارک رمضان و صفات حمیده کسب شده در آن مانند نماز شب، سحرخیزی، نماز اول وقت، کنترل زبان، چشم و... را برای او حفظ کند و بعد از عید فطر نیز توفیق انجام این اعمال را به او عنایت کند؛ به نحوی که دائماً مست باده انس با مولا بوده و از رحیق مختوم و حتی از تسنیم او بهره‌مند گردد.

وین سوخته را محرم اسرار نهان باش

باز آی و دل تنگ مرا مونس جان باش

ما را دو سه ساغر بده و گور رمضان باش^۳

ز آن باده که در مصطبه عشق فروشند

۱. فصلت، ۳۰؛ «بی تردید کسانی که گفتند: پروردگار ما خدا است؛ سپس [در میدان عمل برای این حقیقت] استقامت ورزیدند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند».

۲. فصلت، ۳۰؛ «[و می‌گویند:] مترسید و اندوهگین نباشید و شما را به بهشتی که وعده می‌دادند، بشارت باد».

۳. دیوان حافظ، تصحیح قدسی، غزل ۳۲۹.

شتاب به سوی عیدی الهی در عید فطر

عید فطر آخرین وداع سوزناک با رفیقی صمیمی است که نزدیک به سی شب با او همدل و همراز و هم‌نوجا بودیم؛ وجه نامگذاری عید فطر این است که در این روز همه می‌باید روزه‌های خود را افطار کنند و روزه گرفتن در آن حرام است. معنای لطیف دیگری نیز می‌توان برای فطر با الهام از آیه شریفه سی سوره مبارکه روم در نظر گرفت که فرمود: ﴿فَأَقْمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾^۱ چون «فطر» در اصل لغت به معنای شکافتن است^۲ و چه بسا افطار را هم از این جهت گفتند که روزه‌دار روزه خود را می‌شکافت. ولی معنای زیبای دیگری با الهام از دعاهای روز عید فطر می‌توان در نظر گرفت و آن اینکه روز عید فطر، روز جایزه است «إِذَا كَانَ أَوَّلُ يَوْمٍ مِنْ سَوَالٍ نَادَى مُنَادٍ أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ اَعْدُوا إِلَى جَوَائِزِكُمْ»^۳ بشتابید به سوی جوایزتان؛ چون باید در ماه رمضان به تدریج به مقام کامل ولایت و مخلصین نزدیک شد. دعاهای این شب به خوبی این معنا را نشان می‌دهد؛ بنابراین با توجه به دو معنای اخیر، عید فطر روز جایزه است، روز شکافته شدن حجاب‌ها برای انسان است، روز

۱. الروم، ۳۰؛ «پس حق‌گرایانه و بدون انحراف با همه وجودت به سوی این دین [توحیدی] که بر سرشت خدا مردم را بر آن سرشته است روی آور برای آفرینش خدا هیچ‌گونه تغییر و تبدیلی نیست.».

۲. الفاء و الطاء و الراء أصلٌ صحيحٌ يدلُّ على فُتْحِ شَيْءٍ و إِبْرَازِهِ مِنْ ذَلِكَ؛ معجم المقاییس اللغة، ج ۴، ص ۵۱۰.

۳. الکافی، ج ۴، ص ۱۶۸؛ «چون روز اول ماه سؤال شود، منادی ندا می‌دهد: ای مؤمنان! صبحگاهان به سوی جایزه‌هایتان بشتابید.».

ظهور انسانیت انسان و فطرت توحیدی اوست، روز درخواست ظهور کمال ولایت برای یکایک روزه‌داران است؛ حتی برای کسی که بنا بر عذری روزه نگرفته باشد چون به هر صورت در مهمان‌خانه پروردگار مهمان بوده است و خداوند به کرم خود، ماه مبارک را برای همه مبارک قرارداد؛ در نتیجه عید فطر روز ظهور حقیقت فطرت توحیدی و روز حرکت برای دریافت جوایز است؛ «اغْدُوا إِلَيَّ جَوَائِزَكُمْ».

روایت آن جایزه بزرگ و ارزشمند را مشخص کرده و می‌فرماید: «الصَّوْمُ لِي وَ أَجْرِي بِهِ»^۱، روزه برای من است و من به آن پاداش می‌دهم و در معنای لطیف‌تر چنان‌که امام امت فرمود^۲ و در برخی از کتاب‌ها صیغه مجهول ضبط شده است «أَنَا الَّذِي أُجْرَى بِهِ»^۳ یعنی خود خداوند جزا و پاداش و جایزه این روز برای اولیا و مخلصین است.

هرگز نباید چشم از کرم مولا برداشت که کسی که بیست و نه شب دربِ خانه مولا را دائماً بکوبد، می‌یابد «مَنْ طَلَبَ شَيْئاً وَجَدَّ وَجَدَ، وَ مَنْ قَرَعَ بَاباً وَ لَجَّ وَ لَجَّ»؛ کسی که دری را دائماً بکوبد، بالاخره سری از آن در بیرون می‌آید و جواب

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۷۵.

۲. و جزای چنین روزه‌ای خداست؛ چنانکه فرموده است: الصوم لي و انا أُجْرَى بِهِ. (جهاد اکبر، ص ۴۴)

۳. مسکن الفؤاد، ص ۴۱.

۴. شرح مصباح الشریعة؛ ترجمه عبدالرزاق گیلانی، ص ۱۶؛ «کسی که چیزی را طلب کند و جدیت در طلب داشته باشد می‌یابد و کسی که دری را بکوبد و اصرار کند وارد می‌شود».

می شنود که چه می خواهی ای بنده من؟! به خصوص اگر صاحب خانه کریم باشد از این رو در شب عید در مغفرت و آمرزش خود و استجابت دعا ذره‌ای نباید تردید داشت و همه به برکت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ و صدیقه طاهره عَلَيْهَا السَّلَامُ و به برکت امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ، که این ایام تعلق به این نورهای مبارک دارد، قطعاً آرمزیده شده‌ایم و سخن در مقام و مرتبه است؛ بنابراین اول دعا در این شب شکر است. خدایا! تورا شکر که ماه مبارک دیگری را بر من عرضه داشتی و مرا به روزهای پایانی آن رساندی؛ عاجزانه به درگاه مولا باید عرضه داشت که آن وعده‌هایی که در ماه مبارک به اولیای و بندگان خود دادی آن وعده‌ها را در حق ما نیز عمل فرما.

ساقیا! آمدن عید، مبارک باد! و آن مواعید که کردی، مَرُواذ از یادت^۱

این دعاها را باید در لحظات پایانی ماه از خداوند خواست؛ بارخدایا! به ما قول دادی که مغفرت و رحمت شامل حالمان می‌شود، وعده دادی که دشمنان و شیاطین ما را به زنجیر می‌کشی، وعده دادی در مراتب سیر به سوی خود کمک می‌کنی؛ خدایا! مبدا اینها را از ما سلب کنی و استعداد دریافت آنها را از ما بگیری.

عید فطریکی از چهارعید برجسته عالم اسلام است؛ ولی تفاوت اساسی با سایر اعیاد دارد که از مضامین دعای وداع امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَامُ برمی‌آید اولین تفاوت

۱. دیوان حافظ، تصحیح قدسی، غزل ۷۲.

آن است که اولیای الهی و اهل الله در عین لذت بردن و خوشحالی در شب و روز از دریافت جوایز بزرگ از پروردگار کریم از جهتی دیگر درد فراق دلهره و اضطراب دارند و غصه دار جدایی از یک دوست صمیمی هستند. مرحوم محدث قمی به نقل از سیدبن طاووس می‌فرماید: «درست است که عید فطر عید است، ولی مبادا به بازی و اهمال و امور دیگر پردازیم. مضطرب باش! ناراحت باش! استغفار کن «أَنْتَ لَا تَعْلَمُ أَمْرُودُ أَمْ مَقْبُولُ الْأَعْمَالِ»^۲ چون نمی‌دانی که کارنامه ات را چگونه به دست تو می‌دهند؟ آیا کارنامه مردودی از ماه مبارک رمضان به دست می‌آید یا کارنامه مقبول؟ «فَإِنْ رَجَوْتَ الْقَبُولَ فَقَابِلِ ذَلِكَ بِشُكْرِ الْجَمِيلِ» اگر امید به قبولی داری به زیبایی شاکر باش و اگر می‌ترسی که کارنامه مردودی را به دست تو بدهند «وَإِنْ خِفْتَ الرَّدَّ فَكُنْ أَسِيرَ الْحُزْنِ الطَّوِيلِ» غصه دار باش، استغفار کن!»

امام سجاد علیه السلام در دعای وداع می‌فرماید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ قَرِينٍ جَلَّ قَدْرُهُ مَوْجُودًا وَ أَفْجَعَ فَقْدُهُ مَقْفُودًا»^۳ خدا حافظ ای دوست صمیمی که وقتی آمدی خیلی برای من زیبا و جلیل‌القدر بودی و حال که می‌روی خیلی برای من دردناک و غصه دار است «وَمَرْجُوؤُ الْآلَمِ فِرَاقُهُ» آن کسی که من به تو خیلی امید

۱. عید جمعه، قربان، غدیر و عید فطر.

۲. مفاتیح الجنان ص ۲۴۶؛ اعمال روز عید فطر.

۳. صحیفه السجادیه ص ۱۹۸.

بسته بودم و الان فراق تو خیلی برای من دردناک است، «السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ أَلَيْفٍ
 أَنَسٍ مُقْبِلًا فَسَرَّ، وَأَوْحَشَ مُنْقَضِيًا فَمَضَ» خداحافظ ای دوست صمیمی که
 وقتی آمدی سرور و شعف سراپای مرا دربرگرفت و به استقبال آمدم و اکنون که
 داری می‌روی خیلی وحشتناک، خیلی دردناک و خیلی غصه‌دار است
 «السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ مُجَاوِرٍ رَقَّتْ فِيهِ الْقُلُوبُ وَقَلَّتْ فِيهِ الذُّنُوبُ»؛ حضرت با ماه
 رمضان خداحافظی می‌کند چه ماه خوبی بودی که در تو، گناهان من بسیار کم
 شد، چه ماه خوبی بودی که در مناجات با تو و با پروردگار تو قلبم رقیق شد، چه
 ماه خوبی بودی که معین و ناصری برای مبارزه با شیطان و نفس اماره بودی و
 چه ماه خوبی بودی که راه‌های نیک را برای من باز کردی.

دلا! بسوز، که سوز تو کارها بکند دعای نیم شبی، دفع صد بلا بکند
 عتابِ یار پری چهره، عاشقانه بکش که يك کرشمه، تلافی صد جفا بکند
 ز ملك تا ملکوتش، حجاب بگیرند هرآن که خدمتِ جام جهان نما بکند
 طیبِ عشق مسیحا دم است و مشفق لیک چودرد در تونبند، که را دوا بکند؟^۱

ای کاش! با رفتن این ماه آن نگاه اولیای الهی و نگاه عطفانه پروردگار بر ما
 باقی بماند.

ای کاش! ما درد بی‌دردی، درد نفس اماره خود را بدانیم و بفهمیم و دائماً
 پیش طیب عشق که پروردگار باشد ببریم تا او دوا کند.

۱. دیوان حافظ، تصحیح قدسی، غزل ۱۶۸.

در این روز باید سراغ آن شفיעی رفت که شفاعت او هرگز رد نمی‌شود؛ به همین جهت در این روز دعای ندبه وارد شده‌است، دعای ندبه یعنی دعای گریه، با گریه در آستان امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام خطاب به آن حضرت عَلَيْهِ السَّلَام باید عرضه داشت: «اگر ما قابل نبودیم، بارالها! ما را به قابلیت امام زمانمان عَلَيْهِ السَّلَام قبول کن! لذا دعایی که در سجده روز عید فطر بعد از دعای ندبه است، می‌فرماید «اللّٰهِي اِنْ كُنْتَ بِئْسَ الْعَبْدِ فَانْتَ نِعَمَ الرَّبِّ»^۱ خدایا! اگر من بنده بدی در ماه رمضان بودم، تو پروردگار خوبی بودی «عَظَمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ فَلِيَحْسُنِ الْعَفْوُ مِنْ عِنْدِكَ يَا كَرِيْمَ الْعَفْوِ»^۲ صدبار «**العفو**» بگو.

در دعای دیگری که برای اعیاد ابوحمزه ثمالی از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام نقل کرده است می‌فرماید: «يَا عَظِيْمُ يَا عَظِيْمُ يَا عَظِيْمُ اغْفِرْ لِي الْعَظِيْمَ مِنْ ذُنُوْبِي، فَاِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوْبَ الْعَظِيْمَةَ اِلَّا اَنْتَ، يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ»^۳ ای خدایی که عظیم هستی! اگر گناهان من به قدری بزرگ است که ماه رمضان نتوانست گناهان بزرگ من را پاک کند، تو بزرگ‌تر از گناهانم هستی، از این رو خداوند را به عظمتش قسم بدهیم که گناهان بزرگ ما را ببخشد و بیامرزد.

۱. مفتاح الجنان، ص ۲۴۶؛ اعمال عید فطر.

۲. همان.

۳. إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۲۸۰.

شعر «روز هجران و شب فُرقت یار آخر شد» برای آن کسانی است که عید فطر جایزه گرفتند، به اعلی مراتب مقامات مخلصین نائل شدند و لو که آن اعلی مرتبه به امام زمانمان عجل الله تعالی فرجه الشريف و اولیای الهی تعلق دارد، مگر نه آن است که ما در دعای روز عید فطر عرضه می‌داریم:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا سَأَلْتُكَ بِهِ عِبَادَتِكَ الصَّالِحُونَ وَأَعُوذُ بِكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ الْمُخْلِصُونَ»^۱

خدایا! ما از تو بهترین‌هایی که بندگان مخلصت از تو می‌خواهند یعنی تمکن در توحید را می‌خواهیم.

در زمانی که خداوند وعده داده است که دعای همه را مستجاب کند و روزه‌داران را جایزه دهد در دعای قنوت عید فطر آن هم نه یک بار و دوبار، بلکه پنج بار در رکعت اول و چهاربار در رکعت دوم، از خداوند درخواست می‌کنیم «وَأَنْ تُدْخِلَنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ»^۲ خدایا! اهل بیت عصمت و طهارت عليهم السلام را در بهشت لقا داخل کردی، در توحید خواص داخل کردی، ما آن مقام را از تو می‌خواهیم، درست است که ما قابل نیستیم ولی به قابلیت آنان این جایزه را از تو می‌خواهیم؛ خواهی حافظ چه زیبا گفته‌است:

۱. زادالمعاد، ص ۱۵۴.

۲. همان.

روز هجران و شب فُرقت یار آخر شد
 زدم این فال و گذشت اختر و کار آخر شد
 آن همه ناز و تنعم که خزان می فرمود
 عاقبت، در قدم باد بهار آخر شد
 بهار ما رمضان بود و باد بهار در روزهای پایانی آن، زشتی ها را از ما برد و لقای
 ما به نتیجه رسید.

بعد از این، نور به آفاق دهم از دل خویش
 که به خورشید رسیدیم و غبار آخر شد
 آن پریشانی شب های دراز و غم دل
 همه در سایه گیسوی نگار آخر شد^۱
 خدایا! نگار ما امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ ماست؛ خدایا! ما را به لقای امام
 زمانمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ به ظهور پرفروغ او نائل بگردان و همه اعمال ما را به برکت
 دعاهای امام زمانمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ مقبول بگردان.